صورت اسامی مؤلفین این کتاب

برزیل ــ پروفسور م. ب. لورنچو فیلو ، مربی معروف برزیلی، رئیس کمسیون ملی یونسکو دربرزیل، ریودوژانیرو.

ساحل طلا ــ م. ل. آ. گرندی استاد مدرسهٔ کوماندا(ساحل طلا)

هندــ دکتر آ. بیرس، نائب رئیس انستیتوی مرکزی تعلیم وتربیت حکومت هندوستان، دهلی.

مکزیک ابزیدرو کاستیلو، کارشناس تعلیمات اساسی.C.R. F. F. A. L (مرکز ناحیه ای تعلیمات اساسی یونسکو برای آمریکای لاتین) در پاتزکوآرو(مکزیک)

سلسله انتشارات یونسکو در مسائل تربیتی :

I. *L'enfance victime de la gucrre,* par Thérèse Brosse.

II. *L'éducation des adultes; tendances et réalisations actuelles*

III. *L'enfance vagabonde.*

IV. *Les universités et l'éducation des adultes*.
par Cyril O. Houle, S. G. Raybould, E. A. Corbett
Baldwin M. Woods et Helen V. Hammarberg.

V. *La femme et l'éducation:*
par Amanda Labarca H. K. L. Joshi, P. D. Shukla,
Mitra Mitrovitch et Vida Tomsitch.

VI. *La formation du Personnel enseignant: Augleterre, France, États-Unis d'Amérique.*
par C. A.Richardson, Hélène Brûlé et Harold E.
Snyder (en préparation).

VII. *La formation des maîtres ruraux,*
par M. B. Lourenço Filho, L. A. Creedy, E. A. Pires
et Isidro Castillo.

VIII. *L'éducation civique des femmes quelques suggestions pratiques* par H. Sourgen.

IX. *L'hygiéne mentale à l'école maternelle rapport d'un comité mixte d'experts* OMS/ *Unesco* (en préparation)

Publiés conjointement par l'Unesco et le Bureau d'éducation:

La formation du personnel enseignant primaire (deux volumes.)

La rétribution de personnel enseignnnt primaire.

سازمان فرهنگی و تربیتی وعلمی ملل متحد(یونسکو)طبق تصمیم سی و پنجمین جلسه شورای اجرائی یونسکو بمنظور اشاعهٔ علوم و فرهنگ و توسعهٔ معلومات مردمان جهان و تزیید مناسبات فرهنگی و کمك بحسن تفاهم بین المللی با کمیسیونهای ملی در کشورهای خاورمیانه از جمله کمیسیون ملی یونسکو در ایران قرار گذاشته است که منتخبی از انتشارات سودمند این سازمان فرهنگی جهانی را بزبانهای محلی اقتباس و ترجمه کرده و باطبع و نشر آنها درمعرض مطالعه مردم بگذارند.

کمیسیون ملی یونسکو در ایران برای اجرای این تصمیم یونسکو بترجمه وطبع و نشر شش کتاب ذیل :

١ ـ حق تعلیم و تربیت.
٢ ـ آموزش تاریخ.
٣ ـ آموزش جغرافیا.
٤ ـ تربیت معلمان روستائی.
٥ ـ توسعه کتابخانه‌های عمومی.
٦ ـ تأثیر خانواده واجتماع در کودکان.

مبادرت ورزیده و اینك انتشارات مزبور در دبیرخانه کمیسیون ملی یونسکو در ایران (خیابان موزه ـ اداره کل باستانشناسی) موجود است وامید میرود این کتابها که حاوی تجارب گرانبها و اطلاعات و راهنمائی های سودمند است و توسط دانشمندان و محققان نامدار جهانی نوشته و تألیف شده مورد استفادهٔ عموم واقع شود.

کتاب حاضر یعنی تربیت معلمین روستائی در تحت نظر دانشمند محترم آقای دکتر ذبیح الله صفا ترجمه شده و کمسیون ملی یونسکو در ایران از همکاری ذیقیمت ایشان در نشر این کتاب سودمند سپاسگزار است

فهرست

صفحه

مقدمه

در عصر آزادی‌ما هیچکس نیست که منکر لزوم تعلیمات عمومی باشد. این اصل بیش از پیش مشهود گردیده است که تا مردم عادی یك کشور طریقهٔ بکار بستن اصول دموکراسی را فرانگیرند کلمهٔ دموکراسی و آزادی مفهومی ندارد. همچنین این حقیقت را همه دریافته اند که توسعهٔ امور اقتصادی با دلبستگی شدید دهقانان و کارگران متوسط به اصول قدیمهٔ عادی وعدم اطلاع آنان از پیشرفتهای جدید غیرممکن است. و نیز معلوم است که بهبود وضع بهداشتی الزام میکند که هرکس بداند چگونه خود را پاك نگاهدارد و خود را بچه طریق از بیماری حفظ کند و از چه راه زندگانی توأم با تندرستی داشته باشد. همچنین مسلم است که بیسوادی سرچشمهٔ همهٔ بدبختیهاست، فقر و مذلت از آن تولید میشود و از فقر و تنگدستی فقر غذائی و از فقر غذائی انواع امراض تولید میگردد.

تحصیل دانش شرط اساسی خوشبختی هرفرد و موجب ترقی اجتماع وافزایش نفوس است. با توجه باین اصل تمام ملل دنیا بمبارزه با بیسوادی قیام کرده و در کشورهای متعدد مراکز تعلیم رایگانی و اجباری تشکیل داده اند و این اصل را در نظر خود مجسم داشته اند که بهترین وسیله برای از بین بردن شر و بدی با سوادشدن مردم است.

• ولی عملی کردن تعلیمات اجباری بامسائل مالی واجتماعی واداری و لسانی و مذهبی و تربیتی مختلف همراهست که آنهارا نیز باید مورد توجه قرار داد.

یکی از مهمترین مشکلات مسألهٔ تهیهٔ آموزگارانست. نه تنها تهیهٔ معلم برای مدارس مختلفی که بمنظور نشر تعالیم عمومی احداث شده است لازم بنظر میرسد بلکه این نکته نیز مسلم است که معلم باید قابلیت آنرا داشته باشد

تا نسبت بچگونگی محیط و احتیاجات آن تعلیمات لازم را اجرا نماید .

برخی از کشورها که مقداری از اعتبارات ناچیز خود را صرف تأسیس مدارس و تشکیل کلاسها میکنند ناگزیر بمعلمانی متوسل میگردند که دارای تربیت خاص حرفهٔ خود نیستند یا اصولاً تربیت غیر کافی دارند . برای استخدام یك معلم خوب پول کافی لازمست و هرچه یك معلم بهتر باشد مزدی که باید باو پرداخت بیشتر خواهد بود . بنابراین در ممالك مذکور مسائل را باید باین نحو مورد مطالعه قرار داد: چون عوائد مملکتی محدود است بهتر آنست که فقط بکمیت مدارس توجه داشت و خیلی زیاد بکیفیت تحصیل در آنها توجه ننمود - و یا - زمام تعلیم و تربیت را بدست مربیانی که از روی اصول صحیح تربیت شده‌اند سپرد و برای آنکه تربیت صحیحی را اجرا کرد مدارس کمتری که متناسب با تعداد معلمان تربیت‌شده است احداث نمود - و یا - کوشش کرد که جمع بین هردو نظر شود یعنی مدارس هم از نظر کمیت و هم از لحاظ کیفیت ایجاد شوند و با توجه باین هر دو جنبهٔ کار با هم‌آهنگی خاصی پیش رفت .

مسألهٔ برنامهٔ مدارس از موضوع تهیه و تربیت معلمین شایسته بهیچوجه جدائی پذیر نیست . تعلیم و تربیت خیلی عادی همواره با زیان تأخیر در تکامل روحی اطفال همراهست و دروسی که کاملا در آن رعایت جنبهٔ حقایق و واقعیات حیات و زندگی شود و بدقت با شرایط زندگانی و حوائج اطفال و والدین آنان و محیط زندگیشان منطبق نشده باشد نتایج زیان‌آوری خواهد داشت مخصوصاً در نواحی روستائی که در آنها تکامل اقتصادی کم و زندگی اجتماعی محدود است. در چنین شرایطی آیا باید برنامه مدارس ابتدائی در قراء و شهرها یکسان باشند یا مختلف ؟ از نظر دیگر آیا معلمین روستائی باید تربیت خاصی حاصل کنند که مبتنی بر احتیاجات اجتماعات روستائی باشد و آنها را برای انجام دادن خدمات اجتماعی و روشهای مؤثر تعلیم و تربیت آماده کند یا بهتر است که روش متحد برای تربیت همه معلمین با در نظر گرفتن تغییرات کوچکی در مورد معلمین روستائی اختیار کرد ؟

برای جلب توجه مربیان باین مسائل مهم و جهد در دادن جواب ببعضی

ازآنهاست که اونسکو این کتاب را دربارهٔ تربیت معلمین روستائی در برزیل وکوت‌دواور (۱) (ساحل طلا) و هندوستان و مکزیك تهیه کرده است. مؤلفین این تحقیقات چهارگانه کار قابل ملاحظه‌ای انجام داده‌اند. ایشان شرایطی راکه قبول روشهای تربیت معلمین روستائی را ایجاب کرده و تجارب مختلفی راکه دراین‌باره بعمل‌آمده است ومسائل جدید برنامهٔ تهیهٔ معلمین روستائی را درممالك خود با توضیحات جامع تشریح کرده‌اند.

روشهای مؤثر که بشاگردان تجربه‌کارمیدهد و درآن توجه اساسی بفعالیتهای دسته‌جمعی میشودآنهائیست که درمدارس خاص‌تکمیل اجتماعات درنظر گرفته شده است. بنابراین معلم روستائی باید دریك محیطروستائی محض تربیتی‌حاصل کند که کاملاً متوجه بمطالعات مربوط به‌منطقه و محیط روستائی و خدمات اجتماعی باشد.

روش های تربیت معلمین روستائی که بعداً توضیح داده خواهد شد بطور قابل ملاحظه‌ای از لحاظ هدف و تشکیلات با یکدیگر اختلاف دارند ولی همهٔ آنهاعادی هستند و باآنکه درروش هرچهار کشور براثر اختلافاتی که در شرایط اجتماعی و اقتصادی و سیاسی آنها وجود دارد مغایرتهائی دیده میشود همه‌آنها متوجه یك مقصود ومنظور هستندونتایج حاصله همهٔ آنها یکسانست.

مطالعات چهارگانه باکمال وضوح‌نشان میدهند که ما ازقدرت‌اینکه بتوانیم جوابی قطعی‌به سؤال اساسی بدهیم خیلی دوریم وآن سؤال‌اینست که‌آیا باید تربیت خاصی‌برای معلمین روستائی‌درنظر گرفت‌یانه؟ ـ دراین‌باره عقاید مختلف است.

برای بعضی ازمدارس روستائی باید دربالابردن سطح زندگی‌مردم قراء و قصبات کوشش کرد وآنها را مرکز فرهنگی قریه قرار داد. معلمی که بعنوان راهنمای جامعهٔ روستائی معلوم شد باید خود را بعد از تحصیل بهداشت عملی،کشاورزی، مواد حرفه‌ای، تشکیلات دوره بیکاری واعمال مافوق برنامه، تشکیل شرکتهای تعاونی و غیره برای این‌کارآماده کند.

1- Côte-de-l'Or

او باید بتواند درمبارزهٔ با بیسوادی نیز کسب اطلاعاتی کرده باشد وراجع به تعلیم اکابرقریهٔ خود اطلاعاتی داشته باشد. علاوه براین درغالب‌ممالکی که بحدکافی ترقی‌نکرده‌اند شرایط زندگی درقراء وقصبات بنحوی‌هستند که مربیان شهری نمیتوانند درآنها بسر برند وبنابراین نه‌تنها نتیجه‌ای از کار خود نمی‌گیرند بلکه همواره سعی میکنند بجای دیگر منتقل شوند. بنابراین معلمین‌روستائی باید از میان جوانان‌دهقانی که محیط روستائی‌را خوب میشناسند و بآنجا عادت کرده‌اند انتخاب شوند. تعلیماتی که در مدارس روستائی داده میشود بندرت ازسطح تعلیمات ابتدائی تجاوزمیکنند بنابر این دسترس بدانشسرای کشاورزی و روستائی برای غالب اشخاص میسر است و همین امر خود وسیلهٔ سودمندی است برای آنکه بتوان دستهٔ خاصی از معلمین ایجادکرد.

کسانی که در تهیه برنامه واحدی برای مدارس روستائی و شهری اصرار میورزند وبالنتیجه میخواهند تعلیمات واحدی بهمه معلمین روستائی و شهری بدهند باین دلیل متوسل میشوندکه اختلاف در تعلیمات بوحدت ملی‌صدمه میرساند. مدعی هستندکه با تهیهٔ برنامهٔ خاص روستائی که پراز مسائل مربوط بجامعهٔ روستائی باشد مانع آنست که محصلین آن مدارس بتوانند بمدارس متوسطهٔ معمولی و سایر درجات راه یابند. ساکنان‌دهات هم غالباً اعتراض میکنندکه برنامه تدریس مدارس روستائی مانع آنست که فرزندانشان تحصیلات‌خود را ادامه‌دهند وبالاخره این‌بحث پیش‌میآید که بچه دلیل باید معلمین روستائی اطلاعات کمتر وپائین تری از همکاران شهری خود بدست بیاورند؟

دامنهٔ این‌بحث همیشه‌وسیع‌است وعده‌ای از کشورها درتردیدمیمانند باینکه کدامیك ازدوسیاست فوق‌الذکررا بپذیرند. ممالك‌صنعتی که‌دارای شبکهٔ راهسازی‌کامل هستند ودرآنها اجتماعات روستائی بنحوی‌کامل‌تکامل یافته است وکشاورزی بخودی‌خود بصورت صنعتی درآمده‌است، متوجهند که‌اختلاف‌بین شهروده خیلی کم‌است و همین‌عدم اختلاف‌شدید ایجاب‌میکند که برنامه ممتازی برای دو دسته انتخاب شود و فقط بعضی اصلاحات

در برنامه عادی برای تهیه يك برنامه روستائی کافی است - ولی آنجاها
که قصبات از حیث تکامل از شهرها عقب‌ترند و روستائیان زندگانی پست
و حقیری دارند و طعمه امراض گوناگون و فقر و تهیدستی هستند ، جریان
امر خلاف آنست که در ممالك ثروتمند دیده‌ایم. در اینجاها مدارس روستائی
و بالنتیجه معلمین روستائی باید آماده آن باشند که شرایط زندگی روستائی را
بهتر کنند و همین اصل است که آنانرا بقبول يك برنامه خاص تربیت معلمین
روستائی هدایت میکند . در بعضی از ممالك که اصولا کشاورزی هستند و
شهرها جزقراء بزرگی شمرده نمیشوند برنامه مدارس ابتدائی و دانشسراهای
مقدماتی میتوانند در همه‌جا يك صورت واحد روستائی داشته باشند وفقط
در ممالکی که در طریق صنعتی شدن قرار گرفته‌اند موضوع مورد بحث ما
پیش میآید وبررویهم راه حلی که پیدا شده است باید در کشورهائی مورد
عمل قرار گیرد که در راه انتقال از اقتصاد روستائی به اقتصاد صنعتی
قرار گرفته‌اند .

ناحیهٔ منقطع ودوردستی که معلم روستائی در آن بسر میبرد خود ایجاد
مشکل جدیدی مینماید . این گونه آموزگاران که مجبورند درقراء وقصبات
دورافتاده زندگی کنند غالباً فاقد وسائل بهداشتی برای خود و خانوادهٔ
خود هستند و ارتباط آنان با جاده‌های بزرگ و تماس ایشان با مراکز
بزرگتر مقطوع است وغذایشان ازسبزی یاگوشت تجاوز نمیکند. در اینجا
دیگر به نایابی کتاب و مجله و روزنامه و هر نوع تماس و رابطه‌ای که
موجب توسعه افق فکری او میشود اشاره نمیکنیم . غالباً به این معلمین مبلغی
بعنوان فوق‌العادهٔ کار و زندگی در يك ناحیهٔ دورافتاده پرداخته میشود و
همچنین کوشش بعمل میآید که برای آنان مسکن خوبی تهیه گردد. اگرچه
این تصمیمات خود قابل تقدیر واحترام است لیکن مشکل راکاملا حل نمینماید.
یکی از موانع بزرگ و اساسی اجراء تعلیمات اجباری درقراء و قصبات
همین نداشتن پرسنل کافی برای تعلیم و تربیت درآنهاست . نه‌تنها مربیان
شهری حاضر نیستند بتعلیم در روستاها اشتغال ورزند بلکه آنها نیز که
اصلا از دهات برای تحصیل در شهرها آمده‌اند گاه حاضر نمیشوند بعد از

فراغ از تحصیل از مدرسه‌ای که در شهر مستقر گردیده است بدیه خود بازگردند. این یکی از دلایل ما درلزوم‌استقرار دانشسراهای روستائی در قراء وقصبات و انتخاب محصلین ازهمان نقاط است. موضوع خیلی مشکلتر انتخاب معلمات برای مدارس روستائی است. دربسیاری از نواحی آسیای جنوبی وخاورمیانه وافریقا اولیاء دختران مخالف باتنها گذاشتن دختران ورفتن آنان بتنهایی درقراء و قصبات واستقراردرآنها هستند. علاوه‌براین در این نواحی دختران ازحیث تعلیمات ابتدائی از پسران بسیاردنبال‌ترند.

مباحثی که گذشت ثابت میکند که رابطه نزدیکی بین افزایش عدهٔ مدارس ابتدائی روستائی و اساس تعلیمات آنها با وجود تشکیلات کافی و از هر درجه‌ای که مورد توجه باشد برای تربیت معلمین روستائی وجود دارد. بسیاری ازنواحی که‌درآنجاها بیسوادی‌حکمروائی‌میکند و امکان تعلیم و تربیت در آنها غیر کافی است، از جملهٔ نواحی اصلی روستائی شمرده‌میشوند. بنابراین‌اگر بخواهند‌تعلیمات اجباری را در آنهااجراء کنند پیش ازهرچیزلازم است معلمین روستائی بحدکافی برای‌آن نواحی‌تربیت واستخدام‌نمایند. با تحقیق‌درهمهٔ صوراین موضوع مربیان‌واداره‌کنندگان مؤسسات تربیتی در ممالك مختلف میتوانند برای تعلیم و تربیت مجانی و اجباری مفید و مؤثر واقع شوند.

بخش اول

تربیت معلمین روستائی در برزیل

بقلم: لورنسو فیلو

M. B. Lourenço Filho

فصل اول

نظر کلی

در این اواخر کشور برزیل از نظر فراهم آوردن معلمین روستائی کوشش قابل ملاحظه‌ای بعمل آورده است. اگرچه برخی ازاقدامات دراین مورد زودتر از تصویب قانون تعلیمات و تأسیس دانشسراها در سال۱۹٤٦ انجام گرفته ولی نهضت اخیر قوت خود را بیشتر مدیون همان قانون است. در ۱۹٥۱ در کشور برزیل ٤٤٤ دبستان عادی و ۱۱٤ مدرسه محلی وجود داشت. اگرهم تشکیلات وطرز عمل بعضی از آنها قابل تجدید نظر باشد، بعضی از آن مدارس هم اکنون نتایج کاملاً رضایت بخشی داده‌اند.

دراینجا برای مثال قدیمترین این نوع مدارس را ذکرمیکنیم وآن دانشسرای روستائی ژوآزیرودونورت (۱) (درکشور سه‌آرا (۲)) است که در سال ۱۹۳٤ تأسیس شده است، و مثل دورۀ تهیه و دورۀ تربیت وتکمیل که در۱۹٤۸در فازندادورزاریو (۳) (واقع درشهرستان بتیم(٤) درکشور میناس ژرائیس (٥)) تشکیل گردید.

پیش از اینکه به بحث مشروحی واردشویم لازم است یادآوری کنیم که‌دراین‌راه‌چه‌مشکلات‌عظیم‌از لحاظ کمیت‌و کیفیت‌مسئله پیش آمد کرده‌است. کشور برزیل یکی از نخستین کشورهائیست که‌درآمریکادست‌به تأسیس دبستانهای ابتدائی بخرج مردم آنسامان زد (دانشسرای مقدماتی نیتروی(٦)در کشور ریودوژانئیرو (۷) که‌بسال۱۸۳٤ تأسیس‌شد). اکنو نکه بیش‌از۱۲۰سال از

1- Juazeiro do Norte
2- Ceara
3- Fazenda do Rosario
4 Betim
5- Mines Gerais
6- Niteroi
7- Rio de Janeiro

تأسیس چنین مدارس ملی میگذرد هنوز تعداد آموزگاران مؤسسات ملی مزبور ناقص است درصورتیکه داوطلبان ورود بهمدارس نامبرده همواره افزایش داشته است. طبق یك آمار دقیق در تمام برزیل ۴۸ درصد آموزگارانی که بکار تعلیم اشتغال دارند رشته علوم تربیتی ویژه کودکان را تحصیل نکرده اند. البته این وضع در نقاط مختلفه کشور یکسان نیست مثلا در مناطق جنوب برزیل که مردمانش متمول میباشند تنها ده در صد معلمین مدارسشان دارای دیپلم نمیباشند ودر قسمت سائوپولو (۱) حتی یکنفر معلم بدون مدرك رسمی تحصیلی موجود نیست . برعکس در شمال کشور برزیل ودر شمال شرقی و مرکز غربی آنسامان تعداد معلمین بی مدرك به ۷۰ تا ۸۰ درصد بالغ میگردد .

بسیاری از مدارس ابتدائی وحتی دبستانهای روستائی تقریباً دارای معلمین کامل عیاری نیستند. علت این عقب افتادگی دو چیز است :

نخستین علت این امر پراگندگی جمعیت آن کشور است. با آنکه مساحت برزیل ۸/۵۰۰/۰۰۰ کیلومتر مربع است طبق آماری که در سال ۱۹۵۰ تهیه گردیده جمعیت برزیل به ۵۲ میلیون نفر میرسد که بطور متوسط درهر کیلومتر مربع آنکشور شش نفر سکونت دارند. درحقیقت تجمع و تمرکز این جمعیت پراکنده ازحیطه تصور خارج است. در تمام قسمت شمالی ومرکز شرقی کشور یعنی دردوسوم اراضی برزیل تعداد متوسط سکنه به یکنفر درهر کیلومتر مربع بالغ میشود، در ناحیه جنوب که پرجمعیت ترین قسمت کشور است درهر کیلومتر مربع ۲۱ نفر سکونت دارند، در نواحی شمال شرقی ۱۳ نفر ودر قسمت شرقی ۱۵ نفر منزل گرفته اند . در بعض مناطق کشاورزی که مرکز اجتماع گله دارها وصاحبان صنایع برزگری وجنگلبانی وغیره میباشد، مردم دسته دسته ودور از یکدیگر بسر میبرند. طبق سرشماری سال ۱۹٤۰ تنها یك پنجم جمعیت این کشور درمناطق پنجهزار نفری اجتماع وزندگی میکنند .

قریب ده درصد نواحی حکومت نشین بیش از یکصد نفر سکنه ندارند. بنا بر این هیچگونه سیستم تدریسی منظم در این نواحی نمیتواند معمول گردد. هنگامی

1- Sao Paulo

میتوان دبستانی‌را با اصول منظم اداره کرد که بامراکز تحصیلی و علمی دیگر ارتباط نزدیك‌داشته باشد. مدرسه اساساً مرکز اجتماع محسوب‌میشود و هرروش تعلیمی‌مبتنی برقبول ارتباط بین مدارس ونتایج تشکیلات ووضع اداری و تهیه برنامه و مخصوصاً برنامه تربیت هیئت تعلیمیه است .

علاوه‌براین عوامل‌منفی بایدعوامل‌فرهنگی‌وسیاسی‌واداری‌دیگری‌را نیز مورد توجه قرار داد . طی سه‌قرن اخیر که دورهٔ استعمار پرتقال در برزیل بوده و در رژیم استعماری که بر اساس بردگی استوار بوده است (بردگی بومیان و سپس بردگی سیاهان تا سال ۱۸۸۸) تعلیم و تربیت جز برای دسته محدود و منتخبی مفهوم نداشت . طبقات و اجتماعات محلی بهمان نحو که امروز هم می‌بینیم همواره در انتظار او امر حکومت محلی یا مرکزی بوده‌اند . امپراطوری مشروطه از۱۸۲۲تا۱۸۸۹ ادامه داشت و درسال اخیر برزیل به یك جمهوری فدرال تبدیل شد . دراین هردودوره توجه بـه موضوع تعلیم و تربیت عمومی همواره در صلاحیت حکومتهای محلی قرار داشته است . درنتیجه در هرقسمتی یکنوع طرز تعلیم معمول میگردیـد (و استانها تحت فرمـان امپراتوری وکشورهـا زیر دستور روسای جمهور اداره میشد) حتی در شئون دیگر اداری و اجتماعی نیز تفاوت درنواحی مختلف این کشوراز زمین تاآسمان بود بطوریکه میزان مالیات‌درنقطه‌ای یك و درنقطه دیگر ۱۵۰ گرفته میشد . مالیات وصولی تکافوی مخارج اتفاقی‌را نمیکرد،شهرداریها تنها ده‌درصدودر کشورها کمتر از ۴۰ درصدوحکومت‌مرکزی ۵۰درصد ازمردم‌مالیات میگرفتند بنابراین‌در هرشهرودهکده‌ای میزان بودجه دبستانهاواستخدام معلمین بکلی متفاوت بود ودر هردیاری نسبت به درآمد آن مکان عمل‌میکردند وکمبود در آمد و افزونی‌هزینه سبب‌میشد که درمناطق‌روستائی موضوع تعلیم‌وتربیت تاحداقل تنزل داشته باشد .

در سرشماری ۱۹۴۰ جمع کل افراد بیسواد در اشخاص بزرگتراز ده ساله ، هفتاد و پنج درصد بود . این جمع در جنوب کشور برزیل به۴۲٪

درصد تنزل میکرد و برعکس درشمال به۵۶درصد ودر مشرق به۵۸درصد ودر مرکز به ۶۷درصد و درشمال غرب کشور به۷۲درصدمیرسید. اگرچه آمارسرشماری ۱۹۵۰ هنوز منتشر نگردیده ولی میتوان به حدس دریافت که این ارقام درشهرهای بزرك نقصان یافته است. تعداد بیسوادان درمنطقه کشور (ریوگراندوسول)(۱) که یکی از بزرگترین مراکز تعلیمی است تعداد بیسوادان درشهرها به ماخذ ۲۵ درصد ودردهات بماخذ پنجاه در صد میباشد بالعکس در کشور (مارانهاو)(۲) درشهر ۴۱ درصد ودردهات ۸۵ درصد است

اگر ده نشینان برزیل را حداقل دوثلث جمعیت کشور فرض کنیم فقط ۵۰ درصد از شاگردان ابتدائی بمدارس روستائی میروند و این خود عدم تناسب آشکاری است .

حتی در کشورهائیکه سطح تعلیمی آنها توسعه یافته است بدست آوردن معلمین دیپلمه برای دبستانهای روستائی سخت مشکل است. این نقیصه در نتیجه عدم کفایت مدارس و پراکندگی مناطق تدریسی از یکدیگر است . در بعضی از کشورها تنها یك دانشسرا وجوددارد که در پایتخت آنکشور احداث گردیده است و در حدود ۶۹ در صد دانشسراهای برزیل توسط اهالی محلی اداره میشود وجزدرآمد و بودجهٔ اندکی ندارد . مدت تحصیل بعداز پایان سیکل اول حداقل شش سال وبطور کلی هفت سال است . اکثر دانشجویان ازطبقه اناث میباشند

اگر فرض کنیم که مدارس شهری دارای تعداد کافی آموزگار باشد بازهم منظوراصلی عملی نشده زیرا روستائیان ازاین حیث محروم میباشند و معلمین روستائی بسیار کم است (مخصوصاً در کشورهای کوچك که درآمد و مالیات آنها کم است) وفقط در کشورهائی که وضع اقتصادیشان خوبست تعداد معلمین بالا میرود . علاوه براین اگر هم مدارس روستائی دارای معلمین کافی بود و بآنها تعلیمات کافی و مخصوص در دانشسراهای منظمی میدادند بازهم دبستانهای روستائی نمیتوانستند نتایج مطلوب را بدست دهند زیرا قسمت اعظم ازکودکان دردوسه کیلومتری مرکز تدریس سکنی دارند

1- Rio Grande Do Sul　　2- Maranhâo

و با این وصف درآن نواحی هم که تحصیلات اجباری است نمیتوانند بیش از یکسال در کلاس حاضر شوند (۱) .

بعقیدهٔ یکدسته ازمربیان مسؤلیت این وضع برعهدهٔ خود معلمین است و برای آنکه جلو این وضع را بگیرند پیشنهاد میکنند که باید بمعلمین آیندهٔ روستائی تعلیمات خاص از فن کشاورزی داد .

این عقیده ازسال ۱۹۳۰ رواج یافت. دراین سال بود که مهاجرتهای بزرگ از قراء بجانب شهرها و از کشورهای شمال شرقی آغاز گردید و علت اساسی آن خشکسالی موسمی بوده است و مهاجرین از نقاط فوق بسایر نواحی کشور میرفتند . در ۱۹۲۹ یک مجمع از مسؤلین اداری و شهرداری کشور سه آرا (۲) اعلام کرد که باید برای جلوگیری ازاین وضع طرز تعلیم را درمدارس روستائی تغییرداد وترتیبی بوجود آورد که بتوان مردمرا بزمینهایی که درآنجاها بسر میبرند علاقه‌مند ساخت. بعد ازسال ۱۹۳۲ اداره توسعه کشاورزی در وزارت کشاورزی موافقت کرد که بین بازرسان کشاورزی و سرویسهای تربیتی کشورهای مختلف یک همکاری بمنظور آشنا کردن مربیان با اصول کشاورزی ایجاد گردد . دولت فدرال نیز بنوبهٔ خود از سال ۱۹۲۲ احساس کرده بود که مجاهداتش در اصلاح شرایط بهداشتی در مناطق روستائی بدون مجاهدات دامنه‌دار در نشر تربیت عمومی در آن نواحی به‌نتیجه‌ای نخواهد رسید . اندیشهٔ اینکه باید بمعلمین روستائی اطلاعات بیشتری درمسائل بهداشتی و فن کشاورزی ومبارزه باامراض داده شود اصلا از آزمایش‌های جوآزئیرودونورت (۳)

---

۱ - برزیل از جمله کشورهائیست که حد متوسط مدت تحصیل درآن کم و فقط ۱٦ ماه است. کودکانی که در مدارس اسم‌نویسی میکنند بدین - نحو تقسیم میشوند: سال اول ۵۵./. سال دوم ۲٤./. سال سوم ۱٤./. سال چهارم ٦./. سال پنجم ۱ ./.

2- Ceara

3- Juazeiro do Norte

(کشور سه‌آرا) و نهضت تعلیماتی موسوم به ایجاد وتوسعهٔ دهقانی سرچشمه گرفت (۱) و در کشورهای مختلف توسعه یافت .

درعین‌حال بعضی ازجامعه‌شناسان واستادان دانشگاه نظرهای جدیدی را تعقیب میکردند . بعقیدهٔ آنان مسأله تعلیم و تربیت روستائی بصورت بسیار پیچیده‌ای در آمده بود . این دسته میگفتند نظریه‌ای که مبتنی است بر «علاقه‌مند کردن شخص بزمین» برای پیشرفت تربیت روستائی کافی نیست بلکه اگر بخواهیم هرمدرسه ابتدائی برمحیط خودکاملا منطبق وسازگار باشد و معلمینی تربیت کنیم که مورد استفاده باشند باید از نشر تعلیمات شغلی بآنان خودداری کنیم . بعقیدهٔ این‌جمع راه حل موضوع چنین بود که باید نسبت به‌مسائل مختلفی از قبیل اصلاح رژیم تقسیم اراضـی ، تشویق زارعین به ازدیاد محصولات کشاورزی ، دفاع از منافـع زارعین ، اصلاح راههای ارتباطی و سرویسهای کمك تعلیم سواد بجوانان و اکابر بیسواد ، ایجاد هیئتهای کشاورزی مجهز بوسائل جدید مخصوصاً کامیون و سینما ، و اصلاح مؤسسات تربیتی ، احداث ساختمان برای سکونت معلمین ، ایجـاد دانشسراها براساس نقشه‌های ناحیه‌ای با توجه باحتیاجات و لوازم هرمحیط، اخذ تصمیم کرد . برروی‌هم برنامه‌ای که دستهٔ دوم (۲) پیشنهاد کرده‌انـد

۱ــ این اندیشه ازآغازاین قرن پیدا شد ومبتکر آن جامعه‌شناسانی ازقبیل سیلویورومرو Silvio Romero وآلبرتوتورس Alberto Torres بوده‌اند و بلیزاریوپنا Belizario Pena در ترویج آن سعی بلیغ کرد و این دانشمند اخیر متخصص بهداشت بوده است. علاوه براین اشخاصی مانند سودمنوچی Sud Menucci (معلم) وتئیکزئیرا دوفرئی تاس ـ Teixeira do Freitas (آمارگر) نیز در نشر این فکر مجاهدت کرده‌اند .

۲ــ این دسته شامل فرناندودوآزودو Fernando de Azevedo و آلمیدا ژونیور Almeido Junior استاد دانشگاه سائوپولووآبگاررنول Abgar Renault استاد دانشگاه میناس ژرائیس وکارنئیرولئائو Carne-iro Leão و لورنسوفیلهو Lourenco Filho استاد دانشگاه برزیل بوده است .

با برنامه‌ای که یونسکو بعدها بعنوان برنامه «تعلیمات اساسی» (۱) در نظر گرفته است مطابقت دارد.

نظریه هائی که هر دو دسته مذکور مورد توجه و تأیید خود قرار دارند در پیشرفت تصورات و مفاهیم اجتماعی کشور برزیل اثر بسیار داشته است. این دو نظریه در بسیاری از موارد بهم نزدیك اند و این امر در نخستین کنفرانس ملی تعلیم و تربیت که در سال ۱۹٤۱ در ریودوژانئیرو تحت نظر وزارت فرهنگ برزیل تشکیل شد و همچنین هفتمین کنگرهٔ برزیلی تعلیم و تربیت که بسال ۱۹٤۲ در گوانیا (۲) بر اثر اقدامات جمعیت برزیلی تعلیم و تربیت ترتیب یافت بخوبی معلوم گردید.

مطالعات این هر دو اجتماع دربارهٔ تعلیم و تربیت ابتدائی اساسی مخصوصاً در نواحی روستائی بوده است. در این هر دو اجتماع پیشنهاد شد که حکومت فدرال برزیل باید کمك‌های خود را برای توسعه تعلیمات ابتدائی کشورهائی که منابع اقتصادی آنها کافی و هم آهنگ نیستند بیفزاید.

1- éducation de base 2- Goinia

فصل دوم

نظر کلی به تربیت معلمین

چنانکه قبلاً گفته‌ایم تعلیمات ابتدائی و تربیت مربیان در برزیل بخرج دولتهای محلی انجام میگیرد. درعهد امپراطوری ودرنخستین سالهای رژیم جمهوری بعضی از رجال سیاست برنامه‌هائی پیشنهاد کرده بودندکه مبتنی بر کمك دولت مرکزی در اجرای برنامه‌هـای تربیتی بوده است. ولی فقط بعد ازانقلاب ملی سال ۱۹۳۰ دولت دراین‌مسائل شروع بفعالیت کرد و نتایج این فعالیت نیز بکندی ظاهر میگردید. در آخر سال ۱۹۳۰ وزارت معارف و بهداشت عمومی برزیل تأسیس گردید. قانون اساسی سال ۱۹۳٤ حکومت جمهوری فدرال برزیل را مأمور کرده بود که یك برنامه ملی تعلیمات برای تمام مراحل ودسته‌های تعلیمی تهیه کند و دراجرای این برنامه نیز از راه کمك باعتبارات کشورها شرکت نماید.

کودتای سال ۱۹۳۷ مانع اجرای این برنامه شد لکن درسال ۱۹۳۸ انستیتوی ملی مطالعات تربیتی که فعالیت آن در سال ۱۹٤۳ به پیش بینی اعتبارعمومی تعلیمات ابتدائی منجر گردیده است تشکیل یافت واین اعتبارات تحت نظر همان مؤسسه بین نواحی مختلف خاصه نواحی روستائی تقسیم شد (۱) قانون اساسی کـه در سپتامبر همین سال بتصویب رسید و هنوز

۱ـ اعتباراتی که از بودجهٔ عمومی کشور به امور تربیتی تخصیص داده شده بدین‌نحو تقسیم گردیده‌است: ۷۰٪ برای ساختمـان مدارس ابتدائی روستائی و دانشسراهای ناحیه‌ای یا روستائی ۲۵٪ برای با سواد کردن جوانان واکابر بیسواد (تعلیمات اکابر). ۵٪ برای ایجاد دوره‌های تکمیلی معلمین ومدیران تعلیمات ابتدائی. در برنامهٔ ساختمانی برای ۱۹٤٦ـ۱۹۵۰ ساختمان ٦۱٦۰ مدرسه با محل سکونت معلمین پیش بینی شده بود ولی‌در عمل فقط اندکی بیش از ٤۰۰۰ مدرسه ساخته شد.

بقوت خود باقی است همچنان وجود اعتبار از بودجهٔ عمومی کشور و کمك دولت فدرال به کشورهای برزیل را تأیید میکند .

از ژانویه سال ١٩٤٦ دولت فدرال دو قانون تعلیمات ابتدائی و تعلیمات دانشسرائی راجع بمسائلی که تا آنوقت سابقه نداشته است تصویب کرد. در این دو قانون مسائل مختلف مربوط به تشکیلات به تعلیمات ابتدائی و تعلیمات دانشسرا ها مورد بحث قرار گرفته است . قانون اولـی دربارهٔ لزوم قبول تعلیمات محلی بحث مینماید ومدارس را بنحوی پیش بینی میکند که سازگار با حوائج طبقه‌ای باشد که در سن مدرسه بسر میبرند . دراین قانون بتعلیمات تکمیلی اکابر توجه بسیار شده و مؤسسات کشاورزی وصنعتی را موظف میسازد که درایجاد و تنسیق مدارس ومحل سکونت معلمین شرکت ورزند .

درقانون مربوط بتأسیس دانشسرا ها بعداز اشاره بمطالعات انستیتوی ملی مطالعات تربیتی قانونگزار تصریح میکند که برنامه تربیت هیئت تعلیمیه مدارس ابتدائی باید شامل دو دوره باشد . دورهٔ اول که شامل چهارسال و متناسب با اولین قسمت تحصیلات متوسطه (یعنی سیکل اول) است برای تربیت کمك آموزگاران و دورهٔ دوم که مدت آن سه سال است و بعد از دورهٔ اول دانشسرا ویا بعد ازسیکل اول متوسطه آغاز میشود برای تربیت آموزگاران میباشد. این قانون با قانون تأسیس مدارس متوسطه متناسب است و اهمیت آن در اینست که تعلیمات دانشسراها را به روش تعلیمات عمومی موجود در مملکت مربوط میسازد .

قانونگزار در دنبال مطالب خود میگوید: «لازم بتذکر است که بعضی از مربیان که معتقد بلزوم تغییرات در برنامه تربیت هیئت تعلیمیه اند پیشنهاد میکنند که دانشسراهای روستائی تأسیس شود . بدون آنکه با این نظر مخالفت شود در این برنامه نظریهٔ فوق باین نحو پیش بینی میشود که دوره‌هائی برای تربیت معلمین بتناسب احتیاجات نواحی کشاورزی ومعدنی و ساحلی با توجه به نتایج حاصله از

نهمین کنگره برزیلی تعلیم و تربیت که اخیراً در ریودوژانیرو تحت نظر انجمن برزیلی تعلیم و تربیت تشکیل یافته ایجاد شود.

دودوره (سیکل) که در قانون مربوط به تربیت هیئت تعلیمیه مدارس ابتدائی پیش‌بینی شده دارای مشخصات ذیل است.

۱ـ **دورهٔ اول** ـ تربیت کمك آموزگاران. دورهٔ تحصیل چهارسال است که کاملاً جنبه محلی دارد شاگردان باید حداقل سیزده ساله و دارای تصدیق مدرسه ابتدائی باشند که بعد از پنج سال تحصیل بدست میآورند و دروس آن بتناسب وضع اقتصادی محیط در موضوعات کشاورزی، تربیت حیوانات صنایع روستائی خواهد بود.

۲ـ **دورهٔ دوم** ـ تربیت معلم که دورهٔ آن سه‌سال بعد از فراغ از تحصیل دورهٔ اول دانشسرا یا سیکل اول متوسطه آغاز میشود وسن شاگرد دخالتی درآن ندارد و درصورت لزوم تمام مواردآن ممکن است درظرف دو سال تدریس شود.

در برنامهٔ سیکل اول یا سیکل محلی اجرای مواد زیراجباری است:

سال اول ـ زبان پرتقالی، حساب. جغرافیای برزیل. علوم طبیعی. رسم و نقاشی. کارهای دستی و خانه‌داری. آواز دستهٔ جمعی و ورزش.

سال دوم ـ زبان پرتقالی. حساب. جغرافیای برزیل. علوم طبیعی، رسم و نقاشی، کارهای دستی و خانه‌داری محلی. آواز دسته‌جمعی وورزش.

سال سوم ـ زبان پرتقالی. حساب. مقدمات تشریح و فیزیولوژی انسانی. تاریخ عمومی. نقاشی. کاردستی و خانه‌داری محلی. آواز دسته‌جمعی و ورزش. بازیهای تفریحی.

سال‌چهارم ـ زبان‌پرتقالی. معرفة‌النفس وعلم تعلیم وتربیت کودکان مقدمات بهداشت. تاریخ برزیل. آموزش نظری و عملی. نقاشی. آواز دسته جمعی‌وورزش. بازیهای تفریحی. دروس‌کارهای دستی ودروس‌مربوط بعملیات اقتصادی محلی از همه مهم تر میباشند. همچنین آموزگاران باید ضمن دروس خود، اخلاق وآداب مناطق مختلف را با هم وفق داده

و بدین وسیله به تمرکز و اتحاد طبقات گوناگون از راه علم کمك شایان نمایند.
هر کشوری مجاز است که به برنامهٔ مزبور ، برنامه‌های دیگری را نیز که مفید تشخیص دهد اضافه کند .

درقانون مذکور تصریح شده که برنامه‌های تنظیمی باید در نهایت سادگی و صراحت باشد . ودرهرحال باید اولا متدهای مؤثر بکار برد. ثانیاً مقتضیات تعالیم اخلاقی را در نظر گرفت . عملا به شاگردان طرز تعلیم را یاد داد و درسال آخر به شاگردان اصولی درکار دروس نقاشی وکارهای دستی و آواز و ورزش و بازیهای تفریحی آموخت و در ضمن احتیاجات محلی تعلیمات ابتدائی را منظورنظر داشت. دروس دینی وتعلیمات مذهبی بطوراختیاری مانعی ندارد . در قانون مزبور تأکید شدکه بین معلمین و شاگردان اشتراك مساعی و هم آهنگی کامل برقرار گردد . در جوار هر دبیرستان، دبستانی تأسیس شود وشاگردان بایکدیگر تماس نزدیك بگیرند همین‌طور دبستانهای هر بخش وهرمحل اقلا باید دبیری داشته باشندکه در دومدرسه مشترکاً تدریس کند .

سیکل دوم (که برای شاگردان فارغ‌التحصیل سیکل اول یا قسمت اول دبیرستان افتتاح میشود) باید مواد زیررا تدریس کنند :

سال اول ـ زبان پرتقالی . حساب . تشریح و فیزیولوژی انسانی . فیزیك و شیمی . نقاشی و هنری ضمیمهٔ آن . موزیك و آواز . ورزش و بازیهای تفریحی .

سال‌دوم ـ علم‌الحیات وروانشناسی تعلیمی. بهداشت و تعالیم بهداشتی اسلوب تدریس ابتدائی. نقاشی و هنرهای مربوطه به آن . موسیقی‌وآواز و ورزش و بازیهای تفریحی .

سال‌سوم ـ روانشناسی و علم‌الاجتماع تعلیمی.مقدمات تاریخ وفلسفهٔ تعلیماتی، بهداشت واسلوب‌تربیت کودکان سالم . طرز عملی تعلیم ابتدائی نقاشی و هنرهای وابسته به آن : موسیقی و آواز . و ورزش و بازیهای تفریحی .

در ۱۹۵۱ برزیل دارای ۵۵۸ مؤسسه آموزشی بود ودرهمان سال که تعداد سی و پنج هزار شاگرد مشغول تحصیل بودند در حدود ده هزار دیپلم به دانشجویان داده شده است .

چنانکه قبلا گفتیم در کشور برزیل تعلیمات همه جا یکسان نیست وعدم توازن عجیبی در قسمت اجتماعی مردم آن سامان حکمفرماست. مثلا در کشور (مارانهائو) که سیصد هزار کیلو متر مربع مساحت و متجاوز از یك میلیون و نیم جمعیت دارد بیش از دو دانشسرا موجود نیست و در کشور (ماتو کرسو) که یك میلیون و دویست هزار کیلومتر مربع مساحت و سیصد هزار جمعیت دارد بیش از سه دانشسرا وجود ندارد که آنها نیز در پایتخت تأسیس یافته اند. برعکس در کشور (سائو پلو) وضع فرهنگی بسیار عالی است . این کشور که بمساحت ۲٦۰ هزار کیلومتر مربع وهشت میلیون جمعیت دارد. دارای ۱۲۵ دانشسرا میباشد. همچنین کشور (میناس ژرائین) دارای ۱۳۳ و کشور کوچك (سانتاکارینا) دارای پنجاه دانشسرا است درصورتیکه جمع مساحت این کشور از ۹۵ هزار کیلومتر مربع تجاوز نمیکند. باید تذکر داد: شاگردانی که در این کشور کوچك به آموزگاری در دبستانهای روستائی حاضر شده اند از تمام کشورهای بزرگ بیشتر است .

فهرست اول : تقسیم بندی دانشسراها و دروس محلی در کشورهای مختلف برزیل (سال ۱۹۵۱)

نام کشور	مدارس محلی	دانشسراها	جمع
آلاگوآس	۲	٤	٦
آمازوناس	٦	٤	۱۰
باهیا	۲	۱۲	۱٤
سه آرا	۱۲	۱۲	۲٤
اسپی ریتوسانتو	۱	۱۳	۱٤
گویاس	٦	۱٦	۲۲

نام کشور	مدارس محلی	دانشسراها	جمع
مارانهائو	۱	۱	۲
ماتوگروسو	—	۳	۳
میناس‌ژرائیس	۹	۱۲٤	۱۳۳
پارا	۲	٤	٦
پارائیبا	۸	۸	۱٦
پارانا	۸	۱٦	۲٤
پرنامبوکو	۹	۱۱	۲۰
پیا اوئی	۱	٤	٥
ریوگراندو نورت	—	۲	۲
ریوگراند دوسول	۲	۲۷	۲۹
ریودوژاینرو	—	۲۰	۲۰
سانتاکاتارینا	۳۸	۱۲	٥۰
سائوپولو	—	۱۳٥	۱۳٥
سرژیپ	۲	۲	٤
سرزمین آکر	۲	۲	٤
سرزمین آماپا	۱	—	۱
سرزمین گوآپوره	۱	۱	۲
سرزمین ریوبرانکو	۱	۱	۱
ناحیهٔ فدرال	—	۱۱	۱۱
جمع	۱۱٤	٤٤٤	٥٤۸

درسال ۱۹٤۷ دولت برزیل برای تشویق و ترویج تعلیمات دانشسراهای محلی وروستائی موافقت کرده که درشانزده کشور وچهار ناحیهٔ آن کمک‌هائی بدولتهای محلی داده شود واین کمک باعث شده‌است که۵۱ دبستان تأسیس گردد ونوزده دبستان دیگر نیز تکمیل شود . جمع این کمک‌ها بالغ بر۱۲۰ میلیون کروزئیرو (۱) میباشد، همچنین تربیت واستخدام معلمین روستائی را از بین

۱ــ پول رائج برزیل بقیمت رسمی هردلار آمریکا درحدود ۱۸/٥ کروزئیرو است .

طبقات دیپلمه یا غیردیپلمه تشویق کرده است .

بدینطریق دولت برزیل به دو مسئله توجه کرده اول تربیت معلمین جدیدی برای تأمین احتیاجات مناطق مختلف و دوم تکمیل اطلاعات معلمین موجود برای آنکه بتوان آنان را باروش جدید آشنا کرد .

فصل سوم

آزمایش ژوآزئیرودونورت
Juázeiro do Norte

نخستین آزمایش برای تربیت هیئت تعلیمی متخصص بمنظور تعلیم در مدارس روستائی در برزیل بسال ۱۹۳٤ در شهر ژوآزئیرودونورت (کشورسه‌آرا) انجام شد (۱).

اولین کسی که باین کار دست زد دکترمورئیرادوسوزا (۲) مدیر کل تعلیمات کشور سه‌آرا بوده است. این کارشناس در سال ۱۹۳۱ به‌چهارمین کنگره ملی تعلیم و تربیت گزارشی تقدیم ودر آن توجه کرد که باید تعلیمات دانشسرائی بوسیلهٔ اولیاء امور دولت فدرال اداره شود و شامل تحصیلات مربوط به‌بهداشت روستائی و تمرین کشاورزی و صنایع دهقانی باشد.وی

۱ــ کشورسه‌آرا Ceará در قسمت شمال شرقی برزیل واقع شده و سرزمینی نیمه خشك وموصوف به خشکسالیهای موسمی است. این سرزمین بین ۲ درجه و ٤٥ دقیقه و ۷ درجه و ٥۲ دقیقه عرض جغرافیائی و ٤۰ درجه و ۲۰ دقیقه و ٤۰ ثانیه طول جغرافیائی واقع شده است. مساحت آن ۱٥۳۰۰۰ کیلومترمربع وجمعیت آن ۲٫۷٥۰٫۰۰۰ نفراست . شهرستان ژوآزئیرو ــ دونورت درششصد کیلومتری ساحل دریك ناحیه حاصلخیز ازجنوب آنکشور قرارگرفته و ٦۰٫۰۰۰ نفرجمعیت دارد. علت این تمرکز جمعیت که در تمام آنکشور بی‌نظیراست مرکزیت مذهبی ژوآزئیرودونورت میباشد و وطن آب سیسروروماٹوباتیستا Cicero Romao Batista از مشاهیر رجال دینی برزیل میباشد .

1- Dr. Moreira de Souza

میگوید که باید برای مردم از راه تعلیمات معلمین آشنائی باموربهداشتی وکشاورزی که اساس عظمت برزیل محسوب میگردد حاصل شود.»

اندکی بعد دکترمورئیرادوسوزا حکومت سه‌آرا را دعوت بایجاد برنامه‌تعلیماتی کشاورزی‌وصنایع دهقانی درتمام‌دانشسراهای‌مقدماتی کرد.

در سال ۱۹۳۳ بالاخره پیشنهادکردکه در یکی از ولایات داخلی سه‌آرا یك دانشسرای روستائی (کشاورزی) ایجاد شود.

چون دولت‌سه‌آرا اعتباری برای اجراء این‌پیشنهاد دراختیارنداشت دکترمورئیرادوسوزا بنیروی پشتکار واصرار خودموفق شد موافقت‌دولت را برای اجراء نظر خود بوسیله یك مؤسسه غیر رسمی که دارای مختصر اعتباری بود کسب کرد. درنتیجه‌فداکاری یك معلمه‌بنام مادام‌آمالیا گزاویه دوالیوئیرا (۱) در ژوآزئیرودونورت یك مؤسسه خصوصی تشکیل شد تا اعتبارات مادی دانشسرای روستائی راکه پیشنهاد شده بود تأمین کند. این مؤسسه زمین و ساختمان و تجهیزات مورد احتیاج را فوراً در اختیار دکتر مورئیرا گذاشت. بنابرموافقت حکومت سه‌آرا این مؤسسه در سال ۱۹۳٤ یك دورهٔ ابتدائی‌ویك دورهٔ مقدماتی‌وتهیه برای‌دانشسرای‌روستائی بمعنی‌اخص‌خودایجاد کرد. نخستین‌مدیراین‌مؤسسه دکترپلاسیدوکاستلو (۲) بود و بعد از او مادام‌گزاویه دواولیوئیرا که پیش از این نام او را آورده‌ایم جای دکترپلاسید وکاستلوراگرفت واکنون نیزبادامهٔ خدمت مشغول است. دورهٔ اصلی دانشسرا درسال۱۹۳۵فقط با پنج شاگرد افتتاح شد. آئین‌نامه این مدرسه که در سال ۱۹۳٤ تصویب شده بود هدفهای دانشسرا را بنحو ذیل تعیین کرده است:

۱ــ درکشور معلمینی تربیت شودکه کودکان روستائی را به اصول بهداشت وکشاورزی صنعتی و ترقیات این دواصل روستائی واقف سازد.

1- Mme Amalia Xavier de Oliveira

2- Dr. Placido Castelo

۲ـ به معلمین تعلیماتی داده شود تا بتوانند دبستانهای روستائی را بمرکز اقتصادی و حرفه‌ئی مبدل کنند .

۳ـ در سکنهٔ نواحی روستائی حس همکاری را در امور فلاحت و بهداشت بیدار کنند و اهمیت پیش‌بینی و پس‌انداز و شرایط خوب‌زیستن‌را به آنان بفهمانند .

٤ـ دهقانان و کشاورزان ودامپروران‌را به‌اهمیت‌مشاغل خودمتوجه و ازاین‌راه بفعالیت آنها در راه توسعه و ترقی کشاورزی ومراعات اصول بهداشتی بیفزایند .

چون دروس‌دانشسرا نمیتوانست‌شاگردانی که ازحیث مقدمات‌ضعیف و فقط تحصیلات ابتدائی باشند آموخته شود بهمین جهت یك دورهٔ تکمیلی تهیه که مدت تحصیلی درآن دوسال و مواد درسی آن بشرح ذیل است :

سال اول ـ حساب ، جغرافیا ، فرانسه ، موسیقی ، ورزش، نقاشی ، کارهـای دستی، عملیات کشاورزی .

سال دوم ـ زبان پرتقالی ، حساب ، تاریخ برزیل ، زبان فرانسه ، موسیقی ، ورزش ، نقاشی ، کارهای دستی ، عملیات کشاورزی .

شاگردان بعد ازاتمام این دوره به دانشسرا که دورهٔ آن سه‌سال‌است وارد میشوند و مواد تحصیلی آنان بدین شرح است :

سال اول ـ زبان پرتقالی، حساب، اطلاعاتی ازجغرافیای‌طبیعی‌عمومی وجغرافیای برزیل ، تاریخ برزیل جغرافیای انسانی ، نقاشی، کارهای‌دستی، موسیقی ، ورزش.

سال‌دوم ـ زبان پرتقالی، حساب، جغرافیای‌برزیل، جغرافیای‌انسانی علوم طبیعی ، نقاشی ، کارهای دستی ، موسیقی و ورزش .

سال سوم ـ تعلیمات بهداشتی ، روانشناسی و متدلوژی، کشاورزی و صنایع روستائـی ، اطلاعاتی از علم اقتصاد ، نقاشی ، کارهای دستی ، موسیقی ، ورزش .

بطوریکه ملاحظه میشود کارهای عملی فلاحتی دردروس دورهٔ تهیه

وطبق مقررات این درس دربرنامه دانشسرا نیزهرهفته دوساعت سرکلاس پیش‌بینی شده است .

تعلیماتی که باید به نتایج عملی و سودمند بیانجامد باید مبتنی بر اصلاح وضع استحصال ازاراضی وبدست آوردن فائدهٔ بیشتری از کارهای خود باشد .

(مادهٔ سوم قانون) باتوجه بهمین مقررات دروس هفتگی ورزش و آوازبا تحصیل ومطالعهٔ داستانهای ملی توأم شده و تمرین های نمایشی و کارهای ابتکاری دراین زمینه‌ها جزوبرنامه قرارگرفته است .

مدرسه بایدداراى يك موزهٔ تعلیم وتربیت وکشاورزی وآزمایشگاه فیزیك وعلوم طبیعی وشیمی وبهداشت روستائی باشد .

دربرمامه سه ساعت درهفته برای‌هریك ازدروس پیش‌بینی شده‌است هربار که مطالعات مربوط باین دروس الزام کند میتوان بازدیدهائی از آزمایشگاههاوموزه‌های مدارس‌وعملیات کشاوزی وکارخانه‌هاوکارگاهها ترتیب داد بنحویکه بتعلیم وتربیت جنبهٔ عملی کاملی بخشد .

درروش‌تدریس باید متد عملی‌بکاربرده شود یعنی شاگردان درحین علل مطالبی‌رابیاموزند وبموضوعات ومشاغل‌محلی‌اهمیت خاصی‌داده‌شود درمدرسه ابتدائی ضمیمهٔ دانشسرا محصلین که بکارتعلیم اشتغال‌دارندفن. جدید تعلیم وتربیت را فرا میگیرند .

يك باشگاه زراعتی ويك انجمن مرکب از معلمین و اولیاء محصلین بانضمام اعتباری ازطرف مدرسه ويك بنگاه تعاونی و يك باشگاه تربیت بهداشتی درمدرسه باید ایجاد وباهمکاری شاگردان اداره شود .

درآغازامردانشسرای «ژوا زئیرودونوته» دارای قطعه زمین‌بسیار کوچکی بوده است ولی بعداً ساختمانهای جدیدکه از ۱۹۳۷ احداث شده برای دانشسرا مورد استفاده قرارگرفته است و این ساختمانها بهجده هکتارزمین زراعتی وقابل‌کشت احاطه شده است .

این ساختمانها که بمنظورایجاد يك‌مدرسهٔ شبانه روزی باکمك‌مالی حکومت فدرال بوجودآمده‌دارای پنج اطاق درس ، اطاقهائی برای ادارهٔ

مدرسه ، یك کتابخانه ، یك موزهٔ تعلیم و تربیت ، یك موزهٔ کشاورزی ، یك درمانگاه ، یك اطاق دندان پزشکی و یك دائره حسابداری میباشد . یك ورزشگاه سرپوشیده برای تمرین های ورزشی شاگردان و یك تالار بزرگ برای جشن‌ها با تمام وسائل دراین ساختمان نیزوجود دارد .

معلمین که درشهرژوازئیروخدمت میکنند عبارتند از یك عده طبیب، وکیل دعاوی یا فارغ‌التحصیلان دانشسراهای مقدماتی پایتخت کشور . در ۱۹۵۲ هیئت تعلیمیهٔ مدرسه شامل دوازده معلم شش عضو اداره و منشی و عده‌ای زارع بوده است که بطریق پیمانی استخدام شده بودند . دراینسال مخارج استخدامی به نودویکهزار کروزئیرو بالغ شده بود وتقریباً نصف این مبلغ‌حقوق‌ماهانه معلمین را تشکیل میداد .

مجموع مبالغی که ازمحصلین خواه محصلین مدارس ابتدائی و تهیه دریافت شده به شصت وچهارهزار کروزئیرو بالغ گردیده و از محل فروش محصولات زراعتی سه هزار کروزئیرو بدست آمده است .

بیست‌وسه‌هزار کروزئیروی‌دیگر که برای تأمین بقیهٔ اعتبارات‌مدرسه لازم بود ازراه کمك مالی شهرستان و کشورتهیه گردید .

تجهیزات مدرسه بتدریج روبتکامل رفته است برای تعلیمات نظری معلمین از نقشهٔ ، تابلوهای دیواری،دستگاههای نمایش شبیه بآنچه درتعلیم علوم طبیعی درمدارس متوسطه بکارمیرود استفاده میکنند .

برای تعلیمات عملی کشاورزی مدرسه درسال ۱۹٤۸ دارای این وسائل بوده است: ۲۰ عدد ابزارنشاکاری وبیلچه، ۱۲ عدد بیل ، ۱۰ عدد شن کش ، ۱۵ عدد آب‌پاش،یك ابزاردروذرت ، یك ماشین تخریب‌لانه‌های مورچه و چندین عدد دستگاههای دیگر مورد لزوم در امور کشاورزی . اهمیت‌مطالعه دربارهٔ حیوانات بنابرسالهای‌مختلف تحصیلی‌تغییر کرده‌است مثلا درسال ۱۹٤۸ فقط دو خوك وشش بزدراختیارمدرسه بود علاوه‌براین مدرسه دارای بیست مرغ وچند کندوی عسل بوده است .

باآنکه این وسائل کاربسیار ناچیزوحقیراست تمرین‌های کشاورزی و

تربیت حیوانات مرتباً دراین مدرسه باهمین وسائل مختصر ادامه داشت .

قسمتی ازمحصولات زراعتی برای فروش بکارمیرود ولی گزارشهای موجود حاکی ازشرکت شاگردان وکارکنان مدرسه درعوائدزراعتی نمیباشد.

مطالعهٔ دقیق دراین گزارشها ثابت میکند که تعلیم وتربیت در طی سالها بتدریج بیشترجنبهٔ نظری میگیرد وجنبهٔ عملی آن ازمیان میرود بهمین دلیل است که درسال ۱۹٤٤ برنامهٔ درس شاگردان با افزودن جبروزبان انگلیسی بدروس سال اول دانشسرا وافزودن جبروتاریخ طبیعی و تاریخ تمدن بسال دوم وسعت یافته است .

تعلیم این مواد باهدفهای مؤسسین اولیهٔ مدرسه سازگار نیست لیکن اجبارهم آهنگی میان تعلیمات این مدرسه واحتیاجات شهری وهمچنین تطبیق برنامه آن با برنامههای مدارس متوسطه این وضع را بوجود آورده است .

ضمناً باید متوجه بود که مواد برنامه خود بخود مانع توجه زیاد بمسائل نظری واظهارعلاقه بمسائل عملی دربارهٔ موضوعاتی است که بعداً ضمن تمرین شاگردان درشغل خود بمیان میآید .

درسال دوم که جغرافیا تدریس میشود شامل مواد زیراست :

تشریح جغرافیای انسانی. موضوع وتقسیمات این علم . انسان ومبدأ آن ، طرز زندگی ، درجات تمدن . جمعیت کرهٔ زمین . ملیت وتشکیل آن، حقوق ملل . جامعه و طبقات اجتماعی . کشور و انواع حکومتها . دستگاه دولت . فعالیتهای گوناگون انسان . کشت وزرع مواد غذائی . کشاورزی وزمینهای قابل کشت . شکار. صید ماهی. کشف معادن ، وسائل نقلیه کشور برزیل . جمعیت ونژاد وزبان ومذهب و طرزحکومت آن . وضع بین المللی برزیل کشاورزی ووسایل حمل ونقل وتمدن آن . پایتخت واهمیت سیاسی و اقتصادی وتربیتی آن کشور .

برنامهٔ دروس بهداشتی نیز بدینقرار است : اهمیت بهداشت . موضوع و تقسیمات آن . توصیف بهداشت . بیماری . بیماریهای ارثی

بومی‌ومسری . طفیلی ها : همغذائی وشرکت درصرف غذا . طفیلی های میکربی ، کرمها در بدن انسان . گندز دائی . غذا واهمیت آن درزندگی انسانی‌وحفظ‌سلامت، تغذیه وتأثیرات آن، اهمیت نوع‌زمین برای تندرستی. طفیلی‌های زمین . طریقه سالم کردن زمین. آب‌درطبیعت واهمیت آن‌برای سلامت‌انسان . طرزتصفیه طبیعی‌ومصنوعی‌آب. اهمیت هوابرای تندرستی . فشارهوا . بهداشت منزل. تمرکز و تفرقه سکنه . روشنائیهای طبیعی و مصنوعی.دفع‌مدفوعات‌انسانی.چاله‌هاومستراحهاوآبریزیهای‌عموی. بهداشت انفرادی . پوست .بهداشت دهان وزبان‌ودندانها. بهداشت کودکان .مقدمهٔ بهداشت مدارس . طرز مبارزه با بیماریهای بومی

سطح دروس اقتصادی نیزدرحدود دروس دیگراست :

۱ـ اساس ، مسئلهٔ اقتصادی و احتیاجات انسانی قوانینی که مسئلهٔ اقتصاد را مشروط میسازد . تعریف اقتصاد، موضوع واهمیت آن .

۲ـ اقتصاد مصرف : اقتصاد حقیقی . لزوم پس انداز . آتیه‌بینی ـ آتیه‌گوئی ـ بی‌خیالی‌ودرفکر آینده نبودن .

۳ـ اقتصاد محصولی‌ـسرمایه‌ـ نفع ونسیه و اعتبار ـ طبیعت و بهره برداری از زمین وماشین .

٤ـ اقتصاد روستائی ـ شرح آن‌ـ انتخاب کشفیات روستائی‌ـ فلاحت ودامپروری‌ـ طرزکشف واستخراج زمینهای کشاورزی‌وغیره .

اینك برنامهٔ دورهٔ کشاورزی که در سال‌سوم دانشسراتدریس‌میشود:

موضوع‌واهمیت‌زراعت ـ آب وهواو کشاورزی‌ـ زمین و زیرزمین ، املاح‌طبیعی‌ـ مواد شیمیائی‌ـ زمین‌شناسی‌ـاشکال‌عمدهٔ زمین ـ تاثیرآب در نمونباتات‌ـ طرزآبیاری وتغذیهٔ‌سبزیها ـ دایر کردن‌اراضی ـ ریشه کندن ـ اسباب وماشین‌آلات مربوط به عملیات مزبور ـ کشت ودرو ـ مطالعات کشت از نقطه‌نظر کشاورزی ـ تخم‌های عنصری وشیمیائی‌ـ آبیاری‌ـ درو جمع‌آوری وحفظ محصولات‌ـ مقدمات کشت ذرت وبرنج ولوبیا ، کرچك و پنبه ونیشکر.

این دروس باضافه اصول کشاورزی و دامپروری سه سال تدریس میشود وبرنامهٔ آن بدینقرار است :

سال اول : باغبانی ، گلکاری و انواع آن ، موزنی و پیوندکاری باغداری وتربیت وتنظیم باغها، انتخاب وحاضر کردن زمین، نباتات فصلی اسباب وآلات لازمهٔ باغبانی .

۲ــ فن پرورش حیوانات : پرورش زنبورعسل ؛ فایده زنبورعسل و کندوها ؛ طرز زنبورداری و بدست آوردن عسل .

سال دوم ۱ــ گلکاری وسبزیکاری :آفات باغهای سبزیکاری وطبقه بندی آنها ، حشرات موذی ، مبارزه علیه مورچه‌ها ؛ زراعت انواع کلم . پرورش مرکبات ، موزکاری وتربیت درخت انبه .

۲ــ فن پرورش حیوانات ، پرورش مرغ . نژادهای مختلف مــرغ وطبقه بندی آنها ، تغییرمکان مرغدانها واستقرار آنها ، حفاظت از آفتاب و باد ، پناهگاه‌ها ، لانه ها ، جای نشستن و ایستادن آنها ، جای خوردن و آشامیدن آنها ، مراقبت‌های بهداشتی.جوجه کشی طبیعی ومصنوعی، انتخاب مرغها و تخم گذاری و جیره آنها ، ارزش غذائی مواد مختلفه بیماریها و طفیلی‌های مرغان .

سال سوم ــ گلکاری : تجدید نظر دردروس قبل ، فایده سبزیها در اغذیه ، مواد طبیعی موجود در سبزیها ، طرز نگاهداری سبزیها ، آفات نباتات ووسائل رفع آنها .

۲ــ پرورش فنی‌حیوانات ، اطلاعاتی‌راجع به تربیت مرغان، پرورش درخت توت ، شناسائی کرم ابریشم ، طرز تغذیه و بهداشت آن ، پرورش خوکها و منافع پرورش آن ، نژادهای مختلف خوك ، لانه‌های بهداشتی خوك ، تغذیه .

تدریس فن تعلیم و تربیت مخصوصاً بنابراصل «روانشناسی تطبیقی تربیتی‌ومنطقی» انجام میگیرد واین‌موضوع درسومین‌سال برنامه‌دانشسرای مقدماتی تدریس میگردد .

برنامه این قسمت عبارت‌است از مطالعه افکار، توارث ، زندگــانی عاطفی وفکری وعملی، نظریه‌های مربوط بمعرفت، متدهای عمومی وکلی و ویژه‌تعلیم، بطور کلــی این مواد مربوط بدانشسراهای مقدماتی ازسیکل دوم است .

طبق مقررات باید در آخرین سال تحصیل محصلین کارهای عملی تعلیم را تحت هدایت یك معلم متدلوژی انجام دهند .

برنامه این کارشامل آنست که در هرهفته هرشاگرد در یك مدرسه ابتدائی تمرینهایی انجام دهند این تمرین عبارتست از اینکه شاگرد درس کلاس را در یك ساعت برعهده میگیرد ، شاگردان دیگر درس اورا انتقاد میکنند و ضمناً گزارشی از تشکیلات مدرسه تهیه میگردد . دروس تعلیم و تربیت تطبیقی که در دانشسراهای مقدماتی از سیکل دوم داده میشود دارای همین روش است .

مطالعه گزارش و نشریات دیگری که راجع به آزمایش ژوآزئیرو تهیه شده حاکی ازایمان خالص وشوق کامل دستگاه اداری و معلمین است ولی ضمناً باید متوجه این نکته بود که واقع بودن مدرسه درشهر و انتخاب بسیاری از شاگردان ازشهر نشینان ایجاد نقائصی دراین آزمایش مینماید .

طی هجده سال ۳۵۸ نفر دیپلمه درشانزده دوره ازمدرسه فارغ التحصیل شدند که تقریباً همهٔ آنها دختر بوده اند بدبختانهٔ پسران در این مورد عقب مانده اند بطوریکه بین سالهای ۱۹۳۷ تا ۱۹٤۱ تنها دو پسر دانشجو دیپلم گرفته اند وحال آنکه درهردوره ۲۲ شاگرد و بطورمتوسط فارغ التحصیل گردیده اند .

بنابر قرار دادی که بین دولت دانشسرا منعقد شده پستهای معلمین روستائی باید بشاگردان قدیم دانشسرا داده شود بااینحال بنا برآماری که درسال ۱۹٤۲ منتشرشده بیش از نصف شاگردان دیپلمه در این تاریخ در مدارس شهری مشغول خدمت بوده اند و یك سوم آنها تنها در شهر (ژوازئیرد) ادای وظیفه میکرده اند که چهار نفرشان در مدرسه تجارت و شانزده نفر دیگر درایالت نشینها بتدریس اشتغال داشته ودرمناطق روستائی حاضر بخدمت نشده اند .

باوجود این عدم موفقیت که اشکالات متعدد سبب آن بوده آزمایش

ژوآزئیرو باعث شد که درسال ۱۹۴۲ چهار مؤسسه فرهنگی دیگردرچهار ناحیهٔ لیموارِو (۱) وایگواتو(۲) و ای‌پو(۳) و کویك‌زادا (۴) تـأسیس یابد واکنون سه نفراز فارغ‌التحصیلان قدیم دانشسرای شهر (ژوآزئیرو) درآنها به تدریس مشغول‌اند .

گرچه درسال ۱۹۴۶طبق قانون تعلیمات دانشسراها برنامه ساده‌ای برای‌تربیت‌معلمین تنظیم شد، دانشسرای (ژوازئیرو) طبق همان تشکیلات اولیه خودکه در۱۹۴۴تصویب کرده بود بکار ادامه داد .

در حقیقت قانون سازمانی بطور ساده حداقل درجه و مواد دروس دیپلم رسمی را معین میکند . معهذادر۱۹۳۵پرفسورهوگوکاتوندا(۵)استاد محلی ضمن کتابی که در این مورد نوشت ، توصیه کرد که دوره تحصیلی چهارسال باشد .

جای انکار نیست که دانشسرای (ژوازئیرو) سبب تأسیس فرهنگ کشور(سه‌رآ) گردید و بدبختانه ما درست متوجهٔ خدمات و تسهیلاتی کـه دانشسرای مزبور در بـاره کار معلمین روستائـی محل بعمل آورده است نبوده‌ایم .

در۱۹۵۳ مدرسهٔ مذکوردرتظاهرات مربوط به « هفتهٔ روستائی » که انجمن‌دوستداران‌آلبرتوتورس(۶)آنرا تحت حمایت وزارت کشاورزی اداره میکرده ازشرکت ورزید و در ۱۹۴۴ کنگره تعلیمات روستائی در این مدرسه‌تشکیل شد واین کنگره باابتکاراداره کل تعلیمات کشوری‌تشکیل یافت . در ۱۹۴۸ هفته روستائی جدیدی ترتیب داده شد که اداره آن بـا وزارت کشاورزی‌بوده است ومراسم‌این‌هفته نیزدرهمین مدرسه‌برگزارشد.

در۱۹۵۲حکومت (سه رآ) به مجمع قانونی کشورطرحی تقدیم کرد که درتحصیلات دانشسرای روستائی تغییراتی داده شود دوره تحصیلات‌در

1– Limoeiro 2– Iguatu 3– Ipu
4– Quixada 5– Hugo Catunda 6– Alberto Torres

دانشسرای (ژوازئیرو) به هفت سال بالغ گردد وتمام دانشسراهای مشابه چنین کنند بدین ترتیب که دانشسراهادرردیف دانشسراهای سیکل دوم درآیند که چهارسال به تحصیلات متوسطه وسه سال دیگر به تحصیل فن تربیت کودکان اختصاص یابد .

این مدارس درعین آنکـه مانند سابق دانشسرای مقدماتی نامیده میشوند بشاگردان خود اطلاعات عمومی بیشتری که سطح آن خیلی بالاتر ازسابق است خواهد داد . این طرح ازطرف کارشناسان تعلیمات روستائی واز آنجمله دکترمورئیرادوسوزا (۱) با مخالفت سختی روبروشد و بهمین سبب تاکنون بصورت عمل درنیامده ومورد مطالعه مجددقرار گرفته است .

1– Dr Moreira de Suza

فصل چهارم

دانشسرای روستائی «فازندا دوروزاریو»(۱)

از سال ۱۹٤۸ ببعد آزمایش دامنه‌داری‌در کشور(میناس‌ژرائیس(۲) ادامه دارد این آزمایش زیر نظر و تشویق سرویس تمرکز فنی تعلیمات روستائی (وابسته به دبیرخانه تعلیمات کشور) اداره میشود ومرکز آن در (فازندا دوروزاریو) دربخش بتیم (۳) وبهمین جهت به‌آزمایش یا روش فازبدا دوروزاریوموسوم است میباشد .

درسال ۱۹٤۷ مسیر(آبکارزنو) (٤) مدیرسابق اداره تعلیمات ملی، دبیرفرهنگ کشور(میناس‌ژرائیس) گردید.این شخص‌متوجه شد که از تعداد هفتهزاردبستان که در این منطقه موجود است نود درصد دارای معلم قابل ولایق تدریس وجود ندارد . اثر جدیت اوبین حکومت مرکزی و ایالات مختلفهٔ کشورموافقت حاصل شد که اموزیر بموقع اجرا درآید :

Fazenda de Rosario –1

۲ـ Minas Gerais یا میناس‌ژرائیس Minas Geraes اگر چه این کشوردرقسمت شرقی برزیل واقع است با این حال نمیتوان‌آنرا یك ناحیه بحری شمرد . این ناحیه بین ١٤ درجه و سی دقیقه و۲۲ درجه و ٥٤ دقیقه عرض جغرافیائی و۳۹درجه و۳۲دقیقه و۵۱درجه و۲ دقیقه طول جغرافیائی قرار گرفته ومساحت‌آن ۵۸۲/۰۰۰ کیلو متر مربع ونزدیك ۸/۰۰۰/۰۰۰ جمعیت‌داردکه ۵۰۰/۰۰۰ آن درنواحی روستائی بسر میبرند . اقتصاد این کشوربراساس زراعت‌وتربیت اغنام واحشام قرارگرفته بخش بتیم Betim که‌همسایه پایتخت کشوراست ۱۷/۰۰۰ جمعیت دارد که بیشتراز‌دوثلث آن‌ده نشین هستند .

Aligar Renault –4 Betim –3

۱ــ تمرکز ، مدیریت و بازرسی مالی مدارس روستائی توسط مقامات فرهنگی کشور تضمین گردد .

۲ــ حقوق معلمین افزوده شود و در عوض آنان نیز به توسعه دامنهٔ معلومات خود بیفزایند .

بدین لحاظ بود که سرویس تمرکز فنی بوجود آمد و مامور شد تا تعلیمات مناطق روستائی را ترتیب دهد . مدیریت این سرویس بعهده مادام هلنا آنتی پف (۱) که در تشکیل این طرح شرکت جسته بود محول گردید . بانو (هلنا آنتی پف) مؤسس و مدیر فنی شرکت (پستالوزی) برزیل میباشد که منطقه (فازندا دوروزاریو) به آن وابسته است .

(فازندادوروزاریو) یك قسمت زراعتی بمساحت بیش از یکصد هکتار است که مؤسسهٔ پستالوزی عده‌ای از اطفال را در آن برای تعلیم و سرپرستی نگاهداری میکند . این قطعه زمین درچند کیلو متری قریهٔ ای بیریت (۲) و ۲۵ کیلومتری بلوهوزیزونت (۳) پایتخت ناحیهٔ میناس ژرائیس واقع است . ودرحکم یك دارالعلم کشاورزی است بدون آنکه رسماً چنین اسمی

۱ــ Mme Helena Antipoff مادام هلنا آنتی پف دانشیار پرفسور کلاپارد Ed . Claparéde در دانشگاه ژنو بوده بعد در سال ۱۹۲۷ با عده‌ای از استادان برای ایجاد مدرسهٔ تکمیلی تعلیم و تربیت از طرف دولت برزیل دعوت شد و آن مدرسه را درشهر بلوهوریزونت تشکیل داد که بیست سال مفتوح بوده است . مادام آنتی پوف کــه در برزیل سکونت اختیار کرد در تربیت مربیان اثر عمده‌ای کرد و بعداً در تربیت اطفال و ایجاد مؤسسه هــدایت تعلیمات روستائی در ولایت میناس ژرائیس تأثیر بسزائی داشت . درسال ۱۹۵۱ انجمن برزیلی تعلیم و تربیت بــه دولت جمهوری برزیل پیشنهاد کرد کــه نام مادام آنتی پوف را در کتاب مشاهیر ملی ثبت نماید .

Belo Horizonte –3　　Ibiirite –2

داشته باشد . این مؤسسه‌شامل یك شبانه روزی برای اطفال بی سرپرست یك مدرسه ابتدائی ، یك مرکز پزشکی و یك مرکز پرورش ومعالجه امرض اطفال است .

علاوه براین یك مرکز تربیت نباتات دارد که تحت نظر متخصصین هنگری اداره میشود ، یك کارخانه‌کاشی وسفال سازی زیر نظر یك هنرمند و یك کارگاه بافندگی و یك کارگاه فرش بافی وزمینهای ورزش و بازیهای ساکنان نواحی نزدیك نیز در آن دیده میشود. و ازسال ۱۹۵۰ یك دانشسرای محلی که بودجه آن را دولت بعهده‌دارد به این مؤسسه پیوسته‌است زمینهایی هم برای کار های عملی و صنعتی ضمیمهٔ این مؤسسه است .

دراین مؤسسه همه‌ساله نمایشگاهی ازمحصولات فلاحتی یاهنری آن و وسایل زراعت ازقبیل گاوآهن و تراکتور وغیره تشکیل میشود. علاوه براین اعیاد عمومی ومذهبی وملی را هم ترویج میکنند واین امرخود باعث ایجاد نمایشهائی میشود که نمایشنامه‌های آن ازمصنوعات ولایتی یا شهری گرفته می شود .

تمام این ابتکارات که ساکنین ای‌بیریت (۱) ونواحی همسایه نیز در آن شرکت میورزند در تحکیم تشکیلات اجتماعی و بالا بردن سطح فرهنگی واخلاقی ومدنی مردمی که دریك محیط چندین ده کیلومتری سکونت دارند تأثیر فراوان میبخشد (۲) بنابر این ملاحظه میشود که این مؤسسه ازلحاظ همکاری وبرای برنامهٔ تکمیل وتربیت معلمین روستائی اثر بسیاردارد زیرا میتواند تشکیل دوره‌های استاژرا تسهیل کند ودرمؤثر ساختن آنها اثر بارز داشته باشد .

Ibiirite –1

۲ــ مخصوصاً میتوان اثرفازندادورازاریورا درگرانژاکایومارتینس Granja Caio Martins که مؤسسه‌ای برای تعلیم اطفال صغیر بی‌سرپرست است همچنین در مدرسه متوسطه کشاورزی فلورستال Florestal واقع در بخش پارا دومیناس Para de Minas گوشزد کرد .

پیش از هرچیز میبایست برای آن دسته از معلمین که بدون سابقهٔ تحصیلات لازم باین کار گماشته شده بودند فکری کـرد . عدهٔ این معلمین هـم بوده است .

برای جبران وضع ناهنجار تعلیمات روستائی و ایجاد فرصتی برای سرویس هدایت و اصلاح تابتوانند کارهای مؤثری دراجرای نقشهٔ خود انجام دهد دروسی ترتیب داده شد که عبارتند از :

۱ـ دروس دورهٔ تعطیلات بنام دروس «استعدادی» .
۲ـ دروس محلی و تهیه‌ای .
۳ـ دروس تکمیلی .
٤ـ دروس ویژهٔ تربیت معلم .

کلاسهای دروس تعطیلات هرساله بمدت یکماه درحکومت نشین‌ها تشکیل میشود و درآن معلمین و شاگردان مناطق مختلفه با هـم مأنوس میگردند و به تکمیل آزمایشها و تجربیات ومعلومات خودی‌میگذرانند .

هردرسی زیر نظر مدیره‌ئی که دورهٔ سابق مدرسهٔ تکمیلی تعلیم و تربیت راگذرانده باشد اداره میشود . هیئت تعلیمی این دورد عبارتند ازدومعلمه ازمعلمین مدارس و همچنین پزشکان و کارشناسان فلاحت میباشند که برای همین کار استخدام شده‌اند .

برنامه دارای مواد زیر است :

زبان پرتقالی ، حساب،هندسه ، جغرافیا وتاریخ برزیل،تاریخ‌طبیعی، بهداشت ، اصول خانه داری واقتصاد ، تعلیمات اخلاقی و مدنـی ، همچنین برای تدریس درمدارس ابتدائی اصول فن تعلیم و تربیت‌مورد نظر کلی است.
مثلا برنامه زبان پرتقالی بدین نحوه است :

۱ـ چگونه باید برای اطفال دهنشین داستانهای محلی را بطورساده وبی پیرایه تعریف کرد ؟

۲ـ قرائت و تعریف یك مطلب ساده ، استفاده از کتاب لغت ، طرز استفاده ازمجلات و کتابها .

۳ـ نامه‌نگاری ، تحریردعوتنامه‌ها وبلیتها وطرز تلخیص نوشته‌ها ،

شرح یك گردش ، تهیه گزارشها ، تحریر روزنامه‌های مدرسه ، برنامه فن جغرافیا بخصوصی نکات زیررا دربردارد :

۱ـ دبستان: موقع طبیعی آن،مسافت آن به نسبت مساکن ساکنین مجاور، امکنهٔ معمور وغیرمعمور، نمایش رسمی ، نقاط همسایهٔ مدرسه ، جاده‌ها .

۲ـ محل وناحیه محیط طبیعی و اجتماعی ، اقتصادی و تاریخی ، منابع زراعتی و صنعتی ، نقشه‌ای کـه معرف استخراجات زراعتی وصنعتی باشد ، جاده‌ها ، مدارس ، اراضی وامکنه مجاور ، نقش امکنه ومساکن درزندگی شهرستان ، حکومت شهرستان .

۳ـ شهرستان ، منابع طبیعی ، کشاورزی ، صنعت و تجارت ، مسائل اجتماعی ، مؤسسین ورجال عمدهٔ شهرستان حکومت شهرستان .

٤ـ شهرستان به‌نسبت مملکت ، وضعیت ، ناحیه ، سایرنواحی کشور، محصولات عمدهٔ آنها ، درمورد کشور نیزهمین مواد موجود است و برنامه سایرمواد نیزدرهمین زمینه تنظیم گردیده است .

دروس تعطیلی تحت نظر بانوان آموزگاراداره میشود و در۳٦۱ انجمن کشورازسال ۱۹٤۹تا۱۹۵۲ تدریس شده و ۷۲۸۱ معلم از مدارس روستائی درآن‌شرکت کرده وبعدازاتمام دروس درامتحانات شرکت‌جستند تاازمیان آنها افرادی برای‌شرکت در کلاسهای ناحیه‌ای تهیهٔ معلمین انتخاب گردند . هریك از کلاسهای دورهٔ تعطیلات که از ۲۵تا۳۰ شاگرد داشته باشد مستلزم۳۰/۰۰۰ کروزئیروخرج است که مخارج غذا هـم جزو آن می باشد .

دورهٔ دروس‌محلی تهیه معلم چهارماه است و بارژیم آموزشگاه‌شبانه روزی‌کارمیکنند . این مدارس در مناطقی تاسیس گردیده کـه جنبهٔ فلاحتی داشته‌ودارای مدرسه ابتدائی‌ومنازل‌مرتب برای معلمین‌وکمك‌آموزگاران وخود شاگردان میباشد.این دوره مخصوص معلمین است که دورهٔ تحصیلات تعطیلی را با موفقیت گذرانده و تمایل خاصی برای آموزگاری روستائی دارند .

این مدارس که بدواً در(فازندادوروزاریو) تأسیس یافت اینك در پنج مرکزمحلی دیگر تحت‌مدیریت یك عده عناصرفنی‌ومجرب ولایق‌تأسیس واداره میشود . بطوریکه ازاسمش معلوم است ، مدارس‌محلی برای‌تکمیل معلومات معلمین است که تحصیلاتشان ناقص است . برنامه دروس عبارت از تکمیل معلومات شاگردان در زبان پرتقالی و حساب و علوم طبیعی و بهداشت وهمچنین‌توسعه فکر،صلاحیت حرفه‌ئی وافکارومقاصداجتماعی‌است. ساعات دروس درهرهفته بدین شرح است :

زبان پرتقالی و متدلوژی زبان مزبورپنج ساعت . حساب ، هندسه و متدلوژی‌آن چهارساعت . علوم‌طبیعی ومتدلوژی‌آنها سه ساعت . جغرافی وتاریخ ومتدلوژی آنها دوساعت . کارهای‌کشاورزی شش ساعت . اقتصاد خانگی وصنایع روستائی سه ساعت . نقاشی ،کارهای دستی وهنرهای ملی چهارساعت . عملیات نمایشی‌وهنری(رقص،آوازونمایش) سه ساعت.ورزش سی دقیقه هر صبح ، بهداشت روستائی و مواظبت بیماران چهار ساعت . فعالیت‌های اجتماعی وتعلیمات شهری سه ساعت .

باضافهٔ دروس فوق ،کارهای عملی طباخی وگلکاری و درخت کاری کاری و غیره نیز ضمن اجتماعات پنج تا ده نفری شاگردان عملا تدریس میشود .

دروس دورهٔ تکمیلی برای معلمین دیپلمه‌دانشسراها است که درحدود ۹٪ کلیه آموزگاران روستائی کشور را تشکیل میدهند این دوره ها از حیث تشکیلات عمومی و هدف شبیه بدوره‌های تهیه معلمین روستائی است ولی چون شاگردان آن‌دارای اطلاعات‌عمومی بیشتری هستند توجه بیشتری به‌کارهای عملی‌میکنند دورهٔ این‌دروس سه ماه است ورژیم‌آن مانند رژیم مدارس شبانه روزی‌هستند و محل‌آنها هم فقط فازنداروزاریو میباشد .

دروس بیست وسه‌گانه محلی تهیه وتکمیلی که از۱۹٤۸ تا ۱۹٥۲ تشکیل یافته ۸۲۳شاگرد شرکت جسته‌اند . به تابلوی شماره ۲ در ذیل این‌سطورباید‌مراجعه کرد :

تابلوی دوم ـ دروس محلی تهیه و تکمیل آموزگاران روستائی در کشور (میناس‌ژرائیس) .

تعداد شاگردان

مرکز مؤسسات	۱۹۴۸	۱۹۴۹	۱۹۵۰	۱۹۵۱	۱۹۵۲	جمع
فازندادوروزاریو	۲۳	۱۶۳	۱۱۴	۱۰۲	۱۱۳	۵۱۵
مراکزدیگر	ـ	ـ	۹۳	۶۷	۱۴۸	۳۰۸
جمع	۲۳	۱۶۳	۲۰۷	۱۶۹	۲۶۱	۸۲۳

کلاسهای منظم تهیه‌معلمین که‌وسیله دولت تعیین گردیده عبارت‌است از دودورهٔ دانشسرای روستائی که یکی از سال ۱۹۵۰ مشغول کار است (درفازند ادوروزاریو) و دیگری در (کنسلهریو ماتا) (۱) درشهرستان (دیامانتی‌نا) (۲) .

دورهٔاین دروس‌چهارسال است که بنابرقانون‌اصلی تعلیمات دانشسرا تأسیس یافته و با رژیم شبانه روزی‌کارمیکند وجوانان ازسیزده تا۲۵سال که تحصیلات ابتدائی خود را تمام‌کرده و دارای صحت‌کامل باشند درآن پذیرفته میشوند و ازمیان اطفالی انتخاب میشوند که محلی بوده باشند . نخستین دیپلم‌های آنان درپایان سال ۱۹۵۳ توزیع خواهد گردید .

اکنون بیفایده نیست که‌بتفصیل تشکیلات وطرزعمل دووه های تهیه معلمین را که بنابرآنچه دیده‌ایم درچهارسال بوسیلهٔ ۸۲۳شاگرد که۵۱۵ نفرآنهادرفازندادوروزاریوکار کرده‌اند ونفوذ فراوانی دردوره‌های‌جدید تهیهٔ معلمین دارند ، بیان کنیم :

شاگردانی که درفازندادوروزاریونام نویسی کرده‌اند ازنوزده ساله تا پنجاه ساله بودند که بیشترشان ۲۲تا۲۶ سال داشتند و بمحض ورود به مدرسه‌آزمایش طبی دقیقی ازآنان بعمل‌آمد و تا پایان سال تحصیلی این

1– Couselheiro Mata　　2– Diamantina

معاینات ادامه داشت . هرهفته وزن آنها معین گردید ودستورهای لازم برای تغذیه آنان داده شده است ووضع کسانیکه نیروی کارزیاد وپیاده روی ممتد نداشته اند بـه مدیریت مؤسسه گزارش شده است . هر کدام تحت بازرسی روان شناسی درآمده و به کاری که علاقه مند بوده اند گماشته شده اند . بادر نظر گرفتن مراتب منبورچنین نتیجه گرفته میشود :

۱ــ معلمین بدون دیپلم بیشتر ازاطفال دهقانان وپسران طبقه متوسط یا زارعین کوچك میباشند وکاملا ازشرایط زندگـی روستائی مستحضرند . دوست دارند درهوای آزادکار کنند وبه کشت نباتات ودام پروری مشغول شوند. اسب سواری را میدانند ومیل دارند همیشه باکشت کاران وخانوادهٔ آنها صحبت کنند .

۲ــ باوجود این آنها فاقد تعلیمات هستندو ٦٤درصدشان دارای سطح معلومات کمتر ازسال چهارم ابتدائی میباشند و پنج درصدشان اندکی بیش از معلومات کلاس پنجم دارند .

۳ــ وقتی آنها رابه شهرها میآورند درهفته های اول خجلت زده هستند وازوضع دگرگون خود بیم دارند ولی بعضی ازآنها که اندکی جورترند تن بـه تحصیل میدهند و با شوق فراوان بـه فراگـرفتن علوم جـدید می پردازند .

٤ــ گروهی ازآنان نوع پرستی ودوست یابی واقتصاد را باشوق و رغبت استقبال میکنند وبیشترشان به هنرهای زیبا پیش از نقاشی وموسیقی ونمایش ابرازعلاقه می نمایند .

درهرماه کمیسیونی برای منزل و غذا و مطالعات و روابط اجتماعی وغیره توسط شاگردان تشکیل و مجمعی برای مدت یکماه برای این قبیل مسائل انتخاب میشوند . هرشاگردی یادداشت روزانه ای تهیه میکند کـه درمیان جمع خوانده میشود ودرآخریکی از ساعات صرف غذا مورد بحث وانتقاد شاگردان دیگرقرارمیگیرد . این گزارشها حاوی بسیاری ازوقایع عادی و نتایج قابل توجه درامورتحصیلی وزندگی اجتماعی است هرشاگردی علاره بر آنچه گفتیم دارای یك روزنامه شخصی است که در پایان تحصیلات

خود را به اداره‌مدرسه تسلیم میکند واداره مدرسه آنرا تحت مطالعه دقیق قرارمیدهد . ازاین راه آشنایی بزبان برای محصلین بهترحاصل میکنند و قوهٔ مشاهده و تحقیق در آنها رشد مییابد . علاوه براین دوره مدرسه و معلمین این یادداشتها نظرهای مفیدی برای اصلاحات خود در امور اداری وتربیتی کسب میکنند .

برای تحریك حق رقابت درشاگردان غالباً آنها را وادار میکنند که غالب کارهای خود راخودشان انجام دهندوآنها را بوسیله فیشها وگرافیکها نشان بدهند . این کنترول‌ها هرهفته وهرماه یکبارانجام میشود .

تنها برخاستن شاگردان از خواب بوسیلهٔ زنگ انجام میگیرد و اوقات آنان معمولا بنحوذیل تقسیم میگردد :

ساعت شش : بیدارباش ، نظافت ، مرتب کردن رختخواب .

« ٦/٤٥ : صبحانه

« ٧ : تجدید نظردرکارهای دیروزوتهیه کارروز .

از ٨تا١١ : تحصیلات‌روزانه.

« ١١/١٥ : تهیهٔ ناهار .

« ١١/٣٠ : ناهار .

« ١٢/٣٠تا١٤ : استراحت وتهیه کاربعدازظهر .

« ١٤تا١٧دروس وکارهای‌عملی که درضمن آن ازساعت ١٥/٣٠ نیم ساعت صرف عصرانه دارند .

« ١٧/٣٠ : استحمام‌وعوض کردن لباس .

« ١٨ : شام.

« ٢٠ : تشکیل‌مجمع مشاوره شاگردان وکمیسیونها ونمایشها.

« ٢٢ : خواب .

دروس تهیه وتکمیل معلمین با توجه بمسائل ذیل اجرا میشود :

١ــ هدفهای عملی تعلیم ونقش دبستان روستائی چیست ؟

٢ــدرمدارس (میناس‌ورژائیس) چه روش بایدانتخاب شود تاچنانکه باید نتیجه بدهند ؟

۳ـ زندگی یکنفر کشاورز را چگونه باید مرتب کرد و مدرسه در این باب چه باید بکند ؟

٤ـ هوا وزمین و آب درسکنهٔ روستائی چه اثری دارد ؟

٥ـ شاگردان همجوار (فازندادورزاریو) چنانکه زندگی میکنند. (ازلحاظ تندرستی وشرایط کارومطالعات وغیره).

٦ـ با ملاحظهٔ اشکالات و موانع دراین راه ، مدرسه روستائی چه میخواهد وچه میتواند برای رفع آنها بکند ؟

۷ـ وضع مشخص حیوانات ناحیه چیست وچگونه میتوان معیارکار را بنفع ساکنین نواحی بالا برد ؟

۸ـ آمار پرورش هر بخش (تشکیلات خانواده ، مذهب ، عادات و آداب ، سطح معلومات،اداره)چیست ومدرسه چگونه میتواند بدون اینکه اصول آنها را تغییردهد دراصلاح آنها بکوشد ؟

۹ـ شهرستان درزندگی کشوری (میناس رژه) معرف چیست ؟

با توجه به این مسائل بزرگ است که تعلیمات وبرنامه‌های مدارس استوار گردیده است .

اینك برای مثال جغرافیا را تشریح میکنیم :

۱ـ مقدمه : تعیین حدود بخش مورد مطالعه .

۲ـ وضع عمومی ومقایسه‌آن با نقاط مجاور .

۳ـ زمین ، اسم ملی ، اراضی دایروبایر،گیاهان بومی ،کشت‌وزرع منافع ومضاراراضی مورد مطالعه ، طرزجلوگیری ازمضاراراضی .

٤ـ زیرزمین : آزمایش مقطع ونمونهٔ‌آن.(راهها ، تونل‌ها ، چاهها وگودالها) مقدمهٔ عملی زمین شناسی ناحیه ، شرح کلی فسیل‌ها .

٥ـ آب وهوا : اثرآن درمردم وزراعت ، تغییرات‌آب وهوا ودرجهٔ حرارت ، بادها باران‌ها ، سطح عادی وغیرعادی‌آبها ، طوفانها ، ومواقع آنها درهرسال ، فصول .

٦ـ بهره برداری از زمین ، نواحی قابل کشت زمین بخصوص

قسمت‌های‌مهم آن ، فعالیت‌های عمدهٔ کشاورزی مورد نظر، تقویم روستائی ناحیه، جشن‌ها وآداب‌ملی ناحیه ، اسباب‌کارزارع و طرز کارآنها ، ارزش محصول ، قراردادهای مربوط بمراتع،ملاحظات راجع به برخی ازحیوانات (نژاد ، اصل ، غذا ، بیماریها ، محصولات‌ومصرف آن) اختلاط چراگاهها، مقدارمحصول حیوانی وصنعتی خانوادگی .

۷ـ نباتات : گیاهان بومی . جنگلها ، برافتادن درختها در محل و علل‌آن ، درخت‌کاری مجدد ، اشجار باردار، گیاهان‌آرایشی وطبی .

۸ـ مبحث آب : چشمه‌ها ، رودها ، مرداب ها ، جویبارها ، آبهای آشامیدنی وغیرآشامیدنی ، سدبندی‌آبها ، آزمایش شیمیائی و میکربی ، عمق‌آب ، آب جاری ومحصول حاصله ازنیروی محرکه‌آب .

۹ـ احوال‌مشخصه وتعداد چگونگی‌سکونت مردم ، علل تفرقهٔ آنها، منزل صاحب ملك وخانه‌های روستائیان ، مواد مصرفی ساختمان ، بامها ، مهندسی و معماری ، شرایط بهداشتی .

۱۰ـ روش ملك داری : املاك کوچك وبزرگ، ملاکین مقیم ومقیم خارج ازناحیه ،کارگران‌آزاد وروزمزد وکارگران سهیم ، میزان دستمزد وعلل کمی یا زیادی‌آن ، اعتبارات ملك داری ، شرکت‌های تعاونی .

۱۱ـ بهداشت : بیماریهای خاص محل ، علل ممکنه (طرز زندگی ممکنه ، شرایط اقتصادی کارگران ، غذا و غیره) بیماریها ، معالجات ، جن‌گیرها وجادوگران .

۱۲ـ صدورمحصولات محل باربندی و حمل ، میزان کرایه ، آمار مربوط به مسئله مزبور .

۱۳ـ جمعیت : تعداد ، افزایش وکاهش طی سنوات اخیر ، علل تغییر مکان‌اهالی، موالید، علل‌مهاجرت و نقاطی که مهاجرت‌بآنها صورت‌میگیرد.

۱٤ـآداب وعادات محلی ، طرزاستفاده ازبیکاری وبیکاران .

هرشاگردی باید راجع به مطالب فوق‌الذکر اطلاعاتی جمع کند ،

این اطلاعات ذی قیمت که از هر بخشی توسط شاگردان مقیم آنجا جمع آوری میشود سر انجام به تمرکز تعلیمات روستائی ارسال میگردد . مطالعه و تحصیل بهداشت نیز برهمین اصل مبتنی است و شاگردان هر بخش درهنگام ضرورت میتوانند سؤالاتی از «استاد مقیم ناحیه» بنمایندو پاسخهای مبسوط دریافت دارند. وجای بحث نیست که این طرز تعلیم ناحیه اندازه روح اجتماعی شاگردان را تقویت میکند همچنین تحصیلات مورد نظر کودك در کادرهر ناحیه مرتبهٔ خاصی در برنامهٔ مربوط بآن محل دارد این مطـالعات شامل نکات ذیل است :

١ـ تشکیل محیط خانوادگی .

٢ـ مسکن ، اثاثیه ، اسباب کار ، خانه داری ، بهداشت ، تزیینات .

٣ـ تغذیهٔ خانواده ، شرکت اطفال درتهیه غذا .

٤ـ کاراطفال درمنزل ومزرعه وسهم آنان از بودجهٔ خانوادگی .

٥ـ بازیها وبازیچهٔ اطفال .

٦ـ عادات وآداب واعیاد مذهبی .

٧ـ اجازه دادن ابوین درصورت تندرستی یا بیماری اطفال ، تنبیهات ، تشویقات وغیره .

٨ـ مسافتی که کودك باید برای رسیدن بهمدرسه طی کند . نفعی که مزرعه وجنگل و کشت وزرع برای اودارد .

٩ـ اثری که مدارس روستائی در بهبودکلی حال کودك و در نتیجه خانواده هادارد مخصوصاً باید باهمین که تعلیمات روستائی درایجاد حس انسانیت دراطفال دارد متوجه بود. تعلیمات کشاورزی از لحاظ مطالعه درامور مربوط بزیست شناسی و کسب اطلاعات از وضع طبیعی محل وسیلـه قاطعی برای مبارزه انسان با عوامل نامطلوب وآفات طبیعی محل است با تعلیمات عملی مکرر شاگردان عملا واردکار میشوند و با داشتن معلومات فنی کشاورزی سعی خواهند کرد صورت حقیقی چـه این مسائل حیاتی بدهند . مثلا : چون

سلامت شخص در چگونگی تغذیه است شاگردان اصل نگهداری و حفظ نباتات وسبزیهای مدرسه خود راکه خود ازآن تغذیه میکنند همواره در نظر میگیرند و همین شاگردان یعنی مردان آینده جامعه برای بالا بردن سطح اقتصاد اهالی کمال‌سعی و کوشش‌را دربهره برداری اززمین مبذول خواهند داشت .

بنابراصل است که شاگردان باید پیش‌ازهمه چیزدرصدد بند آوردن راه حل عملی وآسان درمسائل کشاورزی باشند و مثلا بدانند محل باغ را درچه نقطه ازمدرسه انتخاب کنند ؟ چگونه زمین را برای کشت‌حاضر کنند (شخم ، کود ، ورشوه و آبیاری) بذررا ازکجا و چگونه تهیه کنند ؟ چه وقت و چگونه باید تخم افشاند وگیاهان را جابجا نمود و آبیاری کرد ؟ وغیره . برای مطالعه دراین امورباشگاهی تشکیل میدهند ودراین مسائل بحث میکنند عیناً تعاونی نیز بهمین نحو انجام مـی‌پذیرد . در هرمنطقه شاگردان یك شرکت تعاونی تأسیس میکنند و احتیاجات روزانهٔ خود را به ارزان ترین قیمت خریداری مینمایند . آنها میدانندکه باید از اصول کهنه وتشریفات بیهوده دوری کرد . دراین مدارس ارتقاء در اختیار خود شاگرد است . هروقت خود را برای ترقی وبالا بردن درجه مستعد دیدند با نظراستادان ارتقاء کلاس پیدا میکنند .

عامل دیگرموفقیت آنست که تعداد شاگردان هر کلاس محدود است به ۲۵ الی ۳۰ نفر که بارژیم مدارس شبانه روزی‌کار میکنند . نتیجـه این نتیجه این ترتیب آنست که بین‌شاگردان یك روح اجتماعی بوجود میآید که علامت آن تأثیرشدید یك‌دستهٔ اجتماعی برهریك ازافراد واعضاء آن‌دسته‌است .

بهرحال محیط این مدرسه روستائی بتمام معنی « یك مرکز تحصیلات کشاورزی» است که استادان درآنجا میتوانند تمام مهارت ولیاقت خودرا بمرحله ظهور برسانند . بیشتراینان مربی هستند نه متخصصین امورزراعتی واعمال آنان نتیجهٔ ایمان شدیدآنان به ارزش‌کارومأموریتشان است .

مادام هلنا آنتی پوف (۱) و بسیاری ازشاگردان قدیم او در مدرسهٔ تکمیلی تعلیم و تربیت که اکنون تعطیل است در ایجاد این روش و حاکم ساختن این روحیه درمدارس روستائی تأثیر بسزائی داشته است و بالاخره این روش ازحیث استقرار و اجراء مدیون حمایت عالمانهٔ آقای آبگار رنول (۲) مدیر سابق تربیت عمومی ورئیس انجمن پستالوزی (۳) برزیل است (٤) .

برای اداره «فازندا روزاریو» یعنی دانشسرای روستائی بعد از آنکه مادام هلنا آنتی پوف چهاردوره متوالی آنرا ، سرپرستی کرد دوسال تجربه حاصل شد و در این هنگام بود که دوره های مرتب تعلیمات ناحیه‌ای برای تربیت معلمین روستائی ایجاد گردید .

دراین وقت مقدمات کار بخوبی آماده شده بود و براثر آنکه حکومت فدرال دومیلیون کروزود یعنی پول رایج برزیل اعتبار باین کار اختصاص داد این مدرسه دارای اطاقهای درس ، دفترها وخوابگاهها وسفره‌خانه و زمین ویژه بمساحت ۳۵ هکتار گردید . شاگردای یك کارگاه درودگری ویك مرغدان ویك لانهٔ خرگوش وغیره درست کردند .

استادان پنج نفرند که مقیم محل بود وهمگی ازجنس اناث میباشند

1– Mme Helenatntipoff 2– Abgar Renault

5– Société Pestalozi

٤ـ انجمن پستالوزی برزیل (اتحادیهٔ انجمنهای ناحیه‌ای) تحت ریاست اوگوستا سابویالیما Augusto Saboia Lima است که چند سال پیش مؤسسه یی برای تربیت اطفال بی سرپرست تأسیس کرده وخود آنرا اداره میکند هنگام عقد قرارداد بین دولت «Ninas Gerais» وانجمن پستالوزی، انجمن اخیر تحت اداره Dr Sandoval Soares de Azevedo بود واودر ۱۹۵۰ استعفا کرد ودولت بخاطر خدمات اودروس مدرسهٔ روستائی را بنام اوموسوم کرد . حکومت سرزمین میناس ژرائیس همواره ازروش مدارس روستائی حمایت میکند .

و در تمام‌کارهای شبانهٔ روزی شرکت دارند ، سه نفر کارشناس جغرافیا و پزشکی وموسیقی نیز در پایتخت کشور منزل دارند که بیست‌وپنج کیلومتر با محل درس فاصله دارد . مدیریت آن با مادام‌الکا کوستا کوئلهو(۱) میباشد که صلاحیت خاصی درکارخود وارد ، یك کارشناس کشاورزی متصدی عملیات فلاحتی است وشاگردان را درامورزراعتی هدایت میکندویك‌استاد نجار نیز بمعیت شاگردان کارمیکند و مبل واثاثیه میسازد وکلبه ها و پناه گاههای دهقانی تهیه مینماید . شاگردان از ساعت شش صبح تا ساعت بیست‌ویك بنابریك برنامه نظرآنچه قبلا آورده‌ایم مشغول کارند و چندین ساعت‌ازشب وروزمخصوص استراحت و نمایشهای تفریحی است . شاگردان دختروپسر که ازامکنهٔ مختلفه گردآمده‌اند بطوررایگان درس میخوانند و منزل و غذای مجانی دارند و متعهدند کــه چون تاریخ‌التحصیل شدند در بخش‌های‌خودشان باموافقت ادارات‌ذیعلاقه تدریس مدارس روستائی‌اشتغال ورزند . شاگردانی که‌از۱۵تا۲۵سال دارند به‌کارهای خانگی ومدرسه‌ای میپردازند وهر پانزده روز تعویض میشوند .

دررژیم مدرسه‌مختلط تاکنون اشکالی مشاهده نشده‌ومحصلین ذکور فقط ده درصد میباشند .

کارهای عملی‌بادرمدرسه‌تحت‌مراقبت معلم انجام میشود ویا درصورت تنظیم برنامه‌های راه‌پیمائی‌در خارج‌مدرسه‌ودرهوای‌آزاد صورت‌میگیرد .

نخستین دیپلمها دروس دانشسرای روستائی درآخرسال ۱۹۵۳داده می‌شود بنابراین خیلی زود است بتوان ارزش این دروس را معلوم کــرد لیکن میتوان گفت که این دورهٔ تکمیلی برای تهیه معلمین عملی و دارای همان نتایج تربیتی است .

اسناد ومدارك بسیاری که مطالعه شده نشان میدهد نتایج حاصله از آخرین دروس که از۱۹٤۸تا۱۹۵۲ داده شده و۵۱۷ شاگرددرآن‌شرکت

1– Mme Olga Costa Coelho

داشته‌اند بسیار رضایت بخش بوده است .

این مدارك محتوی سه قسمت است : مکاتبات شخصی که بین محصلین سابق واستادان (فازندا)، مکاتبات رسمی بین معلمین روستائی دیپلمه‌دوره‌ها وسرویس تمرکز فنی تعلیمات روستائی وبالاخره روابط بازرسان تعلیمات وادارات وسایر مقامات صلاحیتدار .

نخستین مدارك موجود مخصوصاً توجه معلمین روستائی را که از عهدهٔ آموختن دورهٔ تکمیلی بر آمده‌اند بامور اخلاقی وزندگی شهر نشین آشکار میسازد .

ازاین مدارك معلوم میشود که معلمین نامبرده قلباً میل دارند که در یك کارهمگانی شرکت‌جویند ودراجرای عمل خود تحت‌حمایت قرارگیرند. از فحوای بسیاری از این نامه‌ها که خیلی مؤثر هستند چنین بر میآید که این افراد خواستار بسط وتوسعهٔ معلومات واطلاعات خود میباشند تا بهترو بیشتر به خدمت خود ادامه دهند .

دراین مکاتبات‌رسمی یکنوع (وجدان حرفه‌ئی) نمایان است که‌سابقاً وجود نداشته و این امرسبب میشود که نسبت به مقامات صلاحیتدار کشور اعتمادی بوجود آید . این‌طرز فکر تاحدی‌معلول علل‌دیگری نیز هست‌ازقبیل افزایش حقوق به پشتیبانی مالی دولت ، برنامه ساختمان مدارس روستائی که شامل ایجاد مسکنی برای معلم وخانواده او نیز باشد .

ولی‌در بین این‌معلمین افرادی هستند که تابحال ازاین موارد استفاده نکرده‌اند . دراینجا تذکر بدهیم که سرویس‌فنی تعلیمات روستائی کندمجله ویژه (مدارس روستائی) را بـه تمام معلمین ارسال میدارد عمل موثری انجام میدهد .

ازگزارشهای بازرسان و مدیران مدارس روستائی چنین بر میآید که ازمکاتبات معلمینی که درحال تمرین هستندچه فوایدی حاصل میگردد . گاهی این گزارشها با بررسی خاص منطقه مربوط همراه است .

درمورد دیگردرمکاتبات‌وگزارشهای‌مزبور بذکر مشکلات‌وخطاهای

مرتکبه ونتایج حاصله از آنها بوسیله معلمین اکتفا شده است . جای آنست که گزارش شش ماههٔ دوم سال ۱۹٤۹ خانم معلم دبستان روستائی وارجینها(۱) را برای مثال تذکر دهیم . این بانو قبلا مدت ده سال درمدرسهٔ دیگر تدریس کرده بود . وی مینویسد :

من پس از طی دورهٔ تکمیلی درصدد بر آمدم که معلومات فنی جدید خود را عرضه بدارم . قبلا مهمانخانه کوچکی باز کردم و از درآمد آن باغچه ئی تربیت دادم که شاگردان در آن سبزیکاری کردند . چون مقامات دولتی ملاحظه کردند برای رفع حوائج آشپزی جاندارم ، مطبخ کوچکی درجوار مدرسه دراختیار من گذاردند وچون زمین مدرسه برای روئیدن تخم سبزی مناسب نبود یکی ازدهقانان مقداری زمین در اختیارم گذاشت . شاگردان متوجه شدند که گذاشته از اینکه از کارخود نتیجه گرفته اند مقداری سبزی اضافی نیز به خارج فروخته اند همچنین مقداری اسباب و لوازم که زیر نظر من ساخته بودند درخارج بفروش رسانیدند . با این درآمدها توانستیم یك داروخانه کمکی درمؤسسهٔ خود تأسیس کنیم و یك پرستار خیراندیش نیز حاضر شد که هفته ای یکبار بما کمك کند. طولی نکشید که اهالی قراء مجاور اهمیت بسیار بزرگی بمدرسه ما دادند .

اینك دامنهٔ عملیات ودروس ودرآمدها رو به وسعت شایان تقدیری نهاده و بهجت وصحت تکامل درآن حکمفرماست . این مثال یکی ازهزار بود .

مدارکی که نگارنده این مقاله مطالعه کرده است ثابت میکند که معلمین دانشسرای روستائی (مازندا) همواره درصددند که مدرسه خود را بصورت یك مرکز خدمات اجتماعی درآورند و بالنتیجه روابط عادی آنرا باخانوادهٔ اطفال تغیردهند . ایشان میکوشند روستائیان را بأصول علمی و عملی بهداشت وبچه داری و اصول جدید کشاورزی هدایت کنند و سعادت وسلامت آنان را تأمین نمایند .

مدارك ودلائل متعددی که در دست ماست اجازه نمیدهد که ترقیات

1– Varginha

شکرف تعلیمات را طبق افزایش سالانه شاگردان معین کنیم. آنچه معلوم است معاشرت مدرسه‌ئی تقریباً در تمام مدارس افزایش یافته بخصوص مدارسی که معلمین آنها دورهٔ ابتدائی و تکمیلی خودرا در دانشسرای روستائی طی کرده‌اند.

ازچند نظر ثابت است که عمل معلمین روستائی در مناطقی که مقامات دولتی از لحاظ بهداشت و امورمالی به فرهنگ جدید کمك میکنند نتایج درخشانی در برداشته است. همچنین هرگاه مدیرمدرسه یك دورهٔ شبانه برای تدریس اطفال یا اشخاص بیسواد تأسیس کند ازطرف اهالی استقبال شایانی بعمل خواهد آمد.

این تذکر بهیچ وجه ارزش نتایج حاصله معلمین راکه ازدانشسرای روستائی فارغ‌التحصیل شده‌اند کم نمیکند. طبق مدارکی که دردست است این معلمین درکارخود تسلط کامل دارند ومیدانند که چگونه باید اقدام نمایند که در مدارس روستائی کشور (میناس ژرائیس) روح «تعلیمات» حکومت کند.

خاتمه و نتیجه

اکنون باید دید آیا این دو آزمایشی که شرح آنرا دادیم کافی است که چند نتیجه کلی از آن بگیریم؟ و آیا این آزمایشها درمورد معلمین مدارس روستائی برزیل کفایت میکند که این سیستم تعلیم را درهمه جا بموقع اجرا بگذاریم؟

بعقیدهٔ ما جواب این سؤال نیست است، بشرطیکه از طرفی شرایط خاصی راکه آزمایشهای مزبور ضمن آن بعمل آمده و ازطرف دیگر تحولات اقتصادی وتربیتی کشوررا طی سنوات اخیرمنظورو ملحوظ داشت.

۱ـ این آزمایشهای دوگانه که درآنها ازحمایت تشکیلات خصوصی استفاده شده نشان میدهد که نسبت تشکیلات زندگی روستائی توجه عمومی وجود دارد ودرعین حال ازلحاظ مسائل تربیتی اطفال ومسائل اقتصادی و اجتماعی دغدغه‌خاطری نیزدرکاراست. آزمایش جوازئیرودونورت(۱) نشان میدهد که عده‌ای از مردم تربیت شده ناحیهٔ شمال شرقی از کارهای مهم و پرخرجی که‌دراین ناحیه‌شده‌ولی درمبارزه با بی‌آبی موسمی به نتیجه‌ای نرسیده دچار یأس و نگرانی شده اند و این امر خود بیشتر نتیجهٔ عدم تفاهم و نقصان تعلیمات اهالی بوده‌است. روش دانشسراهای‌روستائی که با برنامه سیاسی وسیعی تری اجرا میشود تنها بکارجلوگیری ازمهاجرت عناصر متعدد سکنهٔ (میناس‌ژرائیس) بسوی کشورهای مجاور شرق وجنوب که دستمزد بیشتری بکار گرمیپردازندومناطق جدیدمرکزی که بهره برداری اقتصادی شایانی دارد، آمده است.

۲ـ دو آزمایش‌مزبورروی تصوراتفنی مختلفی قراردارند. آزمایش (جوازئیرودونورت) براساس تربیت معلمین شهری جهت فراگرفتن اصول

1– Juazeiro do Norte

فنی وعملی کشاورزی استوار است تا بدین وسیله بتوانند درمعلمین اشتیاقی تولید نماید تا درمدارس روستائی به تعلیم بپردازند وبمردم تلقین کنند که در یك منطقه پا برجا بمانند لیکن مؤسسین روش دانشسراهای روستائی متوجه این نکته شده‌اند که مسئله فراهم کردن معلمین روستائی و استخدام آنها کاملا بهم ارتباط دارد. مؤسسین این روش باپذیرش اصل استخدام معلمین باصطلاح (طبیعی)، کوشش کرده‌اند برای تعلیم مجدد معلمین مزبور، فلسفه و علوم تربیتی جدیدی بآنها بیاموزند که کاملا جنبهٔ اجتماعی داشته باشد.

درعین‌حال باشناختن شاگردان خود، متوجه شده‌اند که مسئله‌فراهم آوردن معلمین روستائی ازمسئله اصل وریشه‌آنها جدا شدنی نیست وبدین دلیل متقاعد شده‌اند که معلمین روستائی باید ازمیان مردم بومی ودهقانان انتخاب شوند ودرعمل، ثابت‌شده است که تنها تربیت معلم‌کافی‌نیست بلکه باید معلمینی راهم که مشغول کارهستند ازدست نداد.

۳ــ این وضع نتیجه مطلوبی داد بدین معنی که صدها معلمی که از روش دانشسراهای روستائی پیروی کرده‌اند مسائل حقیقی و احتیاجات واقعی تعلیمات‌روستائی‌را درمملکت شناساندند وتجربه یی که بدین طریق بدست‌آمد ازآغاز امر تعلیم وتربیت دردانشسراهای روستائی جنبهٔ خاصی ازحقیقت جوئی‌وتفاهم انسانی بخشیده است.

۴ــ دراین مرکز تعلیمی از بدوامرارزش این فکر که، این مؤسسات باید یك (مرکزاتحاد روستائی) باشد تلقین گردیده تاحس اجتماعی شاگردان را توسعه دهد. روش جوآزئیرو برفکر دیگری مبتنی بوده و منظور نهائی آن در دست نگهداشتن قسمت اعظم شاگردان میباشد. فقط یك‌مرکز ناحیه‌ایست که میتواند معلمینی‌راکه بتوانند باروش شبانه روزی بسر برده‌درامور اجتماعی‌شاگردان‌شرکت‌ورزند‌فراهم‌سازد واین‌امر خود شرط اساسی موفقیت دریك روش مشابه بنظرمیآید.

۵ــ اگر نتایج این دوآزمایش را مقایسه کنند واگر وضع اجتماعی

واقتصادی قسمت اعظم اهالی را بنظر آورند مشاهده میشود که دوره‌های تشکیلات پرسنل معلمین باید کوتاه و تشکیلات آنها ساده باشد برنامه‌های آنها کمتر دارای تکلف وتصنع گردد. برای شاگردان ۱۴ و ۱۵ ساله پس از پایان دورهٔ دبستان چهارسال تحصیل کافی است. بهیچوجه لازم نیست که در این مدارس زبانهای خارجی و اصول نظری اجرا گردد برعکس جای آن دارد که در آن مدارس فعالیت های فوق برنامه جهت بوجودآوردن یك محیط مساعد خدمات اجتماعی معمول داشت. برای این‌منظور نیز از تأمین رژیم شبانه روزی (برای اجرای تماس مداوم معلم وشاگرد) ناگزیرند.

۶ ــ همچنین ناگزیرند که شاگردان را از تفرقه بازدارند و برای این کارلازم است شاگردان‌را بعدازخروج ازمدرسه بحال خود وانگذارند وترتیبی دهند که آنان با معلمان خود درتماس باشند وهمواره یك سرویس تمرکز فنی تعلیمات باید مسؤل این عمل باشد واشتراك مساعی بین دبستانها مختلف وسایرسازمانهای فرهنگی راتشویق کند. براثر این روابط وتماسهای پیاپی باشاگردان قدیم، مراکزتشکیلات وتکامل به تجدید نظرنقشه های خود موفق خواهند شد؛ دروس فوری که جهت معلمین مشغول تحصیل در بعضی مراکزاصلی هستند تشکیل گردیده دراینجا نتایج درخشانی خراهدداد که بادروس تجربی دانشسرای روستائی قابل قیاس‌میباشد. در کشورهای نظیر برزیل که شمارهٔ معلمین بدون دیپلم زیاد است، این طرز عمل تعمیم خواهدیافت زیراطرز تعلیم مزبورشدیداً بهبالا بردن سطح اعضای فرهنگی وآموزشی درمناطق خارج شهر ارتباط دارد.

۷ــ روش‌جوآزئیرو که از ۱۹۳۴ بکار بسته‌شده وروش دانشسراهای روستائــی اثر محسوس تری در مسئلهٔ تعلیمات روستائی برزیل بــرجای گــذاشته‌اند. بعضی کشور هــای مجاور سه‌آرا (۱) معلمین خــود را به دانشسراهای جوآزئیروفرستاده‌اند تا دورهٔ آنرا ببینند و دانش آموزان اصلی کشورهای متعدد به فراگرفتن دوره های تکمیلی (فازندا) مشغول گردیده‌اند. این تعلیمات شامل دوره‌های استاژ مطالعات درباره زندگی

1– Ceara

روستائی هستند و شانزده کشور برزیل در این قسم مطالعات شرکت جسته‌اند.
اعضای این استاژ مخصوصاً تاکید کرده‌اند که یك مدرسهٔ عالی تعلیمات روستائی مأمور تحقیق درباره تهیه معلمین دانشسراهای محلی گردد. سابقاً نظیر این فکر برای تعلیمات علوم کشاورزی عملی شده و این فکر بوسیلهٔ کمیسیون ملی یونسکوی برزیل بموقع اجرا گذارده شده‌است.

۸ــ چند سال است که موضوع تربیت و تکمیل آموزگاران روستائی در برزیل مراحل تکامل خود را می‌پیماید و گذشته ازمراحلی که ذکر شد، آزمایشهای متعددی درسایر کشورها ومناطق برزیل بعمل آمده است.

درژوئن ۱۹۵۲ رئیس جمهور پیامی به کنگرهٔ ملی داد که یك سرویس به سرویس جمهوراجتماعی صناعت سرویس اجتماعی تجارت ملحق شود.

سرویس موجود اخیرالذکرمأمور تضمین تعلیمات اهالی روستائی و هیئت بهداشتی دردهات وتشویق تشکیلات و اجتماعات روستائی و اجرای گزارشهاو تجسسات درمورد احتیاجات اقتصادی واجتماعی وسکنهٔ روستائی است. یکماه بعد رئیس جمهور فرمان تشکیل یك کمیسیون ملی سیاسی کشاورزی را امضا کرد ازسال ۱۹۵۰ وزیر معارف ووزیر کشاورزی نخستین هیئت‌های روستائی تعلیمات را بوجود آوردند. یك دوره کارآموزی مطالعات ممالك لاتین وآمریکاراجع به بهبود و تندرستی سکنهٔ روستائی در ۱۹۵۳ توسط ملل متحد ودولت برزیل در دانشگاه روستائی واقعه در حوالی (ریودژانیرو) تأسیس شد.

۹ــ اجمالا تمام این ابتکارات و تجربه‌ها نشان میدهند که تکمیل و هیئت تدریس مدارس روستائی و اصلاح آنها بدون اخذ تصمیمات دیگری که میتواند برای جای دادن مدارس روستائی در سیستم منظم « تعلیمات اساسی » بمعنی وسیعی که یونسکواز آن میفهمد بکار آید، لازم و ضروراست.

مآخذ

کتب ورسالات :

ALMEIDA, JÛNIOR, A. F., «Os objetivos da escola primaria rural», *Revista brasileira de estudos pedagógicos*, vol. v, no 13 (juillet 1945), p. 93-114.

AZEVEDO, FERNANDO DE, «O problema da educação rural», *A educação e seus problemas*, 2e éd, São Paulo, Companhia Editora Nacional, 1946, 384 pages.

DEPARTAMENTO NACIONAL DE EDUCAÇAO, *fundamentos e metodologia do ensino supletivo* (Campanha de educação de adultos. Publicação nº 12), Rio de Janeiro, Ministério da Educação e Saúde, 1950, 263 pages.

– *Instruções aos professôres de ensino supletivo* (Campanha de educação de adultos. Publicação nº 4) Rio de Janeiro, Ministério da Educação e Saúde, 1947, 16 pages.

– *O Serviço de educação de adultos no exercício de 1950*:, Rio de Janeiro, 1951, Ministério da Educação e Saúde, 111 feuillets miméo.

FORTALEZA, ESCOLA NORMAL RURAL, *Programas*, Fortaleza (Ceará), Tip. Minerva, 1944.

– *Regulamento*, Fortaleza, (Ceará), Imp. Oficial, 1934.

HALL, ROBERT KING, «Observações e impressões sobre o ensino rural no Brasil», *Revista brasileira de estudos pedagógicos*, vol. XIV, no 38 (janvier-avril 1950), p. 110-125.

INSTITUTO NACIONAL DE ESTUDOS PEDAGOGICOS. *Oportunidades de preparadco no ensino pedagógico*(Publicação nº 72), Rio de Janeiro, 1951, 244 pages.

—*Organização do ensino primário e normal*, Rio de Janeiro, 193?– 1945, 20 volumes.

—*Situação geral do ensino primário*, (Publicação nº 13), Rio de Janeiro, 1941, 143 pages.

INTER–AMERICAN SEMINAR ON LITERACY AND ADULT EDUCATION (Petrōpolis, Brésil, 1949) *La Educatiōn fundamental del adulto americano* (Seminarios Interamericanos de Educaciōn nº 7) Washington, Uniōn Panamericana, Division de Educacion, 1951, 232 pages.

LOURENÇO-FILHO, M.B., *L'édncation au Brésil*, Rio de Janeiro, Ministère des relations extérieures, 1951, 39 pages. Egalement publié en anglais et en espagnol.

MENNUCCI, SUD, *A crise brasileira de educação*, São Paulo, Edit. Piratininga, 1934, 294 pages.

MINAS GERAIS, SECRETARIA DE EDUCAÇAO, *Cursos intensivos de férias e cursos de treinamento para professores rurais*, Belo Horizonte (Minas Gerais), Serviço de Orientação Técnica do Ensino Rural, 1952, miméo.

MINISTÉRIO DA AGRICULTURA, *Missões rurais de educação: a expériência de Itaperuna* (Estudos brasileiros, no 3), Rio de Janeiro, 1952, 210 Pages.

—*Reforma agrária no mundo e no Brasil* (Estudos e ensaios, nº 4) Rio de Janeiro, 1952.

SEMANA RURALISTA DO JUAZEIRO, *Anais*, Fortaleza (Ceará), Imp. Oficial, 1939.

SEMINARIO DE ESTUDOS RURAIS DE MINAS GERAIS, *Síntese das conclusões*, Belo Horizonte (Minas Gerais), 1952, miméo.

SOCIEDADE PESTALOZZJ do BRASIL, *Boletim semestral*, vol. VII, nº 24 (juin–décembre 1951), Rio de Janeiro.

SOUZA, ANTONIO MOREIRA DE, «Memoria sôbre as humildes origens da escola normal rural do Juázeiro no Ceará, *Anais do VIII Congresso Brasileiro de Educação* (Goiânia, Junho) 1942, Rio de Janeiro, Serviço Gráfico do I.B.G. E., 1944, p. 613–626.

TORRES DE SILVA, RUTH IVOTY, *A escola primária rural*, Rio de Janeiro, Editôra Globo, 1952, 289 pages.

مجلات

A escola rural: boletim dos cursos de aperfeiçoamento para professores rurais, nºs 1–6, 1948-1951, Belo Horizonte (Minas Gerais).

بخش دوم

تربیت معلمین روستائی
درساحل طلا (Côte - de - l ' Ore)

از ل. آ. گریدی (L . A . Creedy)

فصل اول

تربیت هیئت تعلیمی درساحل طلا

تا سال ۱۹٤٥ درساحل‌طلا (کت‌دلور) دو برنامه عمده تربیت‌معلمین بکار میبردند : یکی چهارسال مخصوص جوانان ذکوروانات بود که کلاس هفتم ضمیمه راطی کرده باشند . این دوره در حال حاضر به کلاس چهارم متوسطه موسوم است. یکی دیگردوسال‌وخاص داوطلبان تحصیلات‌متوسطه بود که ازلحاظ تحصیلی درردیف مدرسهٔ کامبریج ازدرجهٔ(۱) بودند . بعضی ازدانشسراها جزیکی ازاین دوره های تحصیلی را نمیگذراندند و گروهی دیگر هر دو دوره را طی میکردند . شاگردان این مدارس بعد از فراغ از تحصیل اختصاصی‌رضایت به‌تدریس‌درمناطق روستائی یاشهری نداشتند بلکه هر کدام آرزو داشتند که بشهری که از آنجا برای تحصیل آمده‌اند مراجعت نمایند .

ازچندسال به‌اینطرف‌وضع تعلیمات(کت‌دلور) تغییرات‌کلی یافته‌است. نخستین طرحهای اصلاحی در هنگام جنگ صورت گرفت . درآن‌هنگام کمیته‌ای مأمور مطالعهٔ کلی در بارهٔ وضع تعلیمات گردید و نظر خاص آن متوجهٔ تحصیلات ابتدائی نوباوگان بود . اکثر سکنهٔ (کت‌دلور) در شهرها وقصبات زندگی میکنند و بهمین جهت احتیاجات مناطق روستائی درردیف اول قرارگرفت . چون اطفال در این مدارس نمیماندند ، چنین مقررشدکودکانی راکه وارد کلاس شده‌اند تا پایان ششمین یعنی آخرین سال‌دورهٔ تحصیلی بوسایل مقتضی‌دلخوش کرده وبه ادامه وتکمیل‌تحصیلات تشویق نمایند .

برای تأمین این‌منظورلازم بود تشکیلات منظمی برای تربیت معلم بوجودآید . چنین تشخیص داده شدکه دوره تکمیلی معلمی باید کوتاه واعتبارآن‌کافی باشد . همچنین معلمینی تربیت شوندکه درمناطق‌روستائی

1– School certificate

به تدریس پردازند . برای تأمین این منظور قرارشد دورهٔ تحصیلی بمدت دوسال برای تعلیم فن پرورش کودکان وتدریس درمدارس روستائی تأسیس گردد . کمیته مذکوردرسال ۱۹۴۱ گزارش خود را تهیه کرد ولی جنگ مانع اجرااآن طرح وایجاد دانشسراهای جدید شد لیکن این وضع مانع آن نشد که مدارس ابتدائی افزایش یابد و بالنتیجه در پایان جنگ نیز دبستانها دارای معلمین ممتاز نبود . چنین وضعی ایجـاب میکرد که طرح مربـوط به تربیت هیئت تعلیمی هرچهٔ زودتر بمرحلهٔ اجرا درآید . بعد از جنگ جداً به عملی کردن مسألهٔ مزبور اقدام شد و عدهٔ زیادی معلم از دانشسراهای متعدد فارغ التحصیل گردیدند ودرحدود دوازده مؤسسهٔ جدید تربیتی مفتوح شدکه درآنها برنامهٔ تازه‌یی برای تربیت‌معلم اجراء گردید وآن برنامه دردوسال اجرا میگردید حتی بعد ازافتتاح همین مدارس‌روش تعلیم در ساحل طلا تغییر یافت . در ۱۹۵۱ دولت طرحی را بمرحلهٔ اجرا درآوردکه بموجب‌آن مراکزفرهنگی توسعه یافتند و با اجرای این طرز نوین بودکه در ۱۹۵۲ قوانین سابقی مربـوط به مدارس ابتدائی منسوخ گردید وبراحتیاجات تعلیمی افزوده شد وناگزیردرمطالعات مربوط‌بتعلیم وتربیت تغییراتی حاصل گردید .

از ۱۹۵۱ ارزش فواید برنامه جدید دو سالهٔ تربیت معلم کاملا مشهودگردید ولی اشکال مربوط بیافتن اشخاص ذیصلاحیت همچنان بقوت خود باقی بود .

شاگردان ساعی به تحصیلات متوسطه اظهار تمـایل میکردند و آنهائیکه مایهٔ کمتری داشتند به تحصیلات سیکل تربیتی چهارساله مشغول میشدند و در سیکل دو ساله جز معدود انگشت شماری شرکت نمیجستند . «طرح فوری‌توسعه» این مشکلات را بسرعت ازمیان برد . امروز کسانیکه میخواهند به سیکل دوساله وارد شوند باید دورهٔ ویژه‌ئی را بگذرانند وبعداً وارد دانشسرای موصوف‌شوند وتصدیق تربیتی ازدرجهٔ B رابدست آورند. آنگاه چندی‌بطورکارآموزی‌مشغول‌کارمیشوند سپس شاگردانیکه خوب‌کارکرده‌اند دورهٔ دیگری را طی‌میکنند وسرانجام تصدیق تربیتی‌از درجهٔ (A) میگیرند . این دروس در دانشسرا های قدیمی داده میشود که

شاگردانش با تحصیل‌متوسطه درحال کنونی دوسال دیگر تحصیل‌ومطالعه میکنند وآنانکه تصدیق B دارند بجای چهار سال ، دو سال دیگر تعلیم میبابند . تعداد مدارس دورهٔ تحصیلی B در آغاز ۱۹۵۳ به هجده باب میرسید وبیشتر آنهادرمستعمرات آشانتی(۱) ویکی دراراضی شمال استقرار دارد . بطورکلی دانشجویان ازجنس ذکورند ودرعین حال دو دانشسرای دخترانه وچهاردانشسرای مختلط نیزموجود است . دودانشسرای زنانه نیز وجود داردکه دانشجویان‌را به‌تحصیل دورهٔ A مهیامیساختند اینک آنهارا به‌تهیهٔ تصدیق B مهیا میکنند. بعضی ازاین دانشسراها وسیله دوایردولتی وبرخی دیگرتوسط ادارات مخصوص و با دخالت بعضی ازجمعیتهای مذهبی که درامر تعلیم‌وتربیت ساحل‌طلا نقش‌بزرگی ایفامیکنندااداره میشود.

اخیراً تصمیماتی اتخاذ شد تا دانشسراهای دوساله بتوانند دارای معلمین برای مدارس ابتدائی شهری وروستائی باشند لمکن خیلی‌زوداست که بتوان وضع آنها را از لحاظ نتایجی که بدست میدهند تغییر داد ولی اصولا بسیارکم احتمال داده میشودکه بتوان برنامهٔ این مدارس را تغییر زیاد داد زیرا ساحل طلا بیشتر مستور از قراء و قصبات است و بنابراین مدارسی که باید درآنها ایجاد شود بیشتراز نوع مدارس روستائی است . این‌امرهمیشه‌تحقق‌داشته ومخصوصاً دردانشسرای کومنداکه ذیلاتوضیحاتی دربارهٔ‌آن‌خواهیم‌آورد تحقق‌کامل دارد. مسلماً میان دانشسراها اختلافاتی موجود است اما دانشسرائی که ذیلا توضیح خواهیم داد نمونهٔ بارزی است از مؤسساتی که در آن معلمین روستائی تربیت حرفه‌ای خود را در آن حاصل میکنند .

1– Achanti

فصل دوم

دانشسرای متدیست کومندا(۱)

وضع ساختمان و اراضی ـ دانشسرای کومندا دارای تشکیلات قابل توجهی است که خاص تربیت معلمین روستائی میباشد. این دانشسرا دریك کیلومتر و نیمی بندر کوچك صیادی کومندا قراردارد و ساختمانهای اصلی آن درقسمتی از زمین که نسبةً مرتفع است بنا گردیده و بیشتر این ابنیه بخرج دولت کومندا و براثر ابتکارفرمانداری آن سامان بنام (ا ..... سام) خریداری شده‌است وسپس از کلیسیای متدیست دعوت شد که آنهارا بمنظور امورتربیتی آماده نماید. کلیسیای مذکور فوراً تصمیم گرفت که آنرا برای یك دانشسرای مقدماتی درآن ایجاد کند و دولت ساحل طلاهم در نهایت جوانمردی حاضرشد مبلغ نه‌هزاردلار برای تعمیرات اساسی وتغییرات لازمهٔ بنا بکلیسیای مذکور بپردازد. کارهای عمرانی واساسی این مؤسسه‌از نیمهٔ دوم سال۱۹٤۷ آغاز گردیده‌ودانشسرادرمارس۱۹٤۸ افتتاح گردیده‌است.

بنای اصلی که بسیارمستحکم است ازسیمان تعبیه گردیده بود وفقط محتاج تغییرات کوچکی بوده است تا بتواند برای یك دانشسرای مقدماتی آماده استفاده شود. قسمت اساسی بناشامل پنج تالار درس و سفره‌خانه وآشپزخانه‌هاویك‌سالن‌اجتماع‌است که‌ضمناً تعلیمات‌دینی نیزدرآن بعمل‌میآید و محوطه هائی نیز برای کتابخانه و دبیرخانه ها و مغازه ها وزیك سالن دروس تکمیلی دارد. خوابگاه شاگردان درشش تالار دورازاین‌ساختمان واقع است که هر کدام از آنها دارای اطاق با حمام ومستراح میباشد. در ساحل طلا دانشسراهای دیگری نیز وجود دارد که درهر خوابگاه آن تا بیست شاگرد میخوابند ولی این طرز تقسیم مطبوع نیست وبدین جهت در دانشسرای‌منظم (کومندا) درهراطاق بیش‌ازچهارشاگرد را نمیخوابانند. ازهنگام افتتاح دانشسرا در وضع ساختمانهای آن تغییرات کلی داده شده

1– Ecol normale méthodiste de Komenda

واصلاحات دیگری نیز در نظر است که مجموعهٔ آنها اثر نیکوئی در بر خواهد داشت . بخصوص تالاری جهت تعلیم هنرها وصنایع چوبی ویك سفره‌خانهٔ وسیعتر وقفسه‌بندی بهتری برای کتابخانه وعمارتی جداگانه برای تعلیمات دینی وتوسعه منازل اعضاء مورد نظر است . تاکنون از طرف دولت نقشهٔ این ابنیه طرح گردیده وامید است اعتبارلازم برای اجرای آن جمع‌آوری شود و شروع بکار نمایند . دانشسرای مزبور این مزیت را نیز دارد که حکومت (کومندا) اراضی لازم را دراختیار آن گذاشته است بطوریکه گذشته ازاراضی زیربنا، زمین‌هائی نیز موجود است که درموقع لزوم میتوان برای توسعهٔ ابنیهٔ موجود مورد استفاده قرار داد . در پای تپه‌ئی که این دانشسرا احداث گردیده زمینی‌است که سه‌هکتارونیم مساحت دارد وتقریباً تمام‌آن را شاگردان کاشته‌اند . نزدیك آن‌جا نیزقطعه زمینی برای ورزش وجود دارد که یك پیست دوآنرا احاطه کرده که،شاگردان سالهای نخست تحصیلی دانشسرا آنجارا درسالهای ۱۹٤۸ و۱۹٤۹ مرتب‌وآماده کرده‌اند. نخستین اجتماع قهرمانی ماکه در۱۹٤۹ درآن زمین بعمل‌آمده همواره‌در ذهن شاگردان ودرتاریخ دانشسرا باقی خواهدماند .

ازهنگام افتتاح دانشسرا طرحهای عمرانی ریخته شده وسال بسال توسعه میگیرد و زمینهای جدیدی کشت وزرع میشود . بدین طریق که‌یك مزرعه کشت کاکائو که از۱۹٤۸ احداث شده اینك محصول میدهد، همچنین نهالهای مرکبات مختلفه اینك بثمر میرسد و از درختهای بی بر که جهت استفاده ازچوب‌آن کاشته شده است برای سوخت بهره‌برداری میشود . یك گله گوسفند ویژهٔ دانشسرا درحول وحوش تربیت میشوند وقسمتی‌اززمین نیزخاص کشت وتهیهٔ علوفه برای‌آنهاست .

تشکیلات وامورمالی

دانشسرای متدیست ساحل طلا با اشتراك مساعی کلیسای متدیست ودولت‌مربوطه ومنطقهٔ(کومندا) تأسیس‌یافته‌وحقیقهً روح اتحاد ویگانگی مجامع ومحافل مزبوروفعالیتهائی که بکاربرده‌اند ستودنی است .

ازسنهٔ ۱۹٤۸تا ۱۹۵۲ دانشسرا تحت سرپرستی هیئت‌مذهبی کلیسای متدیست ساحل طلا اداره میشد ودرقسمت اداری کارهای خود وسیله مدیر

بنگاه از یك کمینهٔ منتخب از هیئت مزبور دستور میگرفت . از این ببعد دانشسرای مزبور تحت بازرسی یك شورای اداری مستقل اداره خواهدشد که قانونی‌هم برای تسجیل شخصیت حقوقی آن خواهد گذشت . این هیئت اداری ازطرف کلیسای متدیست وحکومت مرکزی کومند وحکومت محلی تعیین خواهند شد ولی بطورکلی تصور نمیشود که تشکیلات جدید تغییرات عمده‌ای درسازمان دانشسرا بدهد و حتی چنین میپنداریم که این قدرتهای رسمی سه گانه وسیله‌ای برای تسریع درپیشرفت امور این مدرسه خواهند گشت.

امورمالی دانشسرا بطورکلی از راه اعانات سالیانهٔ دولت مرکزی اداره میشود (همانطوریکه سایر دانشسراهای ساحل طلا ازاین امر بهره‌مند میشوند) ازسال ۱۹٤۸ تا ۱۹۵۱ دولت هزینه‌های اعضاء ومعلمین را تأدیه کرد و علاوه براین ضمن حساب خاصی نسبت به تعداد دانشجویان شبانه روزی اضافه اعانه‌ای پرداخته است وهمچنین ازشاگردان تقاضا شده که قسمتی از مخارج پانسیون وبهای مجلات ورسالات و البسه وغیره را بپردازند. میزان این وصولی درحدود بیست لیره در سال است . ولی این وجوه وصولی با با بالارفتن هزینه ورکود اعانهٔ دولتی دردی دوا نمیکند ومخارج لازم را تأمین نمینماید باآنکه همه‌ساله براثر مضیقه مالی از دولت اعانه بیشتری تقاضا شده و دولت نیز خوشبختانه پرداخت نموده باز هم تکافوی مخارج لازم را نکرده است، در ۱۹۵۲ طرزامورمالی دانشسرا حولی بخود گرفت.

هرمؤسسه‌ئی ازروی پیش بینی های خود بودجه‌ای تنظیم کرد وپس ازمطالعهٔ دقیق دراطراف این بودجه وتأمین آن ، کسری بودجهٔ مزبور را سرموعد از اعانهٔ دولت اخذ نمود . در سال اول این طرز عمل با رضایت اولیای دانشسرا معمول وتوأم شد وقسمتی ازنگرانیهای مالی رفع گردید . مسئله دیگری نیز بمیان آمد وآن اینکه هرشاگردی سالیانه ۷۲ لیره کمك خرج میگیرد واین مبلغ همان است که در ۱۹۵۲ هرمعلم غیردیپلمه که مشغول ادامهٔ تحصیل بود دریافت میداشت . با این مبلغ شاگرد وجه پانسیون و کتابها وسایراحتیاجات خود را میپردازد که جمع آن بالغ بر پنجاه لیرهٔ استرلینگ میشود. واین مانند آنست که شاگردان درتمام مدت سال تحصیلی یك مددمعاش ماهانه‌ودرمدت تعطیلات مددمعاش بیشتری دریافت کرده باشند

بنا براین اگر در روزگاران گذشته بر اثر فقدان وسیله برای بدست ـ آوردن مخارج مدرسه وتعلیم وتربیت افراد سودمندی برای تشکیل هیئت تعلیمیه ازدست میرفتند ازاین بس دیگر آن وضع تکرار نخواهد شد.

شاگردان استاد

دانشسرای (کومندا) از بدو افتتاح خود درسال ۱۹٤۸ رو بتوسعه بوده وهمه ساله برتعداد دانشجویان آن افزوده شده است .

سال اول چهل شاگرد ذکور وارد آن شده ودردو کلاس تحت تعلیم شش استاد به تحصیل مشغول شدند . در ۱۹٤۹ یعنی دومین سال تأسیس دانشسرا شصت شاگرد دیگر به تحصیل پرداختند . درپایان همال چهل نفر اول فارغ التحصیل وازدانشسرا مرخص شده بخدمت اعزام گردیدند وشصت دانشجوی جدید واردکارشدند . درنتیجه تعداد دانشجویان به ۱۲۰ نفر بالغ گردید ولی در ۱۹۵۲ پیشنهاد شد کلاس ویژه‌ای جهت بانوان تأسیس شود ودراین کلاس سی دانشجوی زن نام نویسی کردند . ساختمان کلاس مزبور دریك زمین هواپیمائی بود وتقاضا شد که دولت کمکی نماید تا ساختمان جدیدی احداث گردد واین تقاضا عملی شدودر ۱۹۵۳ کلاس دیگری افتتاح یافت.

اکنون دانشسرای (کومندا) دارای ۱۸۰ دانشجو میباشد که ۱۲۰ نفر آن مرد وشصت نفر دیگر زن هستند . اکنونکه این سطور را مینویسیم معلوم نیست که دانشسرای (کومندا) همچنان مختلط خواهد ماند یا نه ؟ آنچه بدیهی است اختلاط بانوان و مردان عامل بزرگی برای تحکیم روح جامعه میباشد .

انتخاب داوطلبان و نامزدهای آموزش یك امتحان ورودی و یك «مصاحبهٔ مستقیم» که معیار تربیتی داوطلب را بمعرض آزمایش درمی آورد انجام میشود . امتحان مواد علمی عبارت است اززبان انگلیسی . حساب . زبان محلی ودورهٔ انجیل . بعضی از داوطلبان کمترازدوسال و برخی حتی بیشتر ازده سال مطالعه دارند .

اکثر آنان بیش از بیست سال و برخی بالاتر از سی ساله میباشند . طبق تجاربی که بعمل آمده شاگردان سالمندتر غالباً نتایج بیشتری میگیرند . بتجربه نشان داده است که اگر بخواهیم آموزگاران مجربی در عرض این

دوسال داشته باشیم باید داوطلبانی انتخاب کنیم که فکرشان وفهمشان باز تر وتیز تر باشد ودرطرز تعلیم، پراتیکی داشته باشند. چون شاگردان ما از یك محیط بمسافت چهارصد کیلومتری گرد آمده اند میتوان گفت که از تمام مناطق دراین دانشسرا جمع شده اند وازمناطقی هستند که زبانشان متفاوت و مختلف میباشد . همین اختلاط عناصر قبایل مختلفه نتایج خوشی داشته و برای خود شاگردان درمدرسهٔ آنان تأثیرات نیکوئی بخشیده است . شاگردان ما اغلب از نواحی روستائی که مدتی در آنجا تدریس کرده اند گرد آمده اند . تعداد داوطلبان درسال اخیر یکصد و پنجاه نفر بوده ولی براثر تحولاتی که ذکر شد تعدادشان به هزار نفر بالغ گردیده است (ازنود محل)

هرچند شاگردان مادر قومیت وزبان مختلف باشند دریك امر مهم همداستانند وآن حرارت درمطالعه و تحصیل اراده محکم برای آمادگی در تعلیم و تربیت اطفال است . این شوق ورغبت زیاد بطورکاملی عمل رئیس تعلیمیه راآسان میسازد .

هیئت تعلیمیه :

دردانشسرای کومندا حرارت معلمین هم بهیچوجه از حرارت و شور شاگردان کمتر نیست باستثنای مدیر دانشسرا ، اکثریت کارمندان تعلیمی از آفریقائیها تشکیل شده که در تدریس مورد ابتدائی مجرب میباشند . به نخستین معلمین طی یکسال اطلاعات مخصوصی تعلیم شد (همراه بعضی از همکاران آنان که طلبهٔ علوم دینی بودند)این تعلیمات را دردانشسرای علوم دینی آکروپونك(۱)دریك دوره دوساله مدارس روستائی را بازدید کرده وازاین راه بامعلمین ومدارسی که دانشسراها برای آنها آموزگار بعنوان معلمین بازرس تهیه میکنند آشنائی یافتند .

یك قسمت ازهیئت تعلیمیه اکنون دورهٔ مطالعات خود را باگذراندن انستیتوی تعلیم و تربیت لندن یا مدرسهٔ عالی ساحل طلا تکمیل کرده و دروس مخصوص به معلمین غیردیپلمه راکه تجاربی نیزدارند دیده اند هیئت تعلیمی (باضافهٔ مدیر)درحال حاضر پانزده نفرند که چهار نفرشان زن و پانزده

1— Akropong

نفر دیگر مرد میباشند .

درمیان آنها یك آموزگار متخصص در نجاری و یکنفر کارشناس حرفه‌ها وهنرها ، یك کارشناس کشاورزی یك متخصص تربیت بدنی ویکنفر دیگر متخصص امورخانه داری هم وجود دارند . در بعضی از دانشسراهای (کوت دلور) تمرین‌های عملی تربیت اطفال بوسیلهٔ معلمین متدولوژی رهبری میشوند ولی در دانشسرای ما تمام هیئت تعلیمی درکارخود شرکت میجویند جای تردید نیست هیئت تعلیمی است که پیشرفت کاردانشسرارا فراهم میسازد. دردانشسرای ما، خوشبختانه جمعی استادان مجرب و پرکار که گروه متحدی تشکیل داده‌اند گردهم جمع شده‌اند .

ما با رعایت اصول وقواعد استادانی را دورهم جمع کرده‌ایم تا کاررا مرتب سازیم ومسائل‌را بطور کلی حل کنیم. تجربه و نظریات آفریقائیهای همکار این استادان به مدیر دانشسرا کمك شایانی نموده در هنگام لزوم معلمین درراه‌حل معضلات بایکدیگر امعان نظرها کرده‌اند . پذیرش بانوان بعنوان شاگرد یکی از نتایج درخشان ابتکارات ما میباشد . این موضوع طی جلسه‌ای مطرح شد وشرکت کنندگان دراین جلسه خودشان پیشنهادو تأئید کردند که‌ساختمان‌و یژه‌ئی احداث‌ودراختیار بانوان مزبور گذارده‌شود.

هدف ومبانی تعلیمات :

دانشسراهای موسوم به « تصدیق درجهٔ B » مأموریت مخصوص در امور تعلیماتی دارندو آن عبارتست از تربیت معلمین روستائی درظرف دوسال برای رفع این احتیاج جدید ، لازم بود برنامهٔ جدیدی دربارهٔ علوم تربیتی تنظیم شود و مربیان فرصت یافتند برنامهٔ و یژه‌ای ترتیب بدهند که باوضع (کت دلور) موافق باشد و برای این منظور ، رسم وقاعدهٔ سابق وتدریس «کتابی» راکه تاآنزمان وقت شاگردان را بیهوده تلف مینمود درآغاز امر مقاصدوهدفهای دانشسراها درمواد ذیل معلوم گردیده و بهیچوجه احتیاج بتغییر درآن احساس نشده است :

۱ـ تحکیم معلومات محصلین وتوسعهٔ آن روی بعضی نکات .

۲ـ جهد و کوشش تاحد امکان که ازمحصلین مزبور معلمین لایق و قابل تعلیم وتدریس پدیدآیند .

۳ـ استادانی باشوق‌وحرارت‌فراهم‌آورند وطوری آنهارا تربیت کنند که درمورد لزوم بامشکلات تدریسی ودیگرموانع حاصله درتربیت‌اطفال مبارزه کنند وبتوانند دررفع آن بکوشند .

٤ـ بالاتر ازهمه ، در شاگردان روح دینداری را که تنها پایه چنین فعالیتی است توسعه بخشند . غیرازاین موارد ، اصول دیگری نیز مراعات میشود . در تمام موارد سعی میشود شخصیت هرشاگرد در هراطاق تحت سرپرستی معلم یا معلمه‌ئی تشکیل و دربارهٔ مسائل دینی بحث میشود . در آغازهرسال‌تحصیلی‌جشنی گرفته میشود که بشاگردان جدید الورود تبریك ورود میگویند و توضیح میدهند که فلان شاگرد جدید از کدام شهرآمده چه معلومات و تجاربی درتعلیم وتدریس دارد . درپایان هرسه‌ماه پرونده هرشاگردی جداگانه بوسیلهٔ استادان بررسی میشود وآنچه بیشتر منظور نظراست‌طرزکارورفتارشاگردان است . این طرز بازرسی برای اینست که مشکلات‌موجوده دروضع شاگردان معلوم وحل وفصل گردد .بنابراین‌اصل درچند مورد دست به اقداماتی برده‌ایم . مثلا بیشتر شاگردان ذکودما از اینکه در زبان انگلیسی ضعیف بودند و در زحمت بودند برای رفع این نقیصه آنها راگروه گروه به آموختن این زبان وادار کردیم و نود نفر از آنانرا به پنج گروه تقسیم کرده پنج مبصر برآنان گماشتیم . از این عده بیست‌وپنج نفر در آموزش زبان بسیار خوب پیشرفت کردند وتنها ده نفر خیلی ضعیف ماندند وازاین لحاظ معلوم شد که باید بیشتر به محصلین عقب مانده توجه کرد . همین سیستم درحساب نیزمعمول گردیده است . نسبت به موضوعات‌وموارد دیگر نیزهمین‌طرزاستفاده قرارگرفته است .نکتهٔ دیگری نیزطرف توجه شد و آن اینست مدیر (کـه خود نه سال سابقهٔ بازرسی تعلیماتی داشته) و همکاران اوتمام اطلاعات خود را در شرایط عمل تعلیم

روستائی برای تمرکز فعالیت دانشسرا بکارمیبرند. شاگردان نیز یاد میگیرند چگونه از موادی که دردسترس آنان قراردارد احتیاجات خود رارفع کنند مثلا دیوار کلاسهای درس را با خاک رُست و رنگ مایعی که با آن تهیه میکنند نقاشی نمایند، همچنین دردرس حساب نیز تحصیل باعمل توأم است. چنانکه بعدازتدریس معمولی ، معلم حساب که شاید مدتی را بتوجیه در باره صرفه جوئی درمصرف آب گذرانید، باتفاق شاگردان به اندازهٔ گرفتن آب انبارهای مدرسه اقدام میکنند .

درهدفها ومقاصد تعلیماتی ما بدادن تعلیمات دینی بشاگردان توجه کثیرمبذول میگردد ومامعترفیم که روحیهٔ مدرسهٔ ما ازبسیاری جهات معلول کوششهائی است که درراه تطبیق اصول مسیحیت بااصول زندگی اجتماعی ما بکاررفته. هرصبح شاگردان تحت هدایت معلمین بدعای دسته جمعی میپردازند وانجیل را از روی چاپ و تلخیص اکسفرد بصدای بلند قرائت میکنند . عصرها مجالس عمومی دعا بوسیلهٔ خود محصلین ترتیب مییابد ، روزهای یکشنبه به انجام تشریفات مختلف مذهبی استقبال دارند و آنروز باداء مراسمیٔ درعبادتگاه مدرسه ختم میشود .

برنامهٔ تحصیلات :

استفاده ازوقت درمدرسه بحداعلی رعایت میشود ومواد درس غالباً دربرنامهٔ دروس مشاهده میگردد :

مواد دروس	شماره جلسات هفتگی (۱)
کشاورزی وعلوم روستائی (باضافه بهداشت)	
کمک‌های نخستین	٥
تهیه وتشکیل تجهیزات مختلف	۲ (تنها سال دوم)
حساب	۲یا۳
هنرها وحرفه‌ها	٤

۱ـ اکثردرسها چهل دقیقه طول میکشد .

نجاری و بنائی	۲ (تنها برای مردها)
دوخت ودوزو کارهای دستی	٤ (تنها برای بانوان)
تعلیم و تربیت	۳
دروس نمونه	۲
انگلیسی (باضافه قرائت در کتابخانه)	٤ یا ٥
موسیقی	۲
ورزش و بازی	٤
تعلیمات دینی	۲
زبان محلی	٤ یا ٥
جهان‌شناسی تاریخ، جغرافی و تعلیمات مدنی)	۳ یا ٤
مطالعات مربوط باجتماعات و خدمات اجتماعی	۲
انشاء (تنها درسال اول)	۱
کار آزاد	شنبه شب

دروس شاگردان مرد وزن تقریباً یکسان است وتنها بانوان دوخت ودوزوخانه داری ومردها نجاری و بنائی‌را اضافه بر برنامه میآموزند در این جا بطور آماردربارهٔ آموزش خود شرحی میافزائیم .

کشاورزی وعلم روستائی در برنامه تحصیلی مورد جداگانه‌ئی دارد. هر صبح از ساعت ٦ تا ۷ شاگردان اگر درزمین ورزشی نباشند، درس کشاورزی رشته تکمیلی آنست که محصلین دانشسرا نیز بنوبهٔ خود به شاگردان و جوانان دهکده میآموزند .

درزمین زراعتی شاگردان طرز بکار بردن واستفاده از آلات کشت وزرع وشخم ودروعلوفه را یاد میگیرند .

هر شاگردی یك قطعه زمین دارد که شخصاً آنجا را شخم میکند و میکارد . ما همچنین به آنها طرز تربیت حیوانات و چوب بری و پیوند زدن به درختان بارور و شخم اراضــی را یاد میدهیم تا بتوانند از آفــات و

ناهمواریهای زمین جلوگیری کرده باآن مبارزه نماید .

بعضی از شاگردان سابقه دارما به بهره برداری کشاورزی شروع کرده‌اند که البته منظوردرمحیط خارج از مدرسه است . اینها شاگردانی هستند که پیرامون دانشسرا را محیط عمل خود قرار داده بتراشیدن چمن و مرتب ساختن نهالها و مواظبت گلها اشتغال میورزند . عصرهـا بتمامی اختصاص به این اعمال دارد ودرهمین موقع شاگردان دیگر به تمیز کردن وجارو کشید اطاقها و شستن زمینها میپردازند واین‌کاررا با شوق وشعف انجام میدهند. اینکه‌شاگردان‌خودشان‌به‌تنظیف‌اطاقهای خود اقدام میکنند منافع بسیاری در بردارد .

برنامه دروس هنری مختلف است : شاگردان در انتخاب رشته‌های مختلف ازقبیل سبدبافی ، حصیربافی ، صحافی و بافندگی یا مجسمه سازی روی چوب مختارند . درجشن سال‌تحصیلی نمایشگاهی ازاین هنرهاترتیب میدهیم وماکت‌هائی نیز برای ارائه به‌شاگردان ابتدائی درست میکنیم . هم‌اکنون‌سالنها واطاقهای‌شاگردان باتابلوهاودیوارهای‌آن بانقاشی‌های متنوع تزئین یافته است وتمام‌آنها اثرخود شاگردان میباشد. کارهای‌هنری عبارت است از تهیه‌آگهی‌ها برای پذیرائیهای جشنهای دانشسرا و تابلوی تصاویر برای درسها .

درسال اول به نقاشی حروف خیلی اهمیت میدهیم زیرا منظورمان اینست که معلمین در این باده ورزیده شده و احتیاجات آیندهٔ خود را در مدارس شخصاً رفع کنند .

بکاربردن این روش وتهیه‌ملزومات آموزشی بخصوص برای معلمین که مجبورندرنقاط دوردست وفاقدلوازم تحصیلی تدریس کنند بسیارمورد نیازوتوجه است . سابقاً این برنامه را درسال اول تدریس میکردیم ولی اکنون‌آنرا به سال دوم اختصاص داده‌ایم تا شاگردان بخوبی به نقاشی و

ترسیم حروف آشنا شوند . در آخر هر سال ، هر شاگرد باید آنچه را که در عرض سال تحصیلی ساخته است ارائه دهد .

بیشتر دانشسراهای موسوم به « تصدیق B » نجاری و بنائی را به شاگردان نمیآموزند ، ولی ما این عمل را سخت مفید دانسته و به آموزش آن اقدام کرده‌ایم زیرا گذشته از فوائدی که در بر دارد بسیاری از معلمین در آینده سرپرست ساختمانها و منازل فرهنگی و ناظر و بازرس آن ساختمانها خواهند گردید و اطلاع از امور ساختمانی البته برای آنان سودمند خواهد بود. هر شاگردی در سال دوم باید اشکاف بزرگی بسازد تا لوازم ملبوس خود را در آن جای دهد. با کمال شعف اطلاع یافته‌ایم که بعضی از شاگردان قدیم ما شخصاً اطاقهای خود را رنگ و زینت کرده و حتی یکی از آنها یك اطاق انتظار ساخته است .

در تدریس مواد مربوط بتعلیم و تربیت توجه بیشتری بمطالعه دربارهٔ کودك میکنیم و بهریك ازداوطلبان پرسشنامه‌ای درمورد شناسائی کودك تسلیم و سؤال میکنیم تا بتوانند ملاحظات خود را پیش از ورود بمدرسه بدانند و در بدو امر این ملاحظات پایهٔ اصلی تمرینات تربیتی اطفال خواهد بود . اهمیتی که به تعلیم کودك داده میشود آثار نیکوئی داشته است زیرا اطفال بدین طریق اصول وحقیقت شغل آموزگاری خود را فرا گرفته‌اند .

امروزه بطور کلی مدلل شده که آموزگار باید لیاقت آنرا داشته باشد که تدریس خود را در محیط اطفال و باتماس دوستانه باآنها انجام دهد و مدرسه را به جامعه پیوند دهد .

بنابرهمین اصل در دانشسراها اشکال مختلف فعالیتها بکار برده میشود که عهده آنها مطالعهٔ اوضاع اجتماع و خدمات اجتماعی در عرض هفته و اشکال مختلف وظایف دینی درروز یکشنبه میباشد .

از بدو افتتاح دانشسرا شاگردان هر کلاس درهفته یکبار با(کومندا) مراجعه میکنند تا درجلسه شرح علم‌الاجتماع شرکت جویند . موضوع این

جلسات علاقه‌مند کردن شاگردان بعموم مردم و مطالعه در بارهٔ آنها و راهنمائی آنان برای اینکه درمحل خودچگونه لوازم تعلیم‌را بدست بیاورند در آن‌جلسات شرح کلی اوضاع‌واحوال‌محیط واهالی‌و کارهای آنها، بهداشت وطریق ارتباطی وآموزش ومذهب و مسکن آنها، بحث‌وفحص، نتایج خوبی ببارمیآورد که دررسالات‌ومجلات مصورخاصی انتشاریافته‌است .

ما سعی کرده‌ایم احتیاجات منطقه (کومندا) بوسیلهٔ خود اهالی و بااشتراك مساعی ازطرف‌سکنه مرتفع گردد . شاگردان قسمت‌های‌مختلف دانشسرا را خودشان ساخته و مرتب کرده وذخیرهٔ آب را تهیه و نهال‌کاری نموده علیه بیسوادی مجاهدت کرده‌اند . در اول‌کار مشاهده شد که نقائصی در کارما وجوددارد ،شاگردان‌چنانکه بایدو شایدمنتفع نمیشوندولی برروی‌هم نتیجه زحمات ما رضایت بخش بوده است .

روزهای یکشنبه شاگردان فعالیت اجتماعی خود را بـه (کومندا) اختصاص داده ودر سیزده دهکده که درشعاع ده‌کیلومتر پیرامون دانشسرا قراردارد بفعالیت میپردازند . هرشاگرد صبح یکشنبه به دهکده‌ای میرود ودر کلیسای آنجامراسم مذهبی‌را فرا میگیرد ، بعدازظهر به(کلاس‌یکشنبه) میرود ودر آنجا به‌کودکانی که بمدرسه نمیروند قرائت و کتابت میآموزند . بعضی ازشاگردان هریك به‌دهکده‌ای میروند و به امور بهداشتی اهالی نیز رسیدگی میکنند .

بیماران‌عادی‌رادارو میدهند و مریضان‌دیگررا برای‌مراجعه ببیمارستان تشویق‌مینمایند . دسته های‌سیاردردهکده‌ها به راه میافتند . گروهی مأمور تبلیغات دینی هستند گروه دیگر که‌گروه صلیب سرخ میباشند مأمورند سلامت‌و بهداشت‌اهالی‌دهکده‌هارامورد‌توجه ومراقبت‌قراردهند، بیماران‌را مواظبت‌کنندودر بارهٔ بهداشت کنفرانس‌دهند. گروه سوم هیئت نمایش‌هستند که نمایشنامه هائی ازانجیل تنظیم میکنند و در کوچه و خیابان بمعرض تماشای اهالی میگذارند . اگر شاگردی خیلی شرمگین و محجوب باشد

اورا در یکی ازاین سه گروه وارد میکنیم و پس از چندی نتیجهٔ خوبی ازاین اقدام میگیریم .

درعرض سال چندین بار بخصوص در پایان سال تحصیلی ودادن دیپلم جشن‌هائی برپا میشوندو نمایشگاهی ازکارهای شاگردان ترتیب داده‌میشود . گروه تئاتردانشسرا نمایش خاصی ازشرح زندگی مسیح میدهد که همواره با تحسین تماشاچیان توأم است .

مدارس (کت‌دلور) در بعضی موارد به «اسلوب طرحها» متشبث میشود بطوریکه‌خود مادر ۱۹۵۱ طرح جالبی برای عادت کودکان به‌این‌طرزویژه ریخته‌ایم .

آخرین هفتهٔ سه ماهه تحصیلی را به این کار اختصاص دادیم . طرح مزبوروقبلادرمجمع استادان‌مطرح‌شدبعددراجتماع شاگردان تشریح گردید: نقشه برداری محلی ، سبزیکاری ، حیوانات و پرندگان ، کشاورزی ، تشکیلات مدرسه ، امورمالی ، برنامهٔ تحصیلی وغیره .

ازشاگردان ده گروه انتخاب شد که‌هر گروه تحت‌سرپرستی استادی قرار گرفت .

بهترین‌هنرمندان و نویسندگان درمیان این گروهها در آمد . نیمی‌از این هفته‌درمحل‌صرف تحقیقات مختلف گردید نیم‌دیگر به طبقه بندی‌مدارك وتنظیم نتایج ومصور کردن آنها باعکسها و رسمهاوکارتها و نمودارها و ماکتها وغیره مصرف شد. شاگردان دراین مرحله حرارت‌وشوق‌بسیاری نشان دادند(معلمین نیز بهمین قرار) درپایان هفته نمایشگاهی ترتیب دادیم وکارهای گوناگون شاگردان را درجه بندی کردیم که‌مورد توجه عموم‌شد یکی از تماشاکنندگان که خیلی جاها را سیاحت کرده بود اظهار داشت که درجاهای مختلف افریقا نظیر آنرا ندیده است .

تمرین تربیت عملی :

تمرینات عملی علم تربیت اطفال در هر سه ماه ، دویا سه هفته را میگیرد وبقدرامکان تمام‌شاگردان ، درحین همان تمرین، دوره کارآموزی

خود را نیز میگذرانند .

برای این منظور ازسه نوع مدرسه استفاده میشود :

۱ــ درسه ماهه اول شاگردان درمدارس (کوممندا) ودهکده های مجاور تمرین میکنند و در مراکز اخیرالذکر جز عدهٔ معدودی معلم ممتاز موجود نیست .

۲ــ سه ماههٔ دوم را شاگردان به مدارس مهمتری میروند که دارای معلم ورزیده وممتازی است ، این نوع مدارس اندکی دورتر از(کوممندا) میباشند .

۳ــ درابتدای سه ماههٔ سوم هرشاگردی بیکی ازمدارس زبانشناسی که در حیطه سکنی او قرار دارد مراجعه میکند . بدین قرار شاگردان باطی این مراحل فکرشان متوجه این نکته میشود که چگونه بایدآموزش را دریك دبستان عقب مانده ودیر تأسیس شده اصلاح کرد . هنگام کارآموزی. شاگردان حتی المقدور درهمان دهکده ئی که تمرین میکنند اقامت میگزینند. آخرین تمرین شاگردان دانشسرا بدین قراراست که هریك به نظیر مدرسه ایکه در آینده باید تدریس کنند گمارده میشوند ، مقیاس تعیین حسن عمل هریك ازآنان بسته به عکس العملی است که درکارخود نشان میدهد وبااین مقیاس میتوان فهمید که آیا این شاگرد با اطلاعات و تجاربی که اندوخته قابل آن استکه احتیاجات یك دهکده را مرتفع سازد وبنفع عامه کار کند ؟آیا شخصاً میتواند مایحتاج خود را تکمیل نماید ؟آیا قادراست ضمن بر آوردن احتیاجات خود ، احتیاجات شاگردان وابوین آنان را نیزبرآورد ؟ اولیای فرهنك میترسند که این شاگرد چگونه بامردم دیندار محلی معاشرت ورفتار خواهد کرد و دستورهائی که در این مورد بدو داده اند چگونه عمل خواهد نمود ؟هنگامیکه شاگردان پس ازاتمام کارآموزی سه ماههٔ سوم خود به دانشسرا مراجعت کردند گزارشی مبنی برعملیات خود میدهند. این گزارشها غالباً بسیارجالب است .

شاگردان سال اول وقتی متوجه اعمال شاگردان سال دوم میشوند

بفکرشان میگذرد که چه باید کرد وازآنهاچه انتظاری میرود ؟ آنچه جالب دقت است اینکــه دو نفرازشاگردان سال اول تصمیم گرفتند در دانشسرا تحولات واصلاحات اساسی بدهند لذا بالوازم ووسایل کاملی که تهیه کرده بودند بهاتمام بنای جدید دانشسرا همت گماشتند سپس حول وحوش دانشسرا را تعمیرواصلاح کرده کلاسها رامجهز کردندودانشسرا رابوضع آبرومندی درمدت سه هفته بکاراندا ختند .

پایان و نتیجه .

دانشسرای متدیست (کومندا) مؤسسه‌ایست جوان وهنوز زود است که دربارهٔ ارزش حقیقی آن اظهار نظر قطعی کنیم ولی درعین حال ممکن است نتایجی را از آن متذکر شویم :

دربدو امر تهیه وتربیت معلمین دردوسال مورد اعتراض واقع شدولی اینك این طرز تعلیم درمنطقه (کت‌دلور) با حسن استقبال مواجه گردیده این حسن استقبال نتیجه حسن عمل شاگردانی است که دورهٔ اول دانشسرا را پایان داده وبکارمشغول شده‌اند .

کسانیکه دانشسرای ما را دیده اند باکمال صراحت وتحسین زحمات وکوششهای ما را تمجید کرده‌اند . این اشخاص زحمات مدیر و معلمین و شاگردان ، تعدد وگوناگون بودن کارهای آنها راکه درجشنهای سالیانه مشاهده کرده‌اندستوده ومناسبات وروابطی راکه دانشسرائیان توانسته‌اند بین خود شاگردان وسکنهٔ اطراف دانشسرا برقرارسازند تمجید نموده‌اند.

ما نیز با شاگردان سابق خود همواره درتماس بوده و دربارهٔ آنها گزارشهای جالب و آمیخته به تحسین و شایان تشویق بدست آورده‌ایم . در ۱۹۵۱ یك هیئت آموزشی ازطرف ما درمدت سه ماه به دیدارشاگردان سابق ما درامکنه‌ئی که مشغول تمرین هستند مراجعه وگزارشی دراین باب تهیه کرده اندگزارش هیئت مزبورحاکی بوده کـه زحمات شبانه روزی ما بهدر نرفته وروزبروزامید اخذ نتیجهٔ بهتری باید داشته باشیم .

اکنون سنت مستحکم وپایداری در این مدرسه بوجودآمده است و این مخصوصاً مرهوی زحمات صادقانهٔ قسمت تعلیمیه درچنین محیطی است که‌شاگردان پیاپی جایگزین یکدیگرمیشوند . سال گذشته نخستین مجمع

ودورهٔ تجدید نظرخود را برای شاگردان قدیم خود تشکیل دادیم ونتیجه آن مجمع برای عموم ما مایهٔ امیدواری وخوشوقتی گردید. دانشسرای ما برای معرفی هدف‌های خودنشانی تهیه کرده است برروی آن تپه‌ای بلند بنظرمیرسدوروی آن تپه شهری که‌ازآنجا اشعه‌ای باطراف پراکنده‌میشود روی علامت مزبور این کلمات نقش گردیده است : «روی تپه‌ای ، شهری نورافشان است .» امید واریم ما و شاگردان ما چندان نالایق نباشیم که نتوانیم هدف خود را بالاتر ببریم .

فهرست ماخذ

Accelerated development plan for education, **1951**, Accra, Government Printing Department, **1951**, **23** pages.

African education: a study of educational policy and practice in British Tropical Africa, Londres, Crown Agents for the Colonies, **1953**, **187** pages.

CÔTE-DE-L'OR, UNIVERSITY COLLEGE, DEPARTMENT OF EXTRA-MURAL STUDIES, *Report for for the academic year 1950-51*, Oxford, Oxford University Press, **1951**, **20** pages.

DAVIS, J., CAMPBELL, T.M., ET WRONG, MARGARET, *Africa advancing, a study of rural education and agriculture in West Africa and the Belgian Congo*, New York (Friendship, Press et Londres (International Committee on Christian Literature for Africa), **1945**, **330** pages, ill.

DEPARTMENT OF SOCIAL WELFARE, *Plan for mass literacy and mass education*, Accra, s. d., **44** pages.

DICKSON, A., «Training community leaders in the Gold Coast», *Oversea Education*, vol. XXII, nº 1 (octobre 1950 p. 8-21, Londres, Colonial Office.

EDUCATION DEPARTMENT, *Report for the year 1950-51*, Accra, Government Printing Department, **1952**, **54** pages.

KIBLE, DAVID, *Progress in adult Education*, Achimota, University College of the Gold Coast, **1950**, **40** pages.

«Mass education and its relationship to formal education», *Gold Coast Education*, no. (3 janvier **1953**) Londres, Thomas Nelson and Sons.

YOUNG, R. R., *Suggesiton for training of teachers in Africa*, Londres, Longmans, **1931**, **63** pages.

بخش سوم

تربیت معلمین روستائی درهند

بقلم : پایرس E . A . Pires

فصل اول

منظور و هدف

از لحاظ فرهنگی برای بهبود وضع ملت هند امری مهم‌تراز تربیت معلمین روستائـی نیست . چون قسمت مهم جمعیت هند در نقاط زراعتی و دهقانی سکونت دارند وسطح زندگی دراین مناطق بسیارپست است معلم نه تنها باید به شاگردان دبستان درس بدهد بلکه لازم است در بالا بردن سطح فرهنگی اهالی نیز بکوشد ودرعمل باید موجد حقیقی مردم گـردد . ولی آیا معلم به‌این مسؤلیت بزرك اشتغال‌داردو به‌آن‌تن‌درمیدهد ؟ گزارش زیراین موضوع را روشن میسازد :

ارزش يك تشکیلات ، نقاط ضعف و منافع آن معلوم نمیشود مگر اینکه منظوراصلی تشکیلات مـزبورونحوهٔ عمل‌آن‌آشکارشود . بنابراین باید دید اصول‌وچگونگی وضع معلمین که‌باید به‌احتیاجات سکنهٔ روستائی رسیدگی کند وآنها را تأمین نماید چیست ؟

نقش آموزگاردر برابرشاگردان :

سابقاًازآموزگارروستائی‌جزتعلیم قرائت و کتابت‌وشمارش،انتظاری نداشتند . امروزهم که دراکثرمدارس همین رویهٔ متداول است ، خواندن‌و نوشتن جزیکی ازموارد تعلیم نمیباشد وحساب نیز یکـی ازموارد احتیاج جامعه است .

بعضی‌ازآموزگاران‌گذشته ازخواندن و نوشتن به شاگردان خـود تاریخ وجغرافیا وتاریخ طبیعی را می‌آموزند.ولی این تدریس ازموادخاص تجاوزنمیکند وشاگردان دروس خود را برای موفقیت درامتحان حاضر و ازبرمیکنند .

اگر معلم روستائی نیز دامنهٔ تعلیمات خود را به این حدود محدود سازد فراهم آوردن چنین معلمی کاری پس سهل و ساده خواهد بود وعملا بهیچگونه تخصصی احتیاج نخواهد افتاد ولی در کشوری مانند کشور ما ، نقش معلم بسیار دامنه دار ومهم است .

بطور کلی مدارس روستائی نیز مانند مدارس شهری شاگرد را آماده زندگی میکند ودرقسمت نقشه‌های طبیعی واقتصادی ، اجتماعی و اخلاقی و روحی آنها را تعلیم میدید . آموزگار روستائی نیز مانند همکاری شهری خویش باید شاگرد را فکراً وجسماً واخلاقاً وروحاً تربیت کند. پس باید دید فرق دبستان شهری وروستائی و تعلیمات آن چیست ؟

دبستانهای روستائی دوصنعت اصلی واساسی دارند . قبل از همه معلم باید شاگرد روستائی را برای زندگی درمحیطی که بدنیا آمده آماده سازد دوشغل ابوین اورا باو بیاموزد وکار های دستی دهکده را به او تعلیم دهد . باید ویرا ازطرز تهیه و کشت وزرع وتوسعهٔ دامنه محصولات غذائی مطلع کند . بافت وبرش ودوخت لباس را تعلیم دهد تا بتواند درموقع بیکاری ملبوس خود را شخصاً مهیا نماید . به او تلقین کند که باید منزل تمیز وقابل زیستن داشته باشد ، اگر هم خانه‌اش ساده وکم ارزش است آفتاب رووهوا گیرو دارای مجرای فاضل آب وباغچه باشد به او تعلیم دهد که پس انداز واستقلال مادی وجانفشانی درراه خیروصلاح مردم چه محسناتی دارد . بعبارت دیگر آموزش باید بطور نامحدودی به امور دهقانی معطوف گردد .

نقش آموزگار در برابر اهالی دهکده :

درمرحلهٔ دوم ، دبستان روستائی در زندگی اهالی دیه نشین تأثیر کلی دارد ، آموزگار باید بمردم بفهماند علوم جدیده وضع نامطلوب آنها را تغییر داده و شرایط تـازهٔ صنعتی سبب بسط و توسعهٔ صناعت خواهد شد . آموزگار بدون اینکه پزشك باشد احتیاجات اولیه بیماران را برآورده میکند وآنها را تعلیم میدهد که برای پیش گیری از بیماریها چه اقداماتی باید نمایند .

بالاخره سکنهٔ روستائی نمیتوانند تمیز بدهند که موجبات جریان یك آهنك کشاورزی آنان چیست و آموزگار تمام همّ خود را مصرف خواهد کرد تا موجبات مزبور را به آنها بفهماند و آنرا به فعالیت تولیدی وادار کند .

همچنین آموزگار روستائی باید ترقیات کشاورزی را نصب العین خود قرار دهد . جای تردید نیست که در این مورد کشاورزان نیز باید به او اطمینان یافته و از عمل او پشتیبانی کنند .

بر مراحل دوگانه مزبور باید مراحل دیگری نیز از قبیل بهبود وضع زمین و کشت و درو، افزایش آن را نیز اضافه کرد . معلم میتواند ضمن تعلیم اصول کشاورزی به شاگردان بزرگتر، به ابوین و خویشاوندان آنها نیز طرز بهبود محصولات را یاد بدهند . فکر تعاون با همنوع و روح ابتکار در مردم روستائی هند بحال جمود است .

روستائیان هند که در زیر بار قرض بیچاره شده‌اند از هرگونه ترقی بازمانده‌اند . برای اینکه کشاورزان از نحوهٔ کار خود آگاه شوند. آموزگار باید آنان را درباره مسائل ذیل روشن کند: کشت ناهنجار، تنزل قیمت‌های محصول . تغییر شرایط زندگی روستائی،قمار و سفته بازی هزینه‌های مرافعه و دادرسی‌ها، مخارج زناشوئی و مرگ میر و سایر مخارج مرسومه و مذهبی . بهبود وضع اقتصادی دهقانان به تشکیل شرکت‌های تعاونی بستگی بسیار دارد . شرکت در یك مؤسسه تعاونی نه تنها موجبات سود و منفعت دهقانان را ببار میآورد بلکه در آنان حس اقتصاد و صرفه جوئی را تحریك میکند و کار و شرافت و قانون پرستی را در آنان پدیدار میسازد .

ولی مهمترین چیزی که به دیه نشینان باید آموخت اینست که آنان را وادار کرد تا به نفع خویش کار کنند تنها نتایج حاصله و مداوم عبارت از کارهائی هستند که با سعی و کوشش افراد حاصل آیند . بنابراین آموزگار باید طرز راهنمائی دربارهٔ این موارد را بداند .

خلاصه آنکه آموزگار روستائی معلم جوانان دهکدهٔ خود میباشد و در

قسمت کشاورزی وفعالیت‌های دهقانی، بهداشت و شرکت های تعاونی هادی آنان است. مدرسه باید درعین آنکه کانون‌علم ومعرفت است مرکزحقیقی اجتماع باشد ودرمحیط دهکده انوار سرور وبهجت را پرتوافکن سازد. تغییرشکل آموزش باید دردهات و قصبات وسیلهٔ معلمین ورزیده و صاحب وجدان پاك وحس فداکاری‌درراه بهبود وضع سکنه انجام یابد واهالی نیز در این مورد از هیچگونه اشتراك مساعـی کوتاهی نورزند. تجمع چنین آموزگاران وبسیج کردن‌آنان برعهدهٔ دانشسراهاست .

ذکررؤس مطالب :

یکی‌اززیباترین‌توصیفات درباب هدف‌آموزش روستائی‌درهندتوسط ماسون‌الکات(۱) بعمل‌آمده که طی کتاب «مدارس دهقانی درهند» انتشار یافته واثر بزرگی بخشیده است .

برای اطلاع از ارزش برنامه جدید بایدباین کتاب مراجعه کرد خلاصهٔ مطالب‌آن چنین است :

۱ـ دانشسرا باید منظورش تعلیمات کلی باشد یعنی شاگردان راکه معلم‌آینده خواهند بودباید طوری تربیت کند که شبیه ماشین بی‌جانی نبوده بلکه موجودی زنده‌دارای وجدان وقابلیت عمل باشد :

الف ـ زندگی‌خوبی‌داشته باشد حتی درهنگام تحصیلاتش .

ب ـ شخصیت طبیعی واخلاقی وروحی‌وحساسیت‌وهوش وارادهٔ‌خودرا توسعه دهد .

پ ـ هدف اصلی را بجوید ومسائل راکه ازمعتقدات بی اساس‌ریشه گرفته در نظر نگیرد .

۲ـ دانشسرا بایدطوری بتربیت‌شاگرد کمك کندتااوبتواند شاگردان آینده خود را چنانکه باید وشاید تعلیم دهد ، برای اینکارباید خودشاگرد (معلم‌آینده) :

الف) به زندگی خود واقف ووارد باشد .

ب) کتابهای مربوطه را مطالعه کند تا هنگام لزوم بتواند مسائل

---

(۱) Masson olcott

عملی را حل کند .

پ) زبان مادری‌خود را چنان بداند که بتواند بطور صریح از عهدهٔ خواندن‌و نوشتن‌و تشریح کلمات بر آید وجملات را بخوبی ادا نماید .

ت) طرز معاشرت با اطفال را بداند و باآنها یگانه ورفیق شود .

ث) برای یاد دادن آداب و عادات واطلاعات، بهترین روش عملی‌را بشاگرد بیاموزد .

۳ــ دانشسرا باید بشاگردان عادت برعایت بهداشت دهدو به‌او بیاموزد

الف) بدن‌خودرا باورزش تربیت‌وتقویت کندو با بیماریها مبارزه نماید واین اصول را دربارهٔ شاگردان خود مجری سازد .

ب) لاینقطع در مورد صحت وتندرستی وشرایط صحی در مدرسه و دهکده جانفشانی نماید ودراین باره تبلیغات زیادی بعمل آورد .

پ) بازیها ورقصهای ملی را معمول دارد .

ت) ساعات بیکاری خود را صرف‌استراحت وتفریح وتماشا وهنرهای زیبا کند .

۵ــ دانشسرا بایدبشاگرد کمك کند تامعلومات نظری و عملی راکه برای تعلیم احتیاج خواهد داشت باین نحوقرار گیرد :

الف) مقدمه حساب وهندسه که مابه الاحتیاج دهقانان است .

ب) مقدمات کلی واطلاعات‌ویژه اصلاح‌شناسائی محیط طبیعی‌وبخصوص کشاورزی ، تربیت اغنام واحشام وحرفه‌ها .

پ) بکاربردن وسایل‌وآلات معموله که‌بکارشاگردان خردسال‌میآید.

ت) طرزخرید اموال عمومی وکیفیت استفاده ازآنها .

ث) اصول حمایت خود از بهره برداری واستعمارغیر» .

فصل دوم

تشکیلات کنونی

چون هدفهای دانشسرای روستائی را دانستیم اکنون لازم است بدانیم که برنامه‌های کنونی تا چه اندازه به این مسائل پاسخ میدهند .

درهند، سه نوع دانشسرا وجود دارد که معلمینی برای دوره‌های خاص تربیت میکنند و آنها عبارتند ازدانشسرا هائی که دبیران متوسطه وتوسطهٔ عالی و بالاخره معلمین موسسات جدید تعلیمات اساسی (مدارس اساسی) را تربیت مینماید .

مؤسسات اخیرالذکر بسرعت جانشین دانشسراهای سبك قدیم خواهندشد و بعضی از آنها آموزگارانی برای مدارس روستائی تربیت میکنند و تحت این عنوان مورد علاقهٔ ما هستند .

برعکس، درمورد دبیران دبیرستانها ودبیرستانهای عالی بحث زیادی نمیکنیم زیرا دربرنامه‌های آنها سخنی ازتعلیمات روستائی بمیان نمیآید .

دانشسراهای متداول :

ازمیان این دانشسراها باید آنهائی که معلمین مدارس ابتدائی تربیت میکنند وآنهائیرا که دبیران متوسطه از آنها خارج میشوند مشخص کرد . با آنکه اگر هم شرایط قبول شاگرد در آنها اندکی با هم تفاوت دارد لیکن برنامــه دروس درهردومؤسسه یکسان است و ما هردورا بیك نحو مورد مطالعه قرارخواهیم داد ، مدت تحصیل بطورکلی دوسال است واگر به هیئت‌های تعلیمیه احتیاج فوری باشد میتوان دورهٔ آنها را بیك‌سال تقلیل داد یعنی دروس دوسال را دریکسال تدریس نمود .

یك برنامهٔ نمونه :

برنامه دروس درهر محیطی تغییر میکند زیرا هنوز در همه جا معلوم نشده که شاگردان دانشسراها تصمیم به تدریس درمناطق روستائی داشته باشند بهر صورت بهتراست آنان را بزندگی روستائی مهیا ساخت.

برنامه‌های دروس مربوط به تهیه (تصدیق معلم جوان) یا (تصدیق معلم سالمند) درپنجاب سرمشق و نمونه است .

(تصدیق معلم جوان) دارای مواد ششگانه زیراست :

۱ـ زبان جدید هندی (اردو ، هندی ، پنجابی) .

۲ـ متدهای آموزشی حساب وزبانها .

۳ـ متدهای آموزشی مواد دیگر وآموزش شهری و اطلاعات عملی علوم :

٤ـ ادارهٔ کلاس .

٥ـ اصول کلی آموزش وروانشناسی تربیت کودکان .

بعلاوه تمرینات عملی و امتحانات شفاهی دربارهٔ مواد زیر پیش بینی گردیده :

۱ـ زبان .

۲ـ جغرافیا و کشاورزی علم الاشیاء .

۳ـ تمرین معلمی .

٤ـ فعالیت‌های حرفه‌ای (دوفعالیت برای هر گروه بسته به انتخاب خودشان) .

الف) نجاری ومنبت کاری ،مدل سازی ، صحافی ، نساجی ، مرغداری، نقاشی ورسم .

ب) آجرسازی ، زنبیل بافی ، قالیبافی ، مقوا سازی ، صابونسازی ، مرکب سازی ، چاپ روی چلوارومتقال .

٥ـ ورزش ، نجات غریق و پیشاهنگی .

برنامه (تصدیق‌سالمندان) که ویژهٔ معلمین متوسطه است‌دارای سطح بالاتری میباشد و فرق آن با برنامهٔ قبلی اینست ۲۰ امتحان کتبی باضافه متدآموزش جبروهندسه .

٦ـ امتحان‌عملی تشکیلات مدرسه‌ئی واداره کلاس .

امتحانات عملی‌مربوط به عمل دردوحرفه ازحرف است که بین مواد زیرانتخاب میشوند : کوزه گری ، بنائی،چرمسازی ، فلزسازی، رنگرزی، حفظ میوه ها و سبزیها ، بافندگی ، ریسمان ریسی ، لحافدوزی ، پرورش نوغان ، لبنیات سازی ، کشاورزی .

برنامه دختران اندکی فرق دارد . اینك برنامـه (تصدیق معلمین جوان) :

الف . امتحانات کتبی .

۱ ـ زبان هندی جدید (اردو ، هندی ، پنجابی) .

۲ـ تعلیم یك زبان هندی جدید .

۳ـ اصول تربیت کودکان .

٤ـ ادارهٔ کلاس .

٥ـ تعلیم حساب‌وهندسه مقدماتی .

٦ـ تاریخ وجغرافی وتعلیمات مدنی .

۷ـ تعلیم اطلاعات عملی دانش .

۸ـ تعلیم صنایع دقیق .

۹ـ زبان دوم (اردو ، هندی ، پنجابی ، یا فارسی).

ب ـ تمرینات عملی وامتحانات شفاهی .

۱ ـ زبان (امتحان شفاهی ، تجزیه وترکیب متن‌ها ، استفاده از کتب کمکی معلمین) .

۲ـ اقتصاد خانگی .

۳ـ جغرافیا واطلاعات عملی .

٤ـ تمرین معلمین .

۵ـ تمرینهای حرفه‌ای (دوزندگی‌ودوحرفهٔ انتخابی ، برای هردسته یك ماده) :

الف) مرغداری، بافندگی (نوارپهن) زنبیل‌بافی وقالیبافی ، صحافی چرمسازی ،حصیربافی، تربیت وپرورش نوغان .

ب) نقاشی ،کوزه گری ، صابونسازی ، مرکب سازی ،کاغذ سازی‌و مقواسازی ،آجرسازی‌آفتابی ،کلیشه سازیٔ .

٦ـ ورزش ، نجات غریق‌وپیشاهنگی ، (تشکیل دسته‌های کوچك) .

۷ـ مبارزه با بیسوادی سالمندان ، سازوآوازهندی ،کمك به زنان وکودکان ، نقاشی وتصویرسازی .

برنامهٔ (تصدیق سالمندان) بانوان درمواد زیر بابرنامهٔسابق اختلاف دارد :

٤ـ امتحان: تشکیلات‌مدرسه‌ئی برادارهٔ کلاس مرجح است . امتحانات چهارگانهٔ تعلیم وتربیت (امتحانات ۵تا۸) بقرارزیراست :

۱ـ متدهای‌آموزشی حساب یا تاریخ وجغرافی وتعلیمات مدنی .

۲ـ متدهای‌آموزشی‌دومادهٔ ازمواد ذیل به‌انتخاب محصل : اطلاعات عملی ازعلوم ، هنرهای دقیق زبان کلاسیك .

امتحانات عملی مربوط است بـه خیاطـی ودوحرفه ازحرف ذیل به انتخاب دانشجو: کوزه گری : زنبیل بافی . چرمسازی ، رنگرزی ، بادبزن سازی ، توربافی ، لحافدوزی ، برورش نوغان،مرغداری ، پرورش زنبور عسل ، نگاهداری میوه وسبزی ، باغبانی .

این برنامه‌ها که‌درپنجاب عملی‌میشود تقریباً درسایرنقاط هندوستان نیز برای تشکیلات روستائی ودادن تربیت روستائی وعملی به هیئت تعلیمیهٔ ابتدائی متوسطه معمول است . آیا این تشکیلات برای رسیدن به هدفهای مزبوردرفوق کافی است؟جواب این سؤال را با بررسی ومطالعهٔ برنامه‌های مذکورازنزدیك ، میتوان داد .

برنامه‌ها ولوازم اولیهٔ فعالیتهای حرفه‌ای وزراعتی :

بایدقبلا متوجه باشیم که برنامه‌های روستائی پنجاب دوشادوش فعالیت‌های حرفه‌ای پیش نمیروند و چنانکه باید ارزش فلاحتی ندارند. درست است که کشاورزی با جغرافیا واطلاعات عملی از علوم ، ماده‌ئی از برنامهٔ تحصیلات عملی همگانی طبقهٔ مردان برای اخذ درجهٔ (تصدیق معلمین جوان) ر(تصدیق معلمین سالمند) تشکیل میدهد ولی حق آن بود که باین مواد اهمیت بیشتری در تربیت معلمین روستائی میدادند آقای موماو (۱) که مدتی مدید مدیردبستان حرفه‌ئی انگلس وار (۲) در ناحیهٔ براش(۳) بوداظهارمیدارد که : « یکی ازشرایط اساسی پیشرفتهای روستائی، تعلیم یك رشته معلومات کشاورزی رضایت بخش درتمام مدارس دهکده است .» پس معلم دهکده باید « معلوماتی کافی از کشاورزی و فعالیتهای حرفه‌ئی روستائی داشته باشد تا بتواند معلومات خود را در مورد احتیاجات عموم بکار اندازد » بطوریکه مدرسه راکانون ترقی کشاورزی وبسط و توسعهٔ روستائی ودرهمانحال تعلیم وتربیت قراردهد .

بنابراین برنامهٔ تشکیلات هیئت تعلیمی روستائی را نمیتوان کامل دانست مگراینکه مطالعه کافی در بارهٔ کشاورزی وباغداری رادربرداشته باشد. یك برنامهٔ رضایت بخش دراین مورد ، برنامهٔ دانشسرای «مادیا پرادش» (٤) میباشد . این برنامه یك دوره دروس کشاورزی حاوی چهارقسمت :

۱ـ اصول کلی کشاورزی باغبانی .

۲ـ زندگی نباتات .

۳ـ حشرات موذیه .

٤ـ مواظبت حیوانات بمنظورزیرمیباشد :

۱ـ به دانشجویان لیاقت کارزراعت ومیل زیبا کردن مدرسه وخانه را تلقین کنند .

1– M.I.W. Moomaw 2– Ankleswar

3 – Broach 4–Madhya Pradesh

۲ـ عادت‌دادن شاگرد به‌تحقیقات ومطالعاتی که ازروی صبرو بادقت انجام شود وبرحذرداشتن اوازاستنتاج‌هائی که بعجله صورت گیرد .

۳ـ ایجاد میل وعلاقه‌ای که با اندیشه وعمل همراهست برای‌کارهای فلاحتی .

٤ـ به شاگردان دانشسرا معلومات نظری و عملی بیاموزند تا در تعلیم کشاورزی درمدارس روستائی بکار آید .

۵ـ آنها را به شرکت در ایجاد ترقی و تعالـی قراء وادار کنند و عادت دهند که کتب مربوط به کشاورزی رامطالعه نمایند.

شاگردان بااین‌مقاصد عالی و منظورهای اساسی‌در صورتی میتوانند نائل شوند کـه به لزوم تعلیمات کشاورزی قائل شده ودقت‌کافـی برای کارهای عملی‌ذخیره کرده باشند .

در بعضی از مناطـق هند مثلا حیدرآباد متوجهند کـه برنامه عادی شاگردای دانشسراها کفاف تکامل علمی آنان را نمیکند برای این‌است که یکسال بردورهٔ تحصیلی اضافه میکنند ودراین مدت شاگردان منحصراً به مطالعات کشاورزی میپردازند . دربیشتر کشورهای دیگر، قسمتی از امور باغبانی را دربرنامه وارد میکنند .

درپنجاب ، بافندگـی فقط در دانشسراهای بانوان تدریس میشود : البته این روش بیقاعدهٔ‌ایست‌زیرا صنعت بافندگی درکشورهند ازعهد قدیم متداول است‌و اهمیت زیادی دارد . این دو کار در آموزش اساسی نقش بزرگی دارد .

معهذا درکشورهای بزرگ هند دومادهٔ مزبوراز برنامهٔ دانشسراها حذف گردیده‌است.امید است دراین‌باره برنامه‌سهل وساده‌ئی معمول گردد همچنانکه درمادهیا بهارات (۱) اجرا میگردد .

کارهای‌چوبی نیزاز بیشتر برنامه‌هاحذف گردیده وتنها دردانشسراهای اساسی‌ازآن‌استفاده میشود. در برنامهٔ دبستانهای‌روستائی نیزمعمول نیست

1– Madhy Bharat

با وجود این کارهای چوبی در پرورش دقت اثر بسیاری دارد وشاگردان بافراگرفتن آن خواهند توانست خانه‌های خود را زینت دهند ویا منبع در آمد جدیدی بدست آورند. ساختن اسباب بازیهای چوبی درمدارس روستائی فعالیت مفیدی ایجاد میکند . دبستانهای روستائی باید از مدارس اساسی سرمشق گرفته وکارهای چوبی وفلزی را اهمیت بدهند ودر برنامه‌های خود مرتبهٔ خاصی برای این هنرها معین نمایند . ادارهٔ تعلیمات (مادهیا بهارات) دراین مورد برنامهٔ جالبی تنظیم کرده است .

صنعت خانوادگی دیگرنیز که در برنامه‌های پنجاب گنجانده شده کارهای چرمی است . لیکن این امر در همهٔ مدارس حتی در دانشسراهای اساسی هم مورد غفلت ودردرجه دوم قرار گرفته‌است بهترین وسیله برطرف ساختن مخالفتهای موجوده نسبت بکارهای چرمی شاگردان اینست که هنر مزبور را مانند دانشسرای پنجاب در سایر نقاط نیز جزو برنامه دروس قراردهند.

بعضی کارهای روستائی موجود نیزاز برنامهٔ دانشسراها حذف گردیده درصورتیکه دربرنامهٔ دانشسرای پنجاب موجود است .

این کارها عبارت است از تربیت زنبورعسل ، تهیه لبنیات و پرورش نوغان . این صنایع پرفایده که اینک از برنامه‌ها حذف گردیده باید در دانشسراها متداول ودرمدارس دهکده‌ها معمول گردد .

فعالیت‌های دیگرحرفه‌ئی وصنعتی‌مربوط به عادات وآداب روستائی درپنجاب پیش بینی شده است مانند : زنبیل سازی ، بافندگی ، قالیبافی ، لحافدوزی‌وریسمان بافی ، کوزه گری وآجر سازی . در بنگال شاگردان دانشسراها ساختن اشیاء ازچوب بامبورا یاد میگیرند .

بیشتردانشسراها دربرنامهٔ خود یك دوره دروس کارهای دستی وارد میکنند که بطورکلی شامل فعالیت‌های زیراست :

کارکاغذی ، (بخصوص‌ساختن گل کاغذی مقوائی ،مدل سازی، کارهای سوزنی برای بانوان .

(بویژه ساختن اسباب بازیهای پارچه‌ئی) در بعضی موارد کارهـای مقوائی برای تهیهٔ جلد کتاب انجام میشود . همچنین در بیشتر موارد کارهای دستی منحصر به نقاشی ورسم و گاهی نقاشی رنگی میشود. منظور از این کار اینست که معلم بتواند دروس خود را متصور نماید . اینك خلاصه‌ئی از برنامهٔ کارهای دستی و هنری دانشسرای مقدماتی (مادهیا پرادش) را ذکـر میکنیم :

۱ــ شاگردان باید رسم تصاویر روی کاغذ و تخته را بدانند . امتحان شامل نقاشی در تخته در (مدت محدود) میباشد.

۲ــ شاگردان باید بتوانند برای تمام مواد برنامهٔ تعلیمات ابتدائی کشور وسایل کمکی بسازند ومخصوصاً بآنان یادآوری میشود که نسبت بنوع این وسایل و ارزش تعلیماتی آنها توجه کافی داشته باشند و در تهیه آنها ابتکار وحسن سلیقه بکار برند .

۳ــ امتحانات عملی باخاك رس ، کاغذ و مقوا : صنعتگری روستائی وخیاطی (برای بانوان) باید معرف لیاقت شاگرد در ایجاد تکاملی در آن اشیاء باشد بنحوی کـه بتوان آنها را ضمن درسهای چهل دقیقه‌ای مورد استفاده کامل شاگردان مدارس ابتدائی قرار داد. برنامهٔ دانشسرای پنجاب همچنین آموزش بعضی قسمت‌های فنی وصنعتی ازقبیل: صابون سازی . مرکب سازی، چاپ روی متقال، رنگرزی، مرباو کنسرو سبزیهارا نیز پیش بینی میکند ساختن وتهیه این چیزهای خانوادگی برای اطفال شایان اهمیت زیاد بوده وباید در تمام دانشسراها معمول گردد .

در دانشسراهای بانوان بیشتر به قسمت‌های امور خانه داری و انتخاب اغذیه ، خیاطی ، لباس شوئی . تزئین خانه، بچه‌داری ومریض داری پرداخته میشود . در پنجاب ، داوطلبان دورهٔ (تصدیق معلمی جوان) باید راجع به فعالیت‌های خانگی دریك دسته کوچك اهل خانه که میشناسند بحث کنند .

در تعلیمات شهری از برنامه مربوط بـه همین تصدیق چنین پیش بینی شده است که «دروس باید متوجه بحث درچگونگی رفع احتیاجات خانوادگی

اعم ازمسکن ، لباس ، غذا واوقات بیکاری باشد» بعلاوه ، برنامهٔ بهداشت دارای نکات زیراست :

· اهمیت رژیم غذائی معتدل،اطلاعات راجع به فنون‌طباخی، چگونگی عادات نیك تغذیهٔ اطفال . لزوم‌اجتناب ازاغذیهٔ مضره،آثارشوم توتون و تریاك وسایر مخدرات ، مراعات لباس مربوط به هرفصل چگونگی عادت به نظافت کودکان .

درکادرهمین برنامه ، شاگردان طریقه بکاربردن تلمبهٔ دستی وچرخ خیاطی و سایردستگاههای خانگی یاآلات وادوات ساده باغکاری را فرا میگیرند. همچنین به شاگردان یاد میدهند کـه چگونه باید در بدوشروع استعمال آلات الکتریکی رعایت جانب احتیاط کنند(چون‌دردهات برق‌موجود نیست این رشته فعلا مفید بحال آنها نمیباشد) .

برنامهٔ (تصدیق معلمین سالمند) برای بانوان شامل مواد زیراست : طباخی ، رخت شوئی . بچه‌داری و مریض داری ، نجات غریق ، بهداشت ، زیست شناسی ، با استدلالات عملی ، در حکومت نشین (مادهیا پرادش) برنامه آموزش‌خانگی (تصدیق‌معلمی ابتدائی بانوان) شامل بهداشت‌غذائی وخانوادگی ، ارزش بهداشتی اغذیه : فن طباخی ، انتخاب و نگـاهداری البسه ،بچه داری‌وپرستاری بیماروباغکاری‌است . منظوراینست که‌شاگردان را به«معلومات عملی‌ازروی‌اصول علمی دربارهٔنگاهداری‌کانون‌خانوادگی وپرستاری کودکان آشنا نمود و اطلاعات عملی فن خانه داری که آموزش آن در دبستانهای ابتدائی کشور پیش‌بینی شده است بآنها داده شده . » همچنین « تعلیمات خاصی ایجاد حس قضاوت و اعتماد بنفس و روح تشبث بشاگردان داده شده » وبعبارت دیگرشاگردان باید «نه تنها بـه اصول پی ببرند بلکه‌آنرا عملا نیز بدانند . »

یادداشتهائی که در موردکارهای عملی دورهٔ سال برداشته شده در امتحان نهائی پایان دورهٔ تحصیلی بنظرهیئت ممتحنه میرسد .

آموزش نظری و انطباق آن با احتیاجات دهکده‌ها :

اکنون در این باره مطالعه میکنیم که تعلیمات نظری که در دانشسراها معمول است تا چه پایه احتیاجات (شاگردان معلم) یعنی شاگردانی را که بعدها معلم خواهند بود و قصد تعلیم در یك محیط روستائی را دارند رفع میکند اگر چه تشخیص احتیاجات دهکـده‌ها سهل و آسان است لیکن مطالعهٔ برنامه‌های دانشسراهای مناطق مختلف نشان میدهد که این عمل را بموقع اجرا نمیگذارند . در درس تاریخ ممکن است پایه را روی تاریـخ محلی گذارد و از داستان‌ها و افسانه‌های ملی استفاده کرد . این موضوع در برنامه دورهٔ (تصدیق معلمی جوانان) پنجاب پیش بینی شده است و همچنین در (هیماشال پرادش) (۱) متداول میباشد .

درمورد اخیرالذکر حکایات تاریخی مربوط به اعیاد و داستانهای محلی پیش بینی گردیده است . در مادهٔ جغرافیا و تعلیمات مـدنی سعی میشود حتی المقدور آموزش با شرایط محلی وفق دهد. در برنامه‌ها غالباً مطالعهٔ محل وحول وحوش آن بویژه از نقطهٔ نظر کشاورزی پیش بینی و وضع صنعتی و اجتماعی آن بررسی میشود . باید شاگردان شرایط محلی را مطالعه نمایند و به آنها تلقین شود که بکار کردن درمناطق روستائی تمایل پیدا کنند وهمچنین به آنها جغرافیای محلی را تعلیم دهند . دورهٔ بهداشت و اطلاعات عملی علوم نیز ممکن است تاحد احتیاجات محلی ترتیب داده شود . برعکس فعالیت های عملی و درعین حال آموزنده در این مورد هرگـز پیش بینی نگردیده است .

درخیلی از برنامه‌ها مسؤلیتهای معلم در مورد شاگردان تذکر داده شده و نظر او را در مورد بهداشت همگانی ، بهبودی آب مشروب ، تخلیه آبها و اخراج کثافات ، نظافت راههای عمومی و بویژه ساختن مستراحها جلب کرده‌اند . برنامـهٔ بهداشت روستائی دانشسراهای بنگال یکـی از نمونه‌های خوب نوع خود میباشد .

1– Himachal Pradesh

تاریخ طبیعی در برنامه اکثردانشسراها مشاهده میشود و تحصیل آن غالباً منطق با شرایط محلی میباشد .

در(هیما شال پرادش) و)بنگال غربی) و(اریسا) شاگردان باید در دفترروزنامهٔ خود ملاحظات خویش را دربارهٔ پرندگان حشرات ، گلها ، هواشناسی ، وغیره» یادداشت کنند . ولی درجای دیگرچنین فعالیتهای عملی پیش بینی نشده است .

در برخی از کشورها . تعلیماتی تحت عنوان «اطلاعات عملی» شامل تاریخ طبیعی و کشاورزی پیش بینی گردیده .

در پنجاب. برنامهٔ (تصدیق معلمین سالمند) پیش بینی میکند که«دروس بطور کلی روی پایه عمل قرارخواهد گرفت» وشاگردان «عملا به روشهای آموزشی تشبث خواهند جست » .

در بعضی مدارس ، دوره‌ای هست که به « علوم روستائی » موسوم گردیده. در بنگال،این دوره تقسیم میشود به : بهداشت و تندرستی روستائی اقتصاد روستائی ، سرویس اجتماعی روستائی وشاگردان عملا این دوره‌را باخدمات اجتماعی میگذرانند .

در (مادهیا پرادش) دروس این دوره شامل : بهداشت . اقتصاد ، پرورش حیوانات ، اصلاح طـرز کشاورزی ، تعلیمات اجتماعی است . در عنوان کارهای عملی شاگردان باید گزارشی در بارهٔوضع بهداشتی و اقتصادی یکی ازدهات مجاور تکمیل و تنظیم نمایند .

۱ـ آزمایش عملی در بارهٔ شرایط محلی و تأثیرات آن درزندگی جماعت و ملت .

۲ـ آموختن وسایل لازم جهت اصلاح زندگی روستائی و بهبود آن .

۳ـ فرصت کاروفعالیت مؤثردرترقی دهکده‌ها درحدود دروسشان : آماده میکنند .

فعالیت‌های فوق برنامه :

در بیشتردانشسراها علاوه بر برنامه فعالیتهائی معمول میگردد . در

بعضی کشورها برنامه‌ئی درردیف فعالیتهای اضافی که موافق شرایط محلی است اختیار کرده‌اند. درپنجاب علاوه برفعالیتهای معمولی (وعظ وخطابه) نمایش ، موسیقی ، هنرهای زیبا ، بازیها و مسابقات ورزشی) نیز در دانشسراها معمول است وفعالیتهای دیگری نیز که درمناطق روستائی بکار میآید مانند : تجمع طبیعیدانان و کشاورزان ، مسابقات ، بازیهای باستانی ، اعمال اشتراکی ودستهٔ جمعی ، پیش آهنگی ، خدمات اجتماعی .

دانشسراهای روستائی تحت نفوذ مراکز تعلیماتی (آموزش اساسی) خانهٔ ملت میشود . بعضی از این دانشسراها درعین تربیت معلمین آموزش اساسی ، برنامه‌هائی دارند که ضمن آن مطالعهٔ مسائل وروشهای تربیت اجتماعی وسرویس اجتماعی روستائی نیز تدریس میشود . حتی دانشسراهای قدیمی درتربیت معلمین روستائی اصول خاصی راکه دانشسراهای آموزش اساسی بکارمیبرندمعمول داشته وغالباً تحصیل این اصول را پیش بینی نموده وسعی میکنند که شاگردان خود را به مسائل روستائی متمایل سازند و برای ترقی دهکده‌ها کار کنند .

دانشسرای تعلیمات اساسی :

اکنون موقع آنستکه تعلیمات اساسی را توضیح داده وبگوئیم نقش دانشسرای تعلیمات اساسی درتربیت معلمین خوب برای تعلیمات روستائی چیست ؟

نظریه‌آموزش اساسی :

اصول آموزش اساسی اینستکه تمام تحصیلات وبویژه تحصیلات ابتدائی که دورهٔ آن اقلا هفت‌سال است باید درپیرامون یك‌کاردستی بوجود آید . مهاتما گاندی این طرزویژهٔ تدریس وتعلیم را چنین تعریف میکند: «باحرفه‌ئی که به کودك میآموزند باید جسم وروح اورا تربیت کنند ، تمام میسورات مخفی در نهادکودك را باآموزش یك حرفه برانگیخته و به‌این حرفه ، دروس تاریخ‌وجغرافی وحساب را منضم سازند» اگردرنظر گاندی انضمام درس بایك کاردستی ضروری بوده ، درآموزش اساسی کنونی دو

عنصرمهم نیزوارد شده وآن ، محیط طبیعی ومحیط اجتماعی است .

آموزش کنونی ازتدریس نظری وکتابی مفیدتراست ودروهلهٔ اول از لحاظ روانشناسی تعادل بزرگی بین تجربیات فکری وتجارب عملی برقرار میسازد بطوری که معلومات مکتسبه نه تنها کاملترو واضحترند بلکه موثر تر نیز میباشند . بعلاوه فعالیتهای مورد بحث بهیچوجه غیرطبیعی نیست بلکه برعکس ، صریح وواضح وجدی و توأم با زندگی میباشند ؛ مسائلی را مورد بحث قرار میدهند که کودك با مراجعه به مخیله خویش باید بحل آن بکوشد وهوش وحساسیت وارادهٔ خود را در این راه بکاراندازد ـ بالاخره آموزش توأم باکاردستی نفع اجتماعی بارمیآورد . درپرتواین عمل کودك متوجه میشود که عضوسودمند جامعه و در ثروت آن شریك میباشد وچون ملاحظه میکند که قسمتی ازخرج تحصیل خود رامیپردازد درخود اعتماد بنفسی حس میکنند ولیاقتی دروجود خویش احساس مینمایدو در همین فرصت ، تعلیم عمومی و اجباری تسهیل میگردد . این ملاحظهٔ اقتصادی از نظر گاندی گذشته و برای همین بوده که این مورد را یکی از پایه‌های فلسفی‌واجتماعی‌آموزش اساسی میدانسته‌است . وی اظهارمیداشت که : «اگرمعلمین خوبی داشته باشیم ، کودکان ما مردکارمیشوند وکار را پایهٔ اصلی درس خویش میدانند» درنظر گاندی آموزش برپایهٔ کاردستی «نخستین‌مرحلهٔ یك‌انقلاب اجتماعی صامتی است که اهمیت ونتایج بیشماری دارد . »

درمیان نتایج مزبور برقراری روابط بی‌شائبه واخلاقی بین‌شهرها و دهکده‌هاازمیان بردن آثارشوم عدم امنیت‌اجتماعی وجنك‌طبقاتی ، استقرار نظم اجتماعی که هرکسی دارای حداقل زندگی وحق‌آزادی گردد . » نیز تذکرداده میشودخلاصه آموزش‌اساسی‌متوجه‌این نکته استکه شخصیت‌های معتدل وقابلی تربیت کند وجامعه پاك وتندرست وهم‌آهنگی تشکیل دهد . بدین طریق مدرسه وسیلهٔ ترقی اقتصادی و اجتماعی میگردد و معلمین و

شاگردان سالمند درخدمات اجتماعی و توسعهٔ اقتصادی نقش مهمی را ایفا می نمایند .

هدفهای دانشسراهای اساسی :

هدفهای دانشسراهای (نای‌تعلیم) (۱) (طرز جدید تعلیم اساسی) بطور تحسین انگیزی در برنامـه تجدید نظر مؤسسات نامبرده تشریح و توصیف گردیده‌و تحت نظر «هندوستانی تعلیمی سانگ‌سواگرام‌واردها»(۲) بنحوذیل انتشاریافته است :

۱ــ به شاگردان‌آموزگارتعلیماتی عملی مبتنی برزندگـی جامعه‌ای که باتوجه باصل اشتراك درمنافع عمومی بوجودآمده باشد داده‌شود.

۲ــ به‌آنها کمك شود تا هدفهای اجتماعی (نای‌تعلیم) و نتایج نظم جدید اجتماعی مشکله روی حقیقت و عــدم سخت‌گیری را فهمیده و قبول نمایند .

۳ــ آنها را تشویق‌نمایند با تمام قوای طبیعی وفکری وزیباشناسی وروحی خود را ازلحاظ تشکیل یك شخصیت بارزبسط وتوسعه دهند .

٤ــ به شاگردان‌آموزگارمعلومات‌حرفه‌ئی لازم بدهند ، به اومجال بدهند تا به احتیاجات طبیعی ، فکری و عاطفی کودکان را پی‌برد وآنــرا ارضاء نماید .

درست استکه یك‌مرکزآموزش اساسی که شامل یك دانشسرا ویك دبستان ضمیمه است بایدجماعتی آزادی طلب تربیت کند که باتوجه برعایت حفظ منافع عمومی متشکل گردد وشیوهٔ هم‌آهنگی پیشه کنند .

چنین‌جامعهٔ‌هم‌آهنگی بایدحتی‌المقدوراحتیاجات‌خود را ازقبیل لباس، غذا ومنابع لازمه‌برای حیات زراعتی را با استفاده اززمین رفع کند . باید درمحل روستائی برقرارگردد وبا دهکده‌های‌مجاورتماسهای نزدیك داشته باشدبطوریکه یك مرکزطبیعی‌زندگی‌دهقانی گردد . اکثرمراکزآموزش

---

1 - nai Talim 2– Hindustani Talimi Sangh , de Sevagram , Wardha.

با توجه بهمین اصل ایجاد شده و جماعتی حقیقتاً آزادی طلب در آن گرد آمده‌اند .

در بعضی موارد ، دانشسرا چندین دبستان اساسی در پیرامون خـود بوجود میآورد ومدیریت تربیتی کودکان را بعهده میگیرد . هدف دانشسرا اینست که ازهریك ازاین‌مدارس اساسی مرکزی هم‌آهنك بوجود بیاورد .

در بعضی نواحی وضع جالبی احداث کرده‌اند : کلیه مؤسسات رسمی یا خصوصی که سرگرم توسعه امور اقتصادی خود میباشند سعی میکنند در پیرامون مراکزآموزش اساسی گردآیند .

اگراین روش‌تعمیم یابد تمام‌مراکزآموزشی اساسی‌خواهندتوانست ازاشتراك‌مساعی وکمك بیدریغ سرویس‌های بهداشتی وکشاورزی وتعاون وکارهای‌همگانی‌وغیره برخوردار گردند. بطور کلی‌فعالیتهای دانشسراهای اساسی بردو گونه‌اند :

۱ـ فعالیتهای اجتماعی‌یعنی :تهیه اغذیه ،منسوجات ،کارهای‌بهداشتی کشاورزی وصنعتی ، فعالیتهای زراعتی .

۲ـ فعالیتهای‌مربوط به‌تشکیلات حرفه‌ئی. شاگردان درعرض دوسال تحصیل خود باید فعالیتهای عملی دربارهٔ کارهای صنعتی که دربرنامه ذکـر گردیده وهمچنین طرزمکاتبه ومخابرهٔ معلومات خـود را یاد بگیرند . در دانشسراهای‌آموزش اساسی مانند دبستانهای اساسی درس وعمل را توأم میکنند تا در نظرشاگرد ارزش این دوحرفه بطورمعتدل جلوه گرشود و کاروتحصیل را دوعامل جدا نشدنی بشمارند .

برنامهٔ دانشسراهای‌آموزش اساسی :

طبق اصل آموزش عملی ، (شاگردان‌آموزگار) باید در وهلهٔ اول هدفهای اجتماعی‌آموزش ومقاصد مدنی راکه بیان میدارد بفهمندآنهاباید اصول تشکیلات یك‌جماعت آزادیخواه واهمیت انضباط را درتمام عملیات اشتراکـی بشناسند. همچنین دانشسرا طوری تأسیس گردیده کـه یکنوع سرمشق اجتماع است زیرا هرچه باشد ساکنین‌آن‌احتیاجات ولوازم‌خودرا

شخصاً مهیا میسازند و برای اینکار ناگزیرند که شاگردان شبانه روزی باشند وغالباً نیزهمین طوراست .

بعلاوه دانشسرا باید برای تکافوی احتیاجات اصلی خود نه تنها با هزینه‌های عمده مواجه گردد بلکه گـذشته ازلباس وغذا باید ، بهداشت و گذراندن ساعات بیکاری ومراقبت توسعهٔ کشاورزی ، روحی واجتماعی را تضمین نماید .

بعبارت دیگر«هر کسی بایددر بهبودجریان کاردانشسرا کوشش کندو درتمام فعالیتهای مشترك شرکت جوید وبنفع مردم اقدام نماید بخصوص‌در موارد نظافت وتهیه غذا وسرویس میزغذا. بدین طریق شاگرد درخویشتن حس مسؤلیتی مییابد و این موضوع مقدمهٔ مهمی برای فعالیتهای اجتماعی اوواستفاده ازآنان میگردد .»

در(مدرس) برنامهٔ عملیات کشاورزی دانشسراهای اساسی بقرار ذیل است :

۱ـ اصول زندگی آزادی طلبی ، بهداشت،نگاهداری‌دهات ومزارع واراضی ، تهیه اغذیه ، باغداری .

۲ـ خدمات‌اجتماعی دردهکده‌های مجاور: مسائل بهداشتی ،زندگی اجتماعی ، زندگی کشاورزی ، تعلیم جوانان .

۳ـ اعیاد وجشنها .

٤ـ مسابقات .

٥ـ موسیقی دسته جمعی .

٦ـ رقص وتئاتر .

۷ـ نقاشی وتزیین .

۸ـ تحصیل زبان هندوستانی .

تشکیلات «زندگی دموکراتیك» دردانشسراهـای‌آموزش اساسی ارزش‌آنرا داردکه ازنزدیك مورد مطالعه قرارگیرد .

دانشسرای‌بمبئی را یك (کابینه) که۲٤نفر کارمند دارد اداره میکنند.

اینکارمندان برای یکماه انتخاب میشوند و هر کدام ازآنها سمت خاصی دارند . «نخست‌وزیر» با موافقت سایر اعضای کابینه‌میتواند برنامه کارماه‌را متوقف سازد. مدعوین نزد اومیروند و اوطرزعمل تعلیم را به آنها توضیح میدهد . وزیر تدارکات تمام مواد را تهیه میکندو آذوقهٔ مورد احتیاج جماعت را مهیا وتقسیم آنرا تضمین مینماید . حسابداری هم بعهدهٔ اوست .

وزیر بهداری نیز باهمکاری پزشک مخصوص مؤسسه دربهبود بیماران میکوشد ومترصد است که آب آشامیدنی نایاب نگردد .

درآخر هرماه وزیران گـزارش کاملی از عملیات خود تهیه و تقدیم میدارند تا مشکلات موجوده مرتفع گردد .

این گزارشها به‌هیئت‌دولت‌تقدیم میشود وقبول یا مردود میگردد. درصورت اخیر، وزیرمربوط گـزارش دیگری تهیه‌میکند . باید محلی را که خدمات اجتماعی‌دردانشسراهای اساسی اشغال میکنند یادآورشویم و با توجه‌بأین نکته‌اساسی ، دانشسراهای اخیرالذکر برتمام دانشسراهای دیگر ترجیح دارند .

هدف دانشسراهای اساسی اینست کـه دربین جماعت نظم اجتماعی برقرارسازند و روابط نزدیکی بین فامیل و دانشسرا استقراربخشند . در مؤسسات متعدد مانند کشور(بیهار) ، «شاگردان آموزگار» برنامه خاصی دارند که طبق آن به خدمات اجتماعی میپردازند .

درپنجاب ، «شاگردان آموزگار» درمحله‌ها و دهکده ها بخدمات اجتماعی اقدام میکنند وبرنامه کارشان بدین قراراست :

۱ــ اصلاحات شرایط بهداشتی .

۲ــ مبارزه علیه بیسوادی بالغین .

۳ــ توزیع دارو .

٤ــ تشکیل جشنهای توام با سازوآواز .

٥ــ توسعهٔ کشاورزی وصنایع خانوادگی .

٦ــ دربازارهای مکاره .

۷ـ فراهم آوردن بازیها و سایر فعالیتهای ایجادی .

چون پایهٔ تدریس دانشسرای اساسی بـر علم و عمل مبتنی است ، «شاگردان آموزگار» باید ضمن تحصیل ، یك یا چندین حرفهٔ مورد احتیاج شخص را تمرین کنند ، فنون غذا و لباس و منزل و کشاورزی و بافندگـی و ریسندگی ، زنبیل بافی و سایر کارهای دستی در برنامه‌ها محل عمده‌ئی را اشغال میکنند ، تمام این فعالیتها بطور علمی تدریس میشوند تا ارزش حقیقی آن از راه تعلیم معلوم گردد .

در دانشسرای بمبئی که در یکی از دهکده‌ها بنام (لونی) (۱) تأسیس گردیده آب بقدر کفایت موجود نبود . معلمین و شاگردان درصدد بر آمدند که براهنمائی کارشناس آبیاری به حفر چاههای جدیدی اقدام نمایند . برای انجام این عمل سه دسته مأمور شدند و مدیر دانشسرا نیز برای تشویق آنان با آنها همکاری نمود .

برای بودجهٔ اینکار مبلغ سیصد روپیه از بنگاه خیریهٔ مها تما گاندی وام گرفتند وچون شروع به عمل کردند درعمق ۱ و ۲ متری به سنگ رسیدند برای اینکه سه متر دیگر زمین را حفر نمایند مجبور بودند با دینامیت کار کنند چون به موانع دیگر برخوردند مجدداً قرض کردند سرانجام حوضچه‌ئی به مساحت ۸/۱۵ متر احداث نمودند و چون اهالی دهکده به این موضوع متوجه شدند باعلاقهٔ تام به عمل دانشسرا تحسین گفته و به آنها کمك مادی کردند یکی از آنها تلمبه‌ئی به دانشسرا عاریه داد تا حین ساختمان چاه از آب آن استفاده شود .

اهمیتی که بشغل پیشه‌وری داده میشود :

در دانشسراهای اساسی علاوه بر کشاورزی ، چندین حرفهٔ دیگر بـه شاگردان تعلیم داده میشود که ریسندگی و بافندگی و درودگری و کارهای دیگر از قبیل فلزکاری و تهیه روغن و شکر از آن جمله‌اند .

در بمبئی هر شاگرد آموزگار علاوه بر دروس عادی ، تعلیماتی درباره

1— Loni

ریسندگی و باغچه‌داری و مقوا سازی میگیرد ، بعداً درقسمت ریسندگی و یافندگی یا کشاورزی یا نجاری متخصص میشود . درپنجاب ، کشاورزی و باغبانی وریسندگی و بافندگی ازمواد اجباری تحصیل هستند .

مواد اختیاری عبارتند از: ساختن کاغذرنگی وصحافی . مقواسازی ، حفظ میوه و سبزی ، شکرسازی ، پرورش مرغان ، پرورش زنبورعسل ، پرورش نوغان ، صابون سازی، مسواك ، شمع ، مرکب سازی، تهیهٔ گچ برای تخته وغیره ، چاپ روی متقال ، قالیبافی و زنبیل بافی ، چرمسازی ، اقتصاد خانگی . پرستاری بیماران وتمام حرفه های معموله دیگر درمحل .

علاوه براین در پنجاب ، آموزش هنرهای زیبای تربیتی جزومواد اجباری دانشسرای اساسی است .

آموزش هنری نیزدر بیشتردانشسراهای کشور هند معمول است . در (مدرس) ، مواد اجباری عبارتنداز:

۱ـ باغبانی ، کشاورزی وآشپزی .

۲ـ ریسندگی و بافندگی گذشته‌ازاین‌دانشسراهای‌اساسی میتوانند یك یاچند رشتهٔ تخصصی‌ذیل‌را نیز بیاموزند :

فلزکاری .کاغذ سازی ، پرورش مرغان وزنبورعسل ، چرمسازی ، قالیبافی ، خیاطی . برش بافتن‌آلات علفی ، زنبیل‌باقی ،ریسمان ریسی ، مقواسازی وصحافی‌ساده . صابون‌سازی . این حرفه‌ها مربوط به وضع‌مالی مؤسسه‌واحتیاجات محلی است . معلمین که این رشته‌ها را یاد میگیرند باید در دبستانهائی که مشغول تدریس خواهند شد به شاگردان بیاموزند . در میان این چند ماده درنظرمن تنها یك ماده موجود است که تعلیم آن باید برای عموم محصلین اجباری باشد . وقتی که به شاگرد فن خیاطی را یاد میدهندلازم است‌فن‌برش را نیز بیاموزند ولی‌فن برش درتمام دانشسراهای اساسی اجباری نیست . حتی دانشسرای (هندوستانی تعلیم سانگ) نیزاین فن را بطورناقص‌میآموزد یعنی بافندگی جزوبرگرام‌است ولی دوختن‌جزو آن نمیباشد . بهرصورت ازلحاظ‌کارهای عملی برنامه تعلیم دانشسرادارای دورشته اصلی است :

۱ـ کشاورزی .

۲ـ پارچه بافی این برنامه‌از لحاظ هم‌آهنگ کردن‌مطالعات نظری وتعلیمات عملی دارای نتایج بسیارسودمند است .

نقشه تحصیلات و مطالعات راجع به‌کشت پنبه برای نمونهٔ در اینجا ذکرمیشود :

۱ـ کارهای عملی : تهیه یك روزنامه ازکارهـای انجام شده تعداد و مقدار کشت ، کوت افشانیو وجین‌کاری ، ملاحظهٔ محیط گیاه پنبه تاریخ‌دانه افشانی وجوانه‌زدن وگل کردن گیاه وچیدن ابتدائی وغیره.یادداشت‌مراحل مختلفهٔ نموتأثیرات وآفات .

۲ـ یادداشت کردن وضع روزانهٔ هوا (حداکثرواقل حرارت) گیاه شناسی : پنبه‌کاری ، طبایع مشخصه ، عملیات قسمت های مختلفه نبات.طرز ساختمان گل ، طرز ساختمان میوه .

سه نوع ویژهٔ پنبه واختلافات آنها ، چگونگـی تشخیص آنها ، تهیهٔ آنها درهند وجهان . اصلاح اختلاف درخت پنبه .

۳ـ کشت : زمین ، رطوبت ، درجهٔ حرارت . عوامل دیگر . تأثیرات آفات مختلفه ، اقسام مختلف کشت ، حشرات مضره .

٤ـ جغرافی : مناطقیکه درآن پنبه‌کاری میشود ، شرایط جوی وآب وهوا برای کشت پنبه .

٥ـ تاریخ اقتصادی : تاریخ پنبه ، نقش پنبه در تاریخ بشر . عوامل اقتصادی که بعمل‌آمدن ومصرف پنبه را مشروط و محدود میکنند . تجارت پنبه‌درهندودرجهان در گذشته وحال.نفوذ واثر بازار پنبه درزندگی اجتماعی واقتصادی کشورهای تولیدکننده درگذشته وحال .

٦ـ حساب : نرخ جوانه‌ها ، نرخ بذرکاری ازقرارجریب . درآمد از قرارجریب . ارزش محصول ، حسابهای مربوط به‌کشت پنبه .

هردانشسرای اساسی باید حداقل دارای دوجریب زمین آبگیر برای باغبانی باشد . بنابراین معلمینی که دراین رشته تعلیم میکنند باید دارای

معلومات باغبانی باشند . عقیده متخصصین براین استکه برای بیست نفر (شاگرآموزگار) یك جریب زمین لازم است .در(مدرس) وچند منطقهٔ دیگر دانشسراهائی که اراضی کافی ندارند باید درزمین‌های شخصی بکار مشغول شوند .هر(شاگردآموزگار) بطورمتوسط درهرسال سیصد ساعت کارهای کشاورزی میکنند .

پرورش مرغان وزنبورعسل ونوغان وپوست کندن برنج .آردسازی شکرسازی وروغن گیری جزوفعالیتهای پیوسته آنان میباشد . فن طباخی نیز یکی از برنامه‌های مهم دانشسراهای اساسی را تشکیل میدهد ودراین رشته تنها به پختن اغذیه اکتفا نمیشود بلکه انتخاب نوع غذا وکشیدن و چیدن آن روی میز از روی اصول عمل آموخته میشود . در این مؤسسات آشپزخانه آزمایشگاه کاملی برای مطالعات بهداشتی است و معلم آینده در آن ، اصولی را که به آنان اجازهٔ تأسیس انبار آذوقه برای مصرف دانشسرا میدهد تادرآنجا غذای معتدلی برای شاگردان خود تهیه کنند و بشاگردان خود درابی موارد تعلیماتی بدهند . برنامهٔ (هندوستانی تعلیم سانگ) در این باره ترتیبات قابل توجهی داده وتحت سه عنوان مشخص کرده است : تشکیلات کارطباخی درآشپزخانه ، انتخاب ، انبارکردن و نگاهداری مواد غذائی ، تهیهٔ غذا ، سرویس میز ترتیبات کاروکتابت . برنامهٔ مربوط به منطقهٔ (تراوانکارکوشن) (۱) ازاین هم مفصل تراست .

فعالیتهای ابتکاری وتربیتی :

درتمام دانشسراها برنامه‌های مختلفی برای تفریح وتربیت محصلین تنظیم گردیده واینك برنامهٔ دانشسرای (مدرس) .

۱ـ موسیقی .
۲ـ رقص ونمایش .
۳ـ هنرهای زیبا وهنرهای تزیینی .
٤ـ برپا داشتن جشنها .

1– Travancore – Cochin

۵ـ مسابقات .

برنامهٔ(هندوستانی تعلیمی سانگ) این فعالیتها را بطرز زیر طبقه بندی میکند :

۱ـ پرورش ذوق ادبی .

۲ـ موسیقی ، رقص و نمایش .

۳ـ نقاشی و هنرهای تزیینی .

٤ـ بازیها .

۵ـ گردشهای تفریحی ومسابقات . درهمین پروگرام تائید گردیده که هرشاگردی باید چند رشته ازاین هنرها را فراگیرد .

۱ـ تا قوای زیبا پرستی را درشاگرد بیدار نکنند نمیتوان اطمینان داشت که شخصیت اوراازهمه حیث تربیت کرده اند .

۲ـ کارهای ابتکاری وتفریحی برای سلامت جسم ونفس وروح لازمند باید برای شاگردان ساعات بیکاری ترتیب داد وبآنها آموخت که چگونه ازآنها استفاده کنند .

۳ـ آموزگار بایدازحیث سلیقه ونیروی قضاوت دردوره تحصیل کاملا تربیت شود وبداند آنهاراچگونه باید بجای خود بکار برد .

تندرستی و بهداشت :

در مؤسسات آموزش اساسی وآنجا کـه برای چنین تعلیماتی معلم میپرورانند برای مسائل بهداشتی اهمیت فوق العاده ئی قائلند .

اکنون معلوم گردیده که تا موقعیکه سطح زندگـی هندیان اینقدر پست است ، بهمـان نسبت درفهم اصول بهداشت وحفظ سلامتی عقب اند و سرویسهای داروئی وپزشکی آنان ناچیزاست .

آموزش بهداشتی باید درصورت لزوم جای وسیع ترازآنچه دربیشتر کشورها برای این مورد منظورگردیده اشغال نماید .

آموزگارنه تنها باید به پاکیزگی ونظافت دبستان خود توجه کند بلکه بایددرصورت لزوم بهشاگردان یااولیای آنها که گرفتار بیماری شده باشند

تا فرا رسیدن پزشك کمك های اولیه را بنماید . بشماید طریق بکار بردن داروهای خانوادگی را بیاد داشته باشد وبطور کلی باید در زندگی خصوصی وفامیلی خود مظهر نظافت ودقت وبهداشت باشد .

برنامهٔ دانشسرای (هندوستانی تعلیمی سانگ) در مورد بهداشت و نظافت شامل مواد زیراست :

۱ــ عمل اجرائی زندگی بهداشتی وتندرستی توأم با مطالعهٔ اصول مربوطــه نظافت شخصی ، ملاحظه بهداشت درزندگی روزانه ، نظافت و سلامت محیط .

۲ــ بهداشت همگانی و بهداشت شخصی دردهکده‌ها .

۳ــ عناصر تشریح وزیست‌شناسی .

٤ــ اصول مقدماتی تغذیه .

٥ــ بیماریهائی که بیش‌ازهمه شیوع‌دارند . علل شیوع آنها ، طریقهٔ معالجه با داروهای خانگی وساده .

٦ــ کمك‌های‌اولیه درمواقع فوری‌وضروری بویژه درموقع حوادث.

۷ــ برنامهٔ تندرستی یك مؤسسه تعلیمی اساسی .

در کشور(مدرس)برنامهٔ مربوطهٔ به‌سلامتی وبهداشت شامل سه‌نکتهٔ دیگر نیزهست :

۱ــ بهداشت اجتماعی واخلاقی .

۲ــ ممارست جسمانی درکارهای حرفه‌ای وفعالیتهای اشتراکی .

۳ــ تربیت بدنی منظم .

در(تراوانکار کوشن) دروس معلمین‌آیندهٔ آموزش اساسی متوجــه سه نکتهٔ مشخص است :

تعلیم نظافت ، تعلیم بهداشت ، تربیت بدنی . برنامهٔ نظافت مبتنی بر مطالعهٔ دقیق درموارد ذیل است :

۱ــ مفهوم نظافت . مبارزه باکثافت وپلیدی . نظافت منبع زیبائی است .

۲ـ نظافت همچنانکه موجب سلامت انفرادی است سبب بهبود وضع اجتماع نیزمیباشد .

۳ـ تأثیرات اجتماعی واخلاقی نظافت :

الف ـ نظافت وظیفهٔ اجتماعی .

ب ـ نظافت وظیفهٔ اخلاقی .

پ ـ روابط نزدیك نظافت خارجی وداخلی .

٤ـ تأثیرات فکری نظافت : نظافت روح را حساس‌تر و چابك‌تر میسازد ، فعالیتهای دسته جمعی مربوط به نظافت نیروهای،نظم وهمکاری را تقویت میکند .

٥ـ تعلیم نظافت درارتباط با انضباطهای دیگر : علوم بطور کلی، علوم اجتماعی.بهداشت وتندرستی ، زبان وادبیات ، حساب ، هنرهای‌زیبا.

تربیت حرفه‌ئی

برنامه تربیت حرفه‌ئی در تهیهٔ هیئت تعلیمی آموزش اساسی شامل نکات زیراست :

۱ـ تعلیم موادآموزشی اساسی و اصولی کـه باید برنامه های این آموزش برآنها مبتنی باشد .

۲ـ تربیت روحی وتربیت کلی کودك .

۳ـ تشکیلات وادارهٔ مدارس .

٤ـ عمل اجرائی آموزش وسایرکارهای عملی .

٥ـ متدهای آموزش (کلی وخصوصی) .

تفصیلات برنامه‌های هر دوره ممکن است در کشورها تفاوت داشته باشدولی دراصل‌مطلب همه یکسان وتقریباًمتشابه یکدیگرند دربمبئی‌مواد مختلفه در دوره واحدی جمع شده‌اندکه دورهٔ‌آن دوسال است . این همان است که‌نکته پنجم برنامه تأیید میکند. (عمل واقعی آموزش وسایرکارهای عملی) در بعضی آموزشها کوشش میشود به‌کارهای عملی مزبورتنوعی داده شود درصورتیکه درداﻧﺸﺴﺮاهای دیگرمثلا دانشسرای (سواگرام)کارهائی

که باید بوسیله شاگردان اجرا شود همیشه بشرح زیر منقسم گردیده است:

۱ـ مطالعه برنامه‌های مدرسه‌ئی از لحاظ عمل (کارهای مدرسه‌ای بمعنی اخص ، مسابقات ، غـذای مدرسه‌ای برنامهٔ آموزش برای سلامت ، بازیها وغیره) .

۲ـ شرکت درفعالیتهای دبستانی باشتراك دبیران .

۳ـ کار اجرائی با شاگردان.

الف ـ تذکـرات ابتدائی بین دبیر مسئول واستاد مؤسسه تشکیلات حرفه‌ئی .

ب ـ تشکیلات مربوط به کار .

پ ـ آموزش قطعی .

ت ـ شرح کارانجام شده .

ث ـ تخصص بعضی امور و مناظـرات بین دبیران و پرسنل مؤسسه تشکیلات حرفه‌ئی درموضوع کارکردن با کودکان .

٤ـ تهیهٔ لوازم آموزش برای کودکان .

بعنوان برنامهٔ شروح کارهای اجرائی وسیلهٔ (شاگردان معلم) در دبستانهائی که عملا به تدریس میپردازند میتوان آنچه راکه وسیلهٔ تشکیلات هیئت تعلیمی .آموزشهای اساسی درکشور (مدرس) اختیارشده در اینجا ذکر کرد :

۱ـ ملاحظهٔ پذیرش چهار یا پنج کودك انتخاب شده در وضعیت‌های مختلفه (درمنزل ، در کلاس ، درنمایشها ، نزد رفقا ونزد والدین آنان) تحولاتی که درضمن دوسال تحصیل درآنان بعمل آمده است .

۲ـ ملاحظه یك کلاس با یك گروه برای سنجیدن طرز رفتار شاگردان درمحیطی که به فعالیتهای گوناگون اشتغال داشته‌اند .

۳ـ دقت دراحوال کودکان عقب مانده .

٤ـ توجه به تفاوتهائی که بین شاگردان یك کلاس موجود است .

٥ـ توجه به کودکان تنبل که حواس خودرا جمع نمیکنند .

٦ـ اجرای برخی عملیات روزانه در مدت معین : عملیات اداری و خارج از برنامه .

۷ـ مطالعه راجع به تشکیلات حتی دربارهٔ مدرسه .

۸ـ سنجش هوش شاگردان وتخمین وتقویم پیشرفت آنان .

۹ـ ملاحظهٔ وتوجه به‌کار بعضی معلمین .

۱۰ـ عمل واقعی آموزش .

در بعضی مؤسسات که به تهیهٔ پرسنل آموزش اساسی اشتغال دارند . معلمین آینده باید درعین فراگرفتن یك طرز تشکیل عملی ، به تعلیم بعضی ازمواد مدرسه‌ئی ادامه‌دهند . دربمبئی برنامهٔ این مؤسسات با دروسی شامل مواد زیر پیش بینی شده است :

۱ـ زبان ۲ـ حساب ۳ـ تاریخ ٤ـ جغرافی

٥ـ علوم ٦ـ زبان هندی .در هفته بیست دوجلسه برای‌این مواد اختصاص داده شده است . درمدرس) (شاگردان‌آموزگار) باید پنج‌جلسه خود را درهفته برای مطالعه زبان محلی اختصاص دهند . معلمین کلاسهای بالاتر ، انگلیسی و متدهای آموزش انگلیسی را فرا میگیرند . در بیشتر کشورهای هند درمؤسسات آموزش اساسی وسایرمؤسسات فرهنگی اصلا زبان انگلیسی تدریس نمیشود .

ازموقعیکه زبان هندی زبان رسمی کشور گردیده کوشش میشود که در تمام مؤسسات فرهنگی به فراگرفتن این زبان بپردازند . دردهلی و آجمر(۱) برنامه‌هاشامل دروس راجع بعلوم مختلف‌وهمچنین علوم اجتماعی است . در « بیهار » (۲) تحت عنوان « فعالیتهای تربیتی » (شاگردان آموزگار) باید موارد پنج‌گانه ذیل را تحصیل ومطالعه کنند :

۱ـ ادبیات محلی با زبان بومی ،

۲ـ تاریخ هند در کادر تاریخ جهان‌که دربسط اجتماعی و تربیتی انسان بحث میکند .

1– Ajmer 2– Bihar

۳ـ جغرافیای هند درکادرجغرافیای جهان (بحث عمده‌اش درجغرافیای اقتصادی است) .

٤ـ مناطق مختلفهٔ جهان .

٥ـ حوادث گوناگون .

دانشسرای مقدماتی درحال کار:

دردانشسرای آموزش اساسی زندگی پرفعالیتی درجریان است . برای پی بردن به چگونگی صرف اوقات شاگردان جای آن دارد که مرکز تعلیمی (اونی) (۱) دربمبئی را مثال بیاوریم :

از ساعت ٥ تا ٦/۱٥ بیدارشدن ازخواب وکارهای صبح .

از ٦/۱٥ تا ۷/۳۰ جاروکردن نظافت ، غذای اول (تهیه وچیدن آن) .

از ۷/۳۰ تا ۷/٤۰ اجتماع عمومی ، نمازواعلام برنامهٔ روز .

از ۷٥٤۰ تا ۸/۲۰ ریسندگی

از ۸/۲۰ تا ۹/٥۰ تعلیمات عالی نظری .

از ۹/٥۰ تا ۱۰/٥۰ فعالیتهای عملی درامورحرفه‌ای

از ۱۰/٥۰ تا ۱٤ ناهارواستراحت ومطالعه .

از ۱٤ تا ۱٤/۱٥ دروس عملی آموزش.

از ۱٥/۱٥ تا ۱٦/٤٥ فعالیتهای حرفه‌ای (کارهای عملی).

از ۱۷/٤٥ تا ۱۸/۱٥ بازیها.

از ۱۸/۱٥ تا ۲۰ شام وامورشخصی:

از ۲۰ تا ۲۰/۳۰ نمازشب . استماع اخبارراديووبحث درحوادث گوناگون .

از ۲۰/۳۰ تا ۲۲ مطالعه ، دورهٔ تعلیمات ملی ، تهیهٔ برنامه‌های نمایشي . دروس هندی .

1– Loni

اینك طرز صرف اوقات در مرکز (بیکرام) (۱) ازمنطقهٔ (بیهار) ذکرمیشود :

ساعت ٤ بیدارشدن .

از ٥ تا ٥/١٥ نمازجماعت .

از ٥/١٥ تا ٥/٤٥ جاروو نظافت .

از ٥/٤٥ تا ٧/٣٠ کشاورزی .

از ٦/٣٠ تا ٧/٣٠ صبحانه .

از ٧/٣٠ تا ١٠/٣٠ کارهای حرفه‌ای .

از ١٠/٣٠ تا ١١/٣٠ غذای اصلی .

از ١١/٣٠ تا ١٤/٣٠ نمایش .

از ١٤/٣٠ تا ١٥ کارهای ریسندگی .

از ١٥ تا ١٥/١٥ قرائت اوراق اطلاعاتی .

از ١٥/١٥ تا ١٧ دروس نظری .

از ١٧/٣٠ تا ١٨ بازیها .

از ١٩ تا ١٩/١٥ عبادت .

از ١٩/٣٠ تا ٢٠ شام .

از ٢٠ تا ٢٢ مطالعه (کارهای شخصی) .

برنامهٔ روزانه‌ئی که برای مؤسسای کشور(مدرس) پیشنهاد میشود بدین قراراست :

ساعت ٥ بیداری .

از ٥ تا ٦ امورشخصی.

از ٦ تا ٦/١٥ نمازجماعت.

از ٦/١٥ تا ٧/١٥ کارهای دسته جمعی و گروهی .

از ٧/١٥ تا ٨/٣٠ غذای اول ، مهیا شدن .

از ٨/٣٠ تا ١١/٣٠ کارهای دبستانی .

1- Bikram

از ١١/٣٠ تا ١٣/٣٠ ناهارواستراحت .

از ١٣/٣٠ تا ١٦/٣٠ کارهای مدرسه‌گی .

از ١٦/٣٠ تا ١٧/٣٠ تعلیمات طبعی (دسته جمعی) .

از ١٧/٣٠ تا ١٨/٣٠ استراحت ، فقط برای دانشجویانی کـه در آشپزخانه‌کارمیکنند .

از ١٨/٣٠ تا ١٨/٤٥ نمازجماعت .

از ١٨/٤٥ تا ٢٠ شام واستراحت .

از ٢٠ تا ٢١ مطالعه .

امتحانات :

طریقهٔ امتحانات‌مؤسسات‌آموزش اساسی درقسمت‌های مختلفه کشور هند متفاوت است. دردانشسرای (بیهار)امتحان سالیانهٔ وجود ندارد ارتقاء شاگردان کلاس‌بالاتر‌ازروی‌پرونده‌های‌انفرادی‌هریك‌ازشاگردان که‌شامل چگونگی اخلاق‌ورفتاروطرز کار کردن‌آنان است صورت میگیرد وبه کمیتهٔ بازرسی ویژه ارجاع ونتیجهٔ آن ابلاغ میگردد .

شاگردانیکه‌پروندهٔ‌آنان‌مقبول‌گردیده تصدیق میگیرند وکسانیکه نقائصی داشته‌اند مدتی دیگر به تحصیل اشتغال میورزند تا برای ورودبه کلاس بالاترآماده شوند.درمناطق دیگرمانند (مدرس) یك امتحان‌رسمی موجود است ویك امتحان داخلی نیزوجود دارد که مخصوص کارهای عملی است . طرزتشکیل این سیستم بدین قرار است .

گروه الف : موادی که به امتحان داخلی مربوط است .

١ـ حفظ‌الصحه وبهداشت (باضافهٔ آموزش طبیعی) .

٢ـ باغبانی وطباخی .

٣ـ ریسندگی وبافندگی .

٤ـ تشکیلات همگانی ومسائل [illegible]

٥ـ کاردردبستان ضمیمه .

گروه ب : موادی که از آنها امتحان رسمی [illegible]

۱ـ زبان وادبیات .
۲ـ روانشناسی اطفال (وعلم تربیت اطفال) .
۳ـ اصول آموزش اساسی .
٤ـ روش های آموزش .
۵ـ ادارهٔ مدرسه .

درسایر مناطق مانند (دهلی) و دانشسراهای (آجمر) شاگردان از نزدیك توسط ادارهٔ تعلیمات مراقبت میشوند ومعهذا درمواد نظری وهنرهای معمولی وحرف وصنایع وتمرین آموزگاری باید امتحانات نهائی بدهند برای هنرهای معمولی وحرف وصنایع ۳۰ نمره ازمجموع ۱۵۰ نمره برای نتایج سالیانهٔ کار در نظر گرفته میشود و برای تمرین آموزگاری ۵۰ درصد از مجموع نمره برای تمام کار سالیانه ملحوظ میگردد .

درآموزش اساسی ، معلمین باید ازفعالیت خود فهرستی منظم تهیه کرده وآنرا بمنزلهٔ حساب دخل وخرج خود حاضرداشته باشند . شاگردان دانشسراها دربعضی جاها دعوت میشوند که به کمك گزارشهای جداگانه ، روزانه ، هفتگی ، وپانزده روزه که مسلماً درتهیهٔ گزارش سالانه بکار میآید ، گزارش جامعی تهیه نمایند . اکثر دانشسراهای اساسی مستقیماً تحت نظر ادارات تعلیمات مناطق مختلفه اداره میشوند . مؤسسات خصوصی که به تعلیمات اساسی میپردازند اندکند زیرا ابوین آنها که میبینند باید برای تعلیم کودکان خود خرج کنند ترجیح میدهند که آنان را به مدارس قدیمه بفرستند ابوین روستائی نیز میل دارند بچه های آنها پس ازدرس خواندن کارمند دولت کارمند تجارتخانه یا مؤسسه صنعتی بشوند .

تربیت عالی معلمین مأمور آموزش اساسی و آموزش تکمیلی :

دربعضی کشورها . آموزش اساسی به مرحلهٔ تکامل رسیده واز کلاس هشت شروع میشود وچهارسال دیگر ادامه مییابد .

برای این مؤسسات نیزمانند دانشسراهای آموزش اساسی هیئت تعلیمیهٔ

راجع باصلاح کنندگان تعلیم وتربیت اززمان «لاك» (۱) واشارات راجع به تحولات اندیشهٔ تعلیم وتربیت .

٤ـ علم‌الاجتماع .

٥ـ مطالعهٔ تشکیلات مدرسه‌ئی ، بخصوص مدارسی که برنامه‌های مختلفهٔ آن مبتنی برمطالعه وتحصیل حرفه‌ها ومحیطهای متمرکزاست .

٦ـ مبادی علم‌وظایف‌الاعضاء ، تعلیم بهداشتی وحفظ‌الصحه .

٧ـ متدلوژی عمومی وخصوصی .

٨ـ زبان هندی برای شاگردانی که دردورهٔ دیپلم آنرا نیاموخته‌اند (کسانیکه هندی میدانند یکّی از زبانهای محلی منطقهٔ (بیهار) را فرا میگیرند) .

٩ـ آموزش عملی .

آزمایشها وتحقیقات موجوده درشعبهٔ تربیت معلمین‌ممکن است‌مبتنی برمسائل زیرباشند :

١ـ نشوونمای کودك .

الف) کودك و محیط زندگی‌ونشوونمای طبیعی وفکری او، عواملی که دراومؤثرند .

ب) بهداشت کودك وتغذیه او .

پ) مطالعه دروظایف‌الاعضاء کودك .

ت) بچه داری .

ث) مطالعه درباره تربیت کودك درمهدکودکان وشیرخوارگاهها .

مطالعه درنشوونمای کودك باید مبتنی باشد برمطالعات مستقیم در بارهٔ موضوعاتیکه اززندگانی خانوادگی آنان ونزدیکترین محیط زندگی ایشان ومدرسهٔ آنها گرفته میشود .

٢ـ تحقیقات روانشناسی وآزمایشهای متفرقه :

1– Locke

الف) تهیه واستقرار تستهای هوشی اعم ازشفاهی وغیرشفاهی .

ب) ترتیب تستهای تربیتی برای شاگردان کلاسهای مختلف مدارس آموزش اساسی .

پ) تحقیقات علمی مربوط ببرگزیدن اطفالی که قراراست ازسن دوازده یا چهارده سالگی به تحصیلات بالاتر اشتغال ورزند .

ت) تحقیقات علمی و روانشناسی در بارهٔ برنامه های تحصیلات در مؤسسات تکمیلی اساسی .

ث) تحقیقات دربارهٔ هدایت شغلی واستفاده ازمشاغل .

۳ــ آمارمنطبق برتعلیم وتربیت وروانشناسی .

تربیت معلمین آموزش مقدماتی برای تعلیمات اساسی :

اقدام مهم دیگر برای توسعه وتکمیل تعلیمات اساسی افزایش محسوس مدارسی استکه بتوان ازآنها برای تعلیمات مقدماتی اساسی استفاده کرد وهمین امرخودموجب تشکیل مدارسی استکه بتوان معلمین چنین مؤسساتی را در آنها تربیت کرده تعداد این مؤسسات خیلی کم است ودر این میان باید ازمؤسسه موجودهٔ در(سواگرام) (۱) را نام برد . گاندی آموزش جدید را «آموزش برای زندگی» تعبیر کرده و گفته است :

«محیط آموزش جدیدازگهوار کودك شروع میشود وتاگوراوادامه دارد . » ولی تعبیرآموزش برای زندگی دامنه بسیاروسیعی وارد ونه تنها طول مدت آنرا میرساند بلکه مبین اشتمال آن برمطالعات مختلف نیز میباشد گاندی برای تفسیرقول خود این عبارت را میآورد :

ازسالهای نخست کودکی باید تعلیمات را پی ریزی کرد وبرای اطمینان باید پایه های آن بسیارعمیق باشند:آموزش جدید باید ازتعلیمات اکابرآغاز گردد ، یعنی قبلا باید ابوین وجماعت باسواد شوند تا درك تربیت کودکان برای آنان بیشتر باشد .

1– Sevagram

کودك باید تا پیش ازهفت سالگی درکانون خانواده وتحت نظر مادر خود پاکیزگی و حفظ مراتب بهداشت را همواره نصب العین قرار دهد و همین طور بار بیاید تا موقعیکه بدبستان وارد شود وآنچه راکه درخانه به او گوشزد شده طی تحصیلاتش بیشتر شده و مقیاس معلوماتش نیز افزونتر گردد .

کاندی میگفت: «فراموش نکنید که دراین آموزش ابتدائی باید بازهم به کودکان اطلاعات بهداشتی و پاکیزگی شخصی وتغذیهٔ داد و بآنها آموخت که درکارهای پدرو مادرخود به آنها یاری کنند.» مفهوم کامل آموزش اساسی ابتدائی اینست .

کسی که مسؤلیت تعلیم کودکان را بعهده میگیرد باید بطورحتم عالم بتعلیم و تربیت باشد(کودکانیکه آموزگار به تعلیم و تربیت آنان همت میگمارد از۲ سال و نیم تا هفت سال دارند. درکشورهائیکه آموزش اساسی متداول است کودك تا شش سالگی دورهٔ تهیهٔ ابتدائی را طی میکند . در این دبستانهای خردسالان نیزدرست مانند دانشسراهای تکمیلی ، تحصیل توأم باکاراست و کودك نورسیده ضمن فراگرفتن مقدمات دروس ، نسبت به وسعت فکر وقدرت جسم خود ، آنچه را میخواند عملا نیز به تکمیل آن میپردازد . برنامهٔ دانشسرای (هندوستانی تعلیم سانك) بدین پایه استوار است :

۱ـ تشکیلات زندگی اجتماع .

۲ـ تربیت اجتماعی .

۳ـ مطالعه درباره کودك .

٤ـ تاریخ تعلیم وتربیت .

٥ـ اصول وهدفهای اصلی آموزش مقدماتی اساسی .

٦ـ مضمون آموزش مقدماتی اساسی .

۷ـ تربیت کار .

۸ـ نظافت بهداشت .

۹ـ مطالعات مربوط به طبیعت (باغبانی ومواظبت حیوانات کوچك جزوهمین درس است) .

۱۰ـ زبان وادبیات (باضافهٔ طرزسخن گفتن دراجتماعات) .

۱۱ـ موسیقی ووزن .

۱۲ـ هنرها وحرفه‌ها : فعالیتهای‌خلاقه وکارهای‌دستی که موافق‌طبع کودکان کوچکتر از هفت سال باشد . بطوریکه ملاحظه میشود ، آموزش اساسی به کندی‌وتأنی پیشرفت میکند ولی‌پیشرفت‌آن حتمی‌است وباپیشرفت این مورد ، تربیت معلمین نیز که دراین امردعوت میشوند پیشرفت میکند . باید خوشوقت بود کـه جنبهٔ عملی این تربیت وجنبهٔ نظری‌آن هرچه کمتر باشد . مواد دروس دردانشسرا ، بایدکامل و زندگی اجتماعی مقرون بهم آهنگی ونظم باشد اگر خواسته باشید این مورد در مدارس (شاگردان آموزگار) نیزمصداق یابد لازم است دستورفوق بطورقطع بمرحلهٔ اجرا در آید .

دردانشسراها . استادان باید سعی کنندکه آنان را با مسائل صریح آموزش اساسی مربوط کنند تا هنگامیکه این شاگردان حرفهٔ معلمی را پیشهٔ خود ساخته درحل معضلات ودشواریها عاجز نمانند . باید متذکر بود که دانشسراهای مقدماتی آموزش اساسی بررویهم متوجه اهمیت و نتایج عالی این تعلیمات‌هستند وحقیقةً محصلین را به‌چگونگی انجام این‌مأموریت خطیرمستحضر میدارند .

۱- برنامهٔ مقدماتی کشاورزی و باغبانی دانشسراهای مقدماتی «مادهیا پرادش» (۱)

اصول عمدهٔ کشاورزی و باغبانی :

خاك: تشکیل زمین ازراه تجزیه‌وخرد شدن سنگها . خاکهای اصلی وخاکهای رسوبی اجزاء متشکله ومعدنی اراضی. طبقه بندی اراضی برحسب عناصرمتشکله (ریك ، خاك قرمزوغیره) ظرفیت نگهداری آب .

زراعت ـ مقصود از آن .صلایه وتهویه ، ازمیان بردن علفهای‌هرزه وحشرات . روشهای کارشخم زدن،صاف کردن وخرد کردن سنگهای مزرعه وغیره وسیلهٔ آلات وابزارقدیمه وتکمیل شده .

کوت ورشوهٔ زمین ـ لزوم اینعمل ، عناصر خاصیکه در ترکیب کوت ورشوه موجود است .

(آزوت ، آسید فسفوریك و پتاس مثلا) اهمیت این عناصر . انواع مختلفه‌کوت ورشوه وطرز استفاده از آن .کوت ورشوه‌ئیکه بمقدار زیاد مصرف میشود وبدست‌آوردن‌آن دردهات‌آسان است . کوت ورشوه‌ئیکه دارای غلظت است‌مانند‌کوت ماهی، کوت گرد استخوان‌وکوتهای‌شیمیائی) وطرزآوردن‌آنها ازشهر، تهیهٔ کود وتخته پهن‌دردهکده.

کشت و زرع خاص هر فصل در مزارع و باغها . روابط بین زمین وآب وهوا وزراعات . استحصال نباتات ازدانه‌ها . اقسام کشت‌خوب. وسایل کنترول‌انواع‌مزبور. نرخ کشت به‌هکتار. (برای زراعت عمدهٔ محل) روش کشت نباتات وتهیه گیاهان نشائی .

1– Madhia Pradesh

درخت کاری ـ جوانه زنی ، نهال نشانی ، قلم شکافی وقلم‌منه‌ای (درمواقعیکه فصل قلم زدن هست) .

درو ـ درو کردن ، کوبیدن . خشك کردن و انبار کردن انتخاب و ذخیره دانه‌های مخصوص کشت .

وجین،منظور، روشها ، وفصل مساعد .

آبیاری ـ منظوراز آن،طرق مختلفهٔ آن،(آبیاری طبیعی ومصنوعی) منابع ویژهٔ آب(انبار، جوی ، چاه ، رود خانه وغیره) .

طرق بالاآوردن آب بوسایل مختلفه قدیمه وجدیده . طرز آبیاری کشتزارها .

زه کشی ، لزوم آن . روشهای زه کشی اراضی .

طرز بهره برداری از یك مزرعه ویك باغ تعیین‌میزان بهره برداری ازطریق رسم منحنی‌های سطح و درعمل زراعات . محدود ساختن محوطهٔ باغها بوسیلهٔ پرچین ، گیاهانیکه بدرداینکارمیآیند . طرز کشت اقسام گلها سبزیها ودرختان میوه .

زندگی گیاهان :

ریشه ـ عناصرمختلفهٔ آن ، بغله وپوشش . اقسام مختلف ریشه‌ها : ریشه‌های عمودی‌وطرزدسته‌دسته ، اعمال ، جذب عناصرغذائی ، استقراردر زمین وتمایل بجهت های مختلف که دارای مواد جوهرهای غذائی هستند .

ساقه ـ قسمتهای مختلفهٔ آن : منظرهٔخارجی. (خود ساقه ، شاخه‌های آن ، شکوفه وجوانه .)

قطع ـ (دانه ، چوب ، ومغز)ساقه‌های هوائی وساقه‌های زیرزمینی عملیات (انتقال شیره درقسمتهای بالای نبات . محفوظ داشتن عناصرغذائی وغیره) .

برگ ـ عملیات (جذب کربن تنفس ودفع هوا وترشح) .

گل ـ قسمتهای اصلی وعملیات آنها . مشخصات اقسام عمده .

میوه ـ قسمتهای عمده درختان میوه .

دانه :

حشرات زیان آور :

اطلاعات کلی راجع به زندگی حشرات . حشرات مفید وحشرات موذی اقدامات لازم برای پیش گیری وجبران خسارات حشرات به زراعات منطقه.

مواظبت از حیوانات :

چگونگی تغذیه و آب دادن به حیوانات . تغذیهٔ حیوانات باید متناسب کاری باشد که ازحیوانات انتظار میرود ، غذای حیوان باید پاکیزه وسالم باشد همچنین آب آن. چراگاهها باید بقدرکافی بزرك باشد وعلفهای خوبی در آن بعمل بیاید . تهیهٔ علیقه وعلوفه .

مسکن ، اصطبل باید پاکیزه . هـوا گیرو بقدرلازم وسیع باشند تا حیوانات بتوانند آزادانه حرکت کنند . محوطه برای گاوها ، طفیلی ها ، لزوم قشو کردن وبروس زدن و شستشوی حیوانات برای محافظت از کیك وشپش ، بیماریها ، بیماریهای معموله است . برفك ، بیماری گاوی، (طاعون، اسهال) ،داروهای اولیه ، پرورش ، طرزهائیکه بابکار بردن آن حیوانات را مشخص مینمایند . (کار، شیر ، گوشت وقصابی وغیره) پرندگان . اصول عمدهٔ پرورش ، انتخاب وپرورش ، رشد ومنافع آنها، گاوهای وحشی مفید. اخته کردن حیواناتیکه برای تولید آنها نیست . انجمن های حمایت حیوانات انجمن صلیب آبی . دانشسراهائیکـه حیوانات دردسترس آنها نیست باید شاگردان را درمراتع همجوار بفراگرفتن معلومات مزبوروادار کنند .

مرتبهٔ عملی که شاگرد باید بدان نایل آید :

معلم آینده باید درپایان تحصیل مراتب زیررا حائز باشد :

۱ــ تجربهٔ کشاورزی عملی که درهریك ازدوره های سه ماههٔ تحصیل اطلاعات معینی راجع بآن حاصل میکند .

۲ــ دانستن عملی هزینه های کشاورزی .

۳ــ تجربهٔ عملی عملیات زیر : تهیه نباتات برای نشازدن، قدزدن ،حفظ برچین ها .

۴ـ تجربهٔ عملی مواظبت‌های حیوانات خانگی و یک معلومات کافی از چگونگی انجمن حمایت حیوانات و انجمن صلیب آبی .

از لحاظ نظری معلم آینده باید اطلاعات کاملی از کشاورزی داشته باشد تا بتواند شاگردان روستائی خود را بجزئیات آن آشنا سازد . معلم آینده باید نشان بدهد کــه به کتب و مجلات مربوط به اصول جدید کشاورزی علاقه دارد .

۳ـ برنامهٔ کارهــای ریسندگی و بافندگی دانشسراهــای مقدماتی (مادهیا بهارات) (۱)

دروس مربوط بصنایع فوق‌الذکر شامل شناسائی علمی و عملی پارچه بافی و تعلیم آن بشاگردان است که در پنج کلاس ابتدائی تدریس میشود .

کشت پنبه :

استاد ریسندگی دست به اقدامات لازم میزند و با استاد کشاورزی اشتراک‌مساعی مینماید تا اینکه شاگردان خودشان بتوانند طرز کشت پنبه را عملا فراگیرند .

چیدن پنبه :

موقع چیدن وطرز عمل آن . پاک کردن پنبه : نتیجه‌ئی که شاگرد باید در پایان تحصیلات بگیرد .

دانه کردن ـ دانه کردن وسیله اسباب دستی . لزوم خشک کردن پنبه پیش از دانه کردن. نتایجیکه شاگرد باید در پایان تحصیل بگیرد . سی (تولا) پنبه مرطوب یا بیت (تولا) پنبه خشک در نیم ساعت. قسمت‌های مختلف دستگاه دانه کردن ، مطالعه در بارهٔ این دستگاه و آلت دانه کردن دستی کسب نتیجه برای رسیدن ۳/۱/۲ (تولا) پنبه در نیم ساعت .

شانه زنی ـ اندازه گــیری لزوم شانه زنــی پنبه . سه قسمت فنی شانه زنی .

۱ـ شانه زنی وسیله کمان کوچک دستی مواظبت درنگاهداری پنبه

1– Madhya Bharat

چیده شده . قسمتهای مختلفهٔ آلت آن . اندازه وطرزساختمان ، نقطه‌ئیکــه کمان باید به زه برسد ، تهیهٔ کمان .

۲و۳ــ پنبه زنــی جدید : معلمین آینده باید پنبه زدن با انگشتان و با تیغهٔ چوب بامبورا یاد بگــیرند . مطالعهٔ قیاسی « پنبه زنی ملایم » و « پنبه زنی جدید» .

تهیهٔ نوار :

متد صحیح برای تهیه نواروورشته ،آماروچگونگی یك نوار خوب . طول ، وزن وشکل ، مواظبت دربسته بندی نوارها ، موادی کهٔ بکارمیرود: میز. ترکه ودستهٔ چرخ .

ریسندگی :

ریسندگی وسیلهٔ (تکلی) : ریسندگی با دو دست . استعمال مقوا و خاکستروعوض ، طرزصحیح برای تابیدن نخ روی (تکلی) ، برای تابیدن نخ روی قرقره . برای تهیه کلاف . طرز نخ تابی با (تکلی) با اوضاع مختلفه :

١ــ وضع نشسته : تابیدن درزمین وپیچدن درهوا .

٢ــ « درهوا « درزمین

٣ــ « درزمین «

٤ــ وضع ایستاده تابیدن درهوا وپیچیدن درهوا .(ریسندگی وسیلهٔ تکلی) باید یکبار وسیله شصت و سبابه وباردیگر وسیله شصت و انگشت وسطی انجام گیرد .

ریسندگی وسیله (شرخه) ریسندگی وسیله (کیزان) یا (تاروادا) شرخه محلی ، تهیه شرخه ، مراقبت درخوب کار کردن اسباب : روغن کاری، مقیاس گیری ، چرخ وپیکر آن آلت .

بافندگی مقدماتی :

بمعلمین آینده تمام مراتب رشته‌های زیر آموخته میشود :

١ــ بافته وفتیله .

٢ــ (بافتهٔ عریض) .

۳ـ (فرش زمینی) .

٤ـ مشعل .

۳ـ برنامهٔ کارهای چوبی دانشسراهای مقدماتی (مادهیا بهارات) :

در این دروس منظور اینستکه اطلاعاتی راجع بکار دستی چوبی بشاگردان داده وآنها را با اصول این کار آشنا سازند . حتی المقدور باید اسباب کار ساده و باوضع بومی تطبیق نماید . شاگردان را باید عادت داد که روی میز های ویژهٔ نجاری معمولی و بومی کار کنند . دستور چنین است کـه حتی الامکان از بکار بردن اصول علمی درودگری خود داری شود . شاگرد را باید درساختن اشیاء چوبی ساده آزاد گذاشت .

برنامه :

بکاربردن ابزارهای ذیل : قیچی ، رنده ، خط کش ، گونیا ، تخماق چکش دوسر کوچك ، چکش بزرك ،آچار ، میخکش ، گیرهها متهدستی ، قید ، پرگار ، رنده ، آچـار بزرك . برای بریدن ، سوهان ، سنك ساب ، غلطك . خط کش تیرهدار ، تبر .

شرح و توضیح دربارهٔ ابزاروآلاتی که شاگردان بکار میبرند . طرز حفاظت ابزاراز زنك زدگی و خراش رسم و نقاشی مقیاس های مختلف : یك خط مستقیم به دو قسمت مساوی . ترسیم زوایای مختلفه ومنحنی و مثلثات . تمرینات ساده .

ارّه کشی ورنده کشی . طرق مختلفهٔ جفت کردن تختهها .کار گذاشتن چوب رختی ، میز کوچك وقفسهها ،کاغذان ، جای کتاب ، چهارچوب عکس سینی چوبی ، میزمعلم ودوات .

درست کردن مبلهای شکسته .

کارهای مربوط به نی ، سه پایه وصندلی وسایراشیاء ساده .

رنگ کاری،جلادادن وانواع آنها .

لاك کاری ، تهیه رنگها .

۴ـ برنامه بهداشتی و تندرستی (مناطق روستائی) دانشسراهای مقدماتی بنگال غربی :

بهداشت شخصی : نظافت . بدن ، حمامها والبسه ، مواظبت چشمها ، دندانها و موها و پوست ، بیماریهای پوست و علل آن وطرز مداوا . وضع مطلوب بدن در موقع ایستادان نشستن و درحال حرکت ، منافع ورزش ، آفتاب وهوای سالم . کار ، خستگی ورفع خستگی ، مقداراستراحت وخواب درسنین مختلفه .

خانه مسکونی وعمارات مدرسه‌ئی ، انتخاب نقل‌مکان ، استقرارمطلوب از نقطهٔ نظر روستائی وهواگیری . زه کشی ، نقل‌مکان آشپزخانه ، مستراحها واصطبلها ، تخلیهٔ مستراحها و آبهای مستعمله (فاضل آبها) رآبریزها .

آب : صفت یك آب آشامیدنی ، چگـونه آب نجس میشود . طریقه جلوگیری ازنجس شدن چشمه . چگونگی تهیه‌آب آشامیدنی .

تغذیه ـ لزوم‌آن برای :

الف) ترمیم ضایعات بدن ؛

ب) تضمین نشوونمای بدن ، انواع مختلف غذاوفائدهٔویتامینها ، شیر غذائی ، لزوم غذادرمواقع معینه . مضارغذاهای فاسد برقراری یك رژیم خوب غذائی . مضارمخدرات .

بیماریهای انتشاریافته وطرق جلوگیری ازآنها : سرماخوردگیها و زکامها ، نوبه ، کالاآزار ، تب تیفوئید . وبا ، آبله ، اسهال خونی « آب آوردن مسری » وسل ، احتیاطات لازمه برای جلوگـیری از بیماریهای عفونی ومسری .

حوادث وتصادفات ساده‌ومعالجهٔ آنها : استعمال داروهای ضدعفونی . گزش زنبوروعقرب ، گزش مارها وسگها ، طرزمعالجهٔ آن .

۵ـ برنامهٔ اقتصاد روستائی و خدمات اجتماعـی (مناطق روستائی) دانشسراهای مقدماتی بنگال غربی :

این برنامه بمنظورداشتن یك زندگی بسیار آسان و آسوده‌ومبارزه‌علیه‌زیاده

روی درصرف کار، وقت پول وغیره تنظیم شده .

درآمدهای تکمیلی ، پرورش پرندگان ، تهیه لبنیات . پرورش بزو سایرچهارپایان بزرك ، پیشهٔ خانوادگی .

اختلاف دردهکده ، عرضحالها ، مخارج مربوط به دعوتها وتشریفات مذهبی . استقراضی وفقردائمی درمناطق روستائی .

بهره برداری کشاورزی : تدارك آبیاری وزه کشی . وسایل داشتن کشت وبذرخوب وحیوانات نیرومند، اصلاح وضع ابزار، کشاورزی اشتراکی بیماریها والکل های متداوله وطرزمعالجهٔ آنها، انتخاب زراعات ، شرکتهای فروش .

مسئلهٔ تغذیه ـ اغذیه ارزان ومغذی وتهیهٔ آنها . چراگاهها ومسئلهٔ تغذیهٔ بهائم .

اصلاح مسکن درمورد بنا ، مواد ساختمان ، استفاده ازآبهای مصرف شده ، آبهای مطبخ ، طرق عمومی ، زه کشی عمومی زمین ، کتابخانه وزمین بازی عمومی ، اجتماعات دهکده‌ها ، تشکیلات ومیدان عمل آنها، نقش معلمین دراین اجتماعات ، آموزش بالینی، زنان ومردان ، قدراخلاقی اجتماع روستائی وفعالیتهای شهری آنها ، تفکیکات ، منظور ونقش نهضت اشتراکی تشکیلات مربوط بترقی روستائی . عمل آنها ، نقش عمال دولت وغیره .

٦ ـ طرح یك بازرسی روستائی که شاگردان معلم دانشسراهای (میدهیاپرادش) (١)اجرا مینمایند .

توصیف عمومی دهکده.

١ـ تغییرمنزل دادن.

٢ـ سطح اراضی دهکده .

٣ ـ تعداد خانه‌ها :

الف) پوشش با سفال

ب) پوشش با سفال یا آهن .

٤ ـ سطح بنا

٥ ـ تعداد متوسط اطاق‌های خانه

٦ ـ چند خانه دارای پنجره است ؟

١– Madhga Prad sh

۷ ــ پشت‌بام طوری ساخته شود که بادگیر داشته باشد ؟
۸ ــ استقرار یك نقشه طرحی زمین دهکده .
۹ ــ استقرار نقشه (افقی) یك خانه معمولی .

جمعیت

۱ــ جمعیت کلی .
۲ــ طبقات اصناف یا جماعت معروف دردهکده (با تعیین تعداد نفرات درهرمورد) .
۳ ــ تعداد خانه‌ها دردهکده .
٤ ــ تعداد متوسط نفرات هرخانواده .
٥ ــ آیا سیستم شیوخ متداول است ؟
٦ ــ جمع کل .
الف) مردان ب) زنان، پ) اطفال پسر کمتراز ۱٤ ساله ت) دختران کمتر از ۱٤ سال.
۷ ــ تعداد کودکان فوت شده درهرفامیل .
۸ ــ مهاجرت :
الف) تعداد مردانی که دهکده را ترك گفته‌اند .
ب) تعداد زنانی که دهکده را ترك گفته‌اند.
پ) جائیکه رفته‌اند.
ت) شغل هرمهاجر ث) علل عزیمت آنها ج) آیا گاهی مراجعت میکنند ؟ چ) آیا مکاتبه میکنند ؟ ح) آیا پول میفرستند ؟

آداب ورسوم اجتماعی

۱ــ سن متوسط ازدواج چیست ؟ الف) برای پسران ب) برای دختران ؟
۲ ــ آیا اشخاص بالغ مجرد وجود دارد ؟
۳ ــ آیا بیوه‌هائی که مجدداً ازدواج کرده باشند وجود دارند ؟
٤ ــ ازکجا زن یا شوهرمیگیرند ؟
٥ ــ خارج ازتیره وصنف اجازهٔ ورود بصنف دیگر را دارند ؟

٦ ـ آیا مردم بدبستانهای عمومی راغب‌ترند یا بدبستانهائی که بوسیلهٔ یك کمیتهٔ تعلیمی احداث شده‌اند ؟

۷ ـ آب‌مشروب رااز کجا فراهم میکنند ؟

۸ ـ آیا گوشت گاو میخورند یا لاشهٔ حیوانات ؟

۹ ـ آیا ازسکنه کسانی هستند که اصلا بشهر نرفته‌اند ؟

۱۰ ـ چندنفر با ترن سفر کرده‌اند ؟

۱۱ ـ چندنفر از ولایت خارج شده‌اند ؟

۱۲ ـ آیا مناسبات دهکده‌های همجوارخوب است ؟

۱۳ ـ کسانی هستند که برای مراسم تغذیه سفر کنند ؟

۱٤ ـ اگرهستند چندبار این‌کار راکرده‌اند وکجا رفته‌اند ؟

۱٥ ـ تاچه اندازه نفوذ شهررا تحمل میکنند ؟

۱٦ ـ چه تظاهراتی دردهکده وجود دارد : جشن وعید میگیرند ؟ نمایشهای‌حزن‌انگیزدارند ؟ آوازمیخوانند یا حکایات حفظی وغزل خوانی میکنند ؟ بازیها (باآواز یاکف زدن تظاهرمیکنند ؟ ورزشهای روستائی آیا مانند جنگ خروس ورزش میکنند ؟ یا شبیه بازی بچه‌ها است ؟

۱۷ ـ چگونه میتوان تظاهرات بی‌ضرر وآرام را باهالی‌تلقین کرد؟

اصلاحات شرایط بهداشتی وسلامتی

آ) آب مشروب را چگونه بدست میآورند ؟ آیا ازچاه میکشند ؟ ازجوی یا از انبار یا رودخانه یا ترعهٔ وچشمه ؟

ب) آیا خانواده‌ئی هست که آب مشروب خودرا بجوشاند ؟

پ)آیا مردم درآب چاه یاچشمه یا رودخانه استحمام‌میکنندیا لباس میشویند یا بسراغ آبهای مشروب میروند ؟]

ت) آیا دردهکده مستراح موجود است ؟

ث) نظافت راههای عمومی چگونه تأمین میشود ؟

ج) مردم چندبار استحمام میکنند ؟

چ) بیماریهای شایع در دهکده کدام هستند واقدامات لازم برای جلوگیری ومعالجهٔ این امراض چیست !

ح) مرگ و میر کودکان دردهکده .
خ) هنگام زائیمان بانوان چه مواظبت هائی از آنان بعمل‌میآید ؟
د) شاگردان معلم چه اقدامی میتوانند بکنند تا عادت بهداشتی و وضع صحی همگانی دهکده اصلاح شود ؛

۷ـ برنامه پرورش جماعات و فعالیتهای پرورشی دانشسراهای تعلیمات اساسی درمدرس :

زندگی آزاد ـ هدفهای‌اجتماعی‌آموزش جدید ، ایده‌آل اشخاص متمدن است : تشکیل‌جماعت دانشسرا بنا براصول‌دموکراسی وحق انتخاب برای هریك ازآن جماعت درانتخاب اعضای اداره وهمکاری باآنها،لزوم بدست‌آوردن یك تعادل صحیح بین‌آزادی ووظیفه . ایجاد یك روایت .

بهداشت : نظافت مساکن واراضی . تهیه اغذیه ،آشپزی ، باغبانی، خدمات اجتماعی و سایرفعالیتهای مربوط به نظام همگانی ، که باید به دسته‌هائی سپرده شود ودرکارروزانه معمولی اجرا گردد .

خدمات اجتماعی :

سرویس خدمات اجتماعی مسؤل تشکیلات مجدد مراتب زیر در دهکده‌ها میباشد :

۱ـ حرفه‌ها : تاریخ و تحولات حرفه‌های مزبور ، مسائل اقتصادی ، مواد اولیه ، ابزاروآلات وغیره . چگونگی اصلاح اوضاع ، دایرکردن زمینهای بایروتکمیل سیستم‌آبیاری .

۲ـ **بهداشت وتندرستی ـ** رسم حدود دهکده ، اصلاح ، احداث آبریزها . مستراحها، حمامها ، مواظبت منابع آب، مبارزه علیه‌بیماریهای مسری .

۳ـ **زندگی اجتماعی ـ** تعلیم اصول زندگی آزادی طلبانه و همکاری، تشکیل یك (پانشایات) دردهکده وسرویسهای مختلفهٔ آن باضافه یك سرویس مراقبت . برطرف ساختن اختلافات از طریق میانجیگری حسن تفاهم بین مردم ، اجتماعات جوانان ، مسائلی که عناصر ضد اجتماعی

پیش میآورند وحل مسائل مزبور .

٤- **زندگی تربیتی** - تشکیل بازارهای مکاره وجشنها ، دسته‌های ورزشی ، باشگاههای ریسندگی ، انجمن‌های ادبی ونمایشی ، رقص وآواز ملی وغیره .

٥- **آموزش بالغین** - هدفهای عمده (اختیارات اجتماعی وزندگی معتدل : هدفهای عمده ، راکدگذاردن بیسوادی ، دهکده مرکزجماعت .

برگزاری جشنها :

اعیاد ملی ،اعیاد مذهبی وجشنهای فصلی ،تظاهرات اجتماعی وتربیتی . تمرکزوتحت اسلوب صحیح درآوردن این جشنها طبق یك نقشه باستانی .

مسابقات مدرسه‌ئی :

مسابقات بزرك - وپرارزش - بمنظور پرورش ونفع تربیتی وعلمی وآموزشی ،گردشها و دوها - مسابقات کم ارزش - برای ملاحظه اوضاع طبیعی ، عمل کردن به حرفه های محلی وغیره (گردشهای نوع دوم کـه حتی المقدور باید متواتر و زیاد باشد ممکن است اغلب بافعالیتهای دیگر خارجی مانند خدمات اجتماعی وغیره همراه باشد .)

موسیقی - نظری - شناختن آهنگهای ویژه محلی وهندی ، شرح حال موسیقیدانهای بزرك هندی ، عملی - تمرین سازهای مختلفهٔ محلی هندی . قصاید افسانه‌ئی وآوازهای ملی ، دو گفتارموسیقی .

آوازهای ملی و تصنیفات کار . پیدا کردن وسعت صدا برای کلاس ، دسته بندی شاگردان برحسب استعداد موسیقی شان ،آوازهای دسته‌جمعی . انتخاب تصنیف های موافق به مدارس ، تشکیل سرود های دسته جمعی و ارکسترهای ضربی . تشکیل باشگاههای موسیقی . تشکیل شب نشینی‌های توأم با موسیقی توسط شاگردان . نمازروزانه ، تظاهرات توأم باموسیقی مسابقه بین مدارس .

تهیه دفتر کلاس وبرداشتن فهرست فعالیت ، یادداشت شماره یك - آوازوبا چندین صدا وآوازانفرادی باید تشویق گردد .

۲- جمع آوری واختیار آوازها ورقصهای محلی حائز اهمیت است .

رقص و نمایش :

شاگردانیکه نسبت به رقص و هنرپیشگی از خود هنرنمائی میکنند بایدمورد نظر مقامات مدرسه‌ئی قرار بگیرد وازآنها درمراسم‌ویژه‌درفواصل اندك بخصوص درجشنها استفاده شایان بعمل آید .

نقاشی وتصویرسازی وغیره :

اطلاعات راجع به‌رنگها ، رنگهای اساسی ، جای گرم وسرد رنگها، ترکیبات ، رنگ بدوخوب ، هم آهنگی رنگها،هم آهنگی رنگهای تکمیلی هم آهنگی قیاسی ، اختلاط رنگها،زمین‌ها وسایر رنگهای معدنی ، رنگهای شیمیائی، لزوم نرمی رنك ، شکل ، اختلافات شکلها ، ملاحظه وتوجه به اشکال طبیعی ، فایدهٔ آنها در نقاشی وساختن اشیاء مورد احتیاج روزانه ، شکل درهنرهای باستانی .

نقاشی — منشاء وکارهای استادان قدیم . اعلانات ، املای تزئینی، ترکیب و مطالعهٔ مناظر طبیعی ، مطالعهٔ اشیاء مجسم در نقاشیهای اصلی . نقاشی مدلهای اشیاء معموله باضافه‌آلات حرفه‌ئی .

تزیین — دستور نقاشی‌تزیینی، اشکال تزئیینی و فهم آنها ، تحقیق نقاشی درهنرهای باستانی . تزئینات برای اعیاد ، دکورهای تئاتر، تزیین بکمك گلها وگیاهان وغیره ، ساختن تاج گل وسایر تزئینات ساخته شده از گل . پرداختن یك‌میدان درجشنها . نقاشی برای کارهای منسوجی وسوزنی وغیره ، تشکیل وتزئین نمایشگاهها .

زبان هندوستانی :

معلمینی که برای آموزش اساسی عالی تربیت شده‌اند باید از سال ششم تا هشتم زبان هندوستانی‌را بیاموزند وآنهائیکه برای‌آموزش ابتدائی تربیت میشوند باید این زبان را بقدرکافی بدانند تا بتوانند :

۱- راجع به امورروزانه صحبت کنند ودرآن شرکت نمایند .

۲- کتابهاومجلات‌ومقالاتی‌را که ادارهٔ (آموزش‌جدید) برای‌استفادهٔ

معلمین از لحاظ حرفه‌ئی وفنی انتشار میدهد بخوانند .

۳ـ مکتوب ساده‌ئی را راجع به زندگی روزمره مدرسه تنظیم کنند .

برای درجات عالی پایهٔ معلومات زبان هندوستانی باید بالاتر قرار گیرد .

آموزش هندی ، جائیرا که زبان هندوستانی درمیان زبانهای هندی اشغال میکند . مقایسه این زبان با زبانهای دیگر. جای زبان هندوستانی در تعلیمات ملی ، زبان مادری ، وسیلهٔ نقل وانتشار آموزش ، اهمیت عملی وتربیتی هندی وشکل آن ، آموزش شفاهی ، تلفظ ولهجه ، قرائت ومطالعهٔ کلی ، دستور زبان وعمل آن ، کتابت ، دبیری .

۸ـ برنامهٔ آموزش اجتماعی دانشسرای آموزش اساسی بیکرام(۱) (کشور بیهار) (۲) :

نظافت ، بهداشت وتوزیع داروها ، کوچه وجاده وجوی کشی صحی نظافت منازل ، پنجرهٔ های روستائی و هوا خوری ، چاله های مستراح ، ساختمان آبریزها ، پرستاری های طبی ازسکنه وبهایم .

آموزش ـ آموزش کودکان و بالغین دو جنس . تشکیلات دروس شبانه .

توسعه وتکامل ـ استفاده ازهرجریب زمین برای کشت سبزیها توسعهٔ کشت پنبه ، تبلیغ دراطراف کارهای دستی. استعمال دانه‌های برگزیده شده وتربیت بهائم نژادی .

برنامهٔ امور آبیاری . چاهها، ترعه‌ها وغیره ، دخول در قصبات، پرورش ماهی وپرورش نوغان، پرورش زنبور عسل وغیره ، برنامهٔ اشتراك اقتصادی، اشتراك کشاورزی ، تجارتی وغیره .

برنامهٔ تربیتی وتفریحی ، موسیقی ، نمایش ، حکایات حفظی تاریخ، اجتماعات هفتگی .

تشکیلات ادارات قصبه (اداره بهداری و بهداشت همگانی ، آموزش

1– Bikram 2– Bihar

همگانی ، تربیت ، کشاورزی ، صنعتی ، تبلیغات وغیره) .
کمیتهٔ محلی ، باشگاه ، کتابخانه ، سالهای عمومی .
از میان بردن برخی از نا ملایمات اجتماعی مانند ازدواج کودکان ، سیستم جهیزها که نا درست‌اند ، هزینه های مفرط زناشوئیها ، آلکلیسم وغیره .
تبلیغات ـ مجلات ، مقالات ، نمایشگاهها ، اعلانات ، اطلاعات و روزنامه‌ها .

۹ـ برنامهٔ هندوستانی تعلیمی سانك درمورد تهیه اغذیه :

سازمان کاردر آشپزخانه : محل آشپزخانهٔ ومخارج .
محل برای فعالیتهای گوناگون : سایش وکوبیدن ، تهیهٔ سبزیها ، حفظ شیر ، طرز پختن اغذیه ، ظرف‌شوئی ، محل چاههای ذخیرهٔ آب آشامیدنی مسافت متغیر که‌فعالیتهای مختلف الزام میکنند (برحسب اهمیت جماعت) .

طرح نقشهٔ محل آذوقه :

نقشه‌های طبقه دار ، آلت‌های زمینی ، جعبه‌های حلبی . سرپوش ، بهترین طریقهٔ حفظ اغذیهٔ مختلفه ، طبقه‌بندی صحیح مواد غذائی وگذاردن اتیکت روی آنها ، چگونگی حفظ سبزیها و میوه‌ها ، شیر و محصولات شیری ، تهویه وروشنائی لازم برای محل آذوقه ، وزن‌راندازهٔ گرفتن صحیح محصولات غذائی ، اقدامات معمولهٔ برای اقسام مختلف اغذیه .

تجهیزات :

آلات سائیدن : تخماقهای سنگی ، انواع سنك مستعمله تیپ‌میلهائی که معمولا استعمال‌میشود . ماشین‌های روغن کشی : اقسام مختلف (گانی) که دراکثر نقاط هند معمول است اسباب وآلاتیکه درساختن آنها بکاررفته است ، اصول مکانیکی که درکارمیآیند . انتخاب رقمیکه مستعمل است‌چاپ قوهٔ فعالیت وبهای خرید آن .

اسباب‌کار آشپزخانه وتهیه اغذیه : ـ تجهیزات لازم برای پختن نان (برشته) مواد مستعمله و چگونگی انتخاب آنها . طرز پختن برنج و نخود ولوبیا وسایر حبوبات وسبزیها وشیر . پخت‌و پز بمقدارزیاد ولوازم

اینکاراثراتیکه روی فلزات وآلیاژها ازنورپدید میآید وآثارآب وهوا و آتش درروی‌آنها . اثرات ترشی‌ها درظروف‌واغذیه . لزوم ظروف برای حفظ اغذیه ، استعمال روزانهٔ ظروف .

نقشه یك آشپزخانه :

احداث اجاق وکوره ومواظبت ازبادهائی که برآنها تسلطمییابند. تعداد وطبیعت وساختمان اجاقهای مختلفه ، لزوم حفظ حرارت برای اینکه تمام‌آن مصرف پختن گردد . طرزجلوگیری از دود ، ساختمان علمی اجاق ونجاری برای بدست‌آوردن نتایج مزبور ، (ماگان‌شولا) و سایراجاقهای مشابه ، با حرفه وبی دود .

آذوقه‌ها ومواد غذائی (تهیه وذخیره وحفاظت) :

سوخت :

چه وقت وچگونه باید سوخت را جمع کرد یا خریداری نمود ؟

چوب : انواع مختلف چوبها که درمنطقه یافت میشود . اقسام‌آنها. چوبیکه‌آتش تند وگرم یا ملایم تولید میکنند . زغال چوبی وزغال زمینی: اصل ومنافع . تفاوت زغال زمینی وزغال چوبی .

سوخت‌های مایع وگاز دار : آشپزخانه‌های نفتی و الکلی، پریموس وغیره .

برق برای‌سوخت . انتخاب سوخت ودرنظرگرفتن بهای‌آن وکالری آن در ظروف مستعمله ، اقدامات لازم برای ذخیره مواد سوخت درفصول بارانی .

حبوبات سبزیهای مختلف :

چه وقت وچگونه بایدآنهارا چید یا خریداری نمود ؟ متدهای تعیین مقدارلازم‌پیش ازخرید اثراتیکه درجهٔحرارت‌هوا درحبوبات وسبزیهادارد واثرات نوروتاریکی ، قارچها وحشرات وانگل‌ها وغیره .

یك مسئله ملی که حل آن فوری و لازم است : انبارکردن حبوبات آنطوریکه‌باید وشاید.متدهای بومی‌ومتدهای علمی انبارکردن .باشرایط

موجوده درهند چگونه باید عمل کرد .

متدهای متداوله در سایر کشورها که از حیث آب وهوا مشابه هند میباشند . منافع قیاسی برنج پخته شده درظرف سر بسته .

سبزیها ومیوه‌ها :

موقع وچگونگی چیدن‌آن وخرید ونگاهداری آن از نظر مصرف فوری ، تحقیق درجنس میوه پس‌ازخرید ، مواردی که ذخیره میوه وسبزی لازم است . منافع ومضارذخیره میوه وسبزی .

متدهای بومی تهیه ـ وسیلهٔخشکاندن ، نمك زدن ، نمك سوز کردن وحفظ آنها ، متدهای علمی :

وسیلهٔ خشکاندن‌آب آنها . گذشتن دریخچالها،جعبه گذاری ،اصولی که برای این عملیات ضرورت‌دارد ،آزمایشهای مربوط به‌استعمال آنها در مناطق روستائی ، مرباها ، ژله‌ها وغیره .

شیر ولبنیات :

شیراز کجا تولید میشود ؟ شیردوستی ، اهمیت داشتن حیوانات سالم. امتحان شیر باآلت ویژه و غیره . چراو چگونه باید شیر را جوشانند . طرز جلوگیری از ترشیدن شیر . سرشیر گـرفتن . استعمال سرشیروشیربدون سرشیر . شیردلمه شده را چه‌باید کرد ؟ عمل باکتریها . تهیهٔ پنیروغیره .

بکاربردن چلیك کره سازی وخامـه گیری محلی . اصول مربوط به آنها ، طرزساختن کره .

اصول ساختن کره ، شیرگردی وپنیر .

سایرمحصولات غذائی :

شستن و ریزریز کردن حبوبات و سبزیها و غیره . پوست کندن ، وکوبیدن ، متدهای خوب ، نگهداری و استعمال اسباب وآلات مربوطه ، نگهداری عناصرغذائی بطریق کوبیدن وسائیدن بادست . پاك کردن وجدا کردن وشستشو بادست ، طرزواسباب اینکار،بهترین طرزشستن برنج برای حفظ تمام ارزش غذائی آن ، پاك کردن نمك .

تهیهٔ سبزیها :

آلات لازمه برای چیدن و غیره ـ طرز پاك کردن و انبار کردن و نگهداری آن دروضع خوب .

تهیهٔ سبزیها که بطور خام مصرف میشوند (سالاد وغیره) افزودن پرمنگنات دوپتاس ونمك به آبی که جهت شستن آنها بکار میرود . اهمیت غذاهای خام برای تندرستی . طرزقطع کردن هرسبزی بطوریکه تمام مواد غذائی آن باقی بماند . آیا باید سبزیها را پیش از قطع یا بعد از آن شستشو داد ؟

عمل هوا وفلزدر بعضی سبزیها : چارهٔ آن چیست ؟

نگهداری آب :

ناپاکی‌های عضوی درآب ، در حال تعلیق یا تحلیل . طرز تصفیه : ازصافی گذراندن ، جوشاندن یا آمیختن داروهای شیمیائی ، طرق مطلوب ضد عفونی کردن ومحافظت آب ظروف خوب . ارزش قیاسی ظروف زمینی وظروف فلزی .

طرز روشن کردن آتش :

داشتن چوبهای خشك برای تهیه آتش . علف خشك ، کهنهٔ پارچه (استعمال نفت مذموم است) قوطی کبریت،محصولات شیمیائی که‌در کبریت سازی مصرف میشود .مراکزاین محصولات درهند وخارجه . تاریخچهٔ طرق واطوارمختلفهٔ تهیهٔ آتش واصول علمی هر کدام ازآنها علت لزوم هوا . طرزساختن اجاق بطورعلمی ، فایدهٔ کروك‌ها .

پخت وپز :

اسباب وآلاتی که برای پخت وپز بکارمیرود . اسبابهای زمینی وفلزی (آهن ، مس زرد ومس قرمز ، برنج ، آلومینیوم) عکس العمل آنها در برابرحرارت .

اندود گلی برای حفظ ازدود .

روشهای مختلف پختن اغذیه : باتبخیر . با بخار، کباب کردن، تفت دادن

درروی میله آهن و دردیك های بزرك ، اصول علمیکه درهرمورد معمول میگردد وانتخاب متدهای موافق اغذیه مختلفه، روش‌های مربوط برای حفظ اغذیه وارزش غذاها ووقت ، مواد غذائی وکار.

متدهای لازم برای پختن بشقابهای متداوله درهند :

۱ــ برای حفظ ارزش غذائی اغذیه .

۲ــ برای اینکه حداقل انرژی وسوخت مصرف شود .

۳ــ گوارا ترین اغذیه دردسترس قرار گیرد .

برنج ، بهترین طرزطباخی . اجتناب از دور ریختن آب برنج برای جلوگیری ازاسراف .

گیاه‌خواری ــ انواع مختلف پختن‌سبزیها، اهمیت آن دررژیم‌غذائی فایدهٔ پوشاندن ظروفیکه‌سبزی درآن پخته میشود.چرا استعمال بیکربنات دوسود (جوش شیرین) مذموم است . طریقه بکار بردن ادویه ، اجتناب از اسراف درمصرف آن ، خوراکهای معمولی واشتهاآوربرای بیماران .

میزغذا :

قراردادن غذاها روی میز . نظافت بشقابها ، نظافت خدمتگزاران، جاروکردن ومنظم داشتن سالن غذا خوری پیش وبعدازغذا ، سرویس‌میز: نظم ومهارت درمراقبت اینکه کسی چهٔ غذائی کم دارد وچه لازم دارد .

استفاده ازغذای باقیمانده :

۱ــ برای غذای دیگر .

۲ــ برای‌تغذیه‌حیوانات یا مصرف‌کوت‌زمین ، ظرف شوئی،استعمال محصولات نظافت . صرفه جوئی وقت ونیرو .

سازمان وحسابداری :

تقسیم‌کار به سرویسهای مختلفه برحسب تعدادکارمندان لازم وظرفیت طبیعی آنها .

اخذواحتساب وفهرست برداری .

دفترمغازه : ورودی ، خروجی ، موازنه ، دفترصندوق : دریافتی‌ها و

پرداختی‌ها ، فهرست عملیات فهرست کارمندان، فهرست سبزیها ، فهرست مدعوین ومخارج اضافی .

تابلوی اغذیه روزانه وهفتگی وماهانه با ملاحظات :

۱ــ ارزش غذائی .

۲ــ کالری آنها . آمارروزانهٔ کامل کارآشپزی متضمن کارکـردآن و سایراطلاعات مربوطه .

۱۰ــ کارهائیکه شاگردان آموزگار باید دردانشسراهای آموزش اساسی درناحیهٔ مدرس انجام دهند :

تشکیلات حرفه‌ئی بطورکلی برکارهائی مستقراستکه درمدارس ضمیمه انجام میگیرد . این کارها باید بوسیلهٔ تمام شاگردان شبانه روزی یك شعبه اجرا گردد .

تقریباً شش هفته در سال باید به این کاراختصاص یابد که یکهفته‌اش به ملاحظات . هفتهٔ دیگردرحرفه‌آموزی وچهارهفته دیگر در عمل اجرائی آموزشی صرف میشود . دربرنامهٔمؤسسات مزبور بایدکاملا به ذوق وسلیقهٔ دانشجویان درمورد حرفه‌ها توجه‌گردد . درمورد تازه جوانان و تمرکـز آنان قضاوت نمود تا بتوانند یك کلاس را ادارهٔ نمایند .

بررسی قبولی چهاریا پنج کودك انتخاب شده در اوضاع و احوال مختلف (در خانه‌شان ، درکلاس ، در تفریحات ، در مرافقت دوستان یاخویشاوندان خود) و نتیجهٔ دوسال تحصیل آنها .

۱ــ شکل طبیعی ، وزن واندازه‌گیری قامت .

۲ــ قبولی دربازی ، درکارودرکلاس بارفقاباخویشان نزدیك ، با اشخاص بیگانه،بامعلمین : مطالعهٔ علل این پذیرش‌هاومطالعهٔ شرح‌احوال.

۳ــ استعدادآموختن ، ترقی درکلاس .

٤ــ محیط خانوادگی ، رفقاء ، جماعت و عواملی که درکودك مؤثر می افتد .

ه‍ــ دیداردرکانون کودکان‌ومطالعه با ابوین آنها دربارهٔ پیشرفتهای

آنها. بکارانداختن پرونده‌های اداری‌شامل‌آگهی اداری ، اوراق‌یادداشت، اعلانات اجمالی ، روابط روی ترقیات انجام شده ، از نظراطلاع بیشتراز محیطی که‌کودك درآن زندگی میکنند .

بررسی یك‌کلاس یا یك دسته‌کودکان از نظر اینکه معلوم گردد که آنها درمدرسه ومحیط زندگی خود چگونه رفتارمیکنند .

بررسی کودکان تنبل وعقب افتاده ، یادداشت‌گرفتن ازوضع استعداد آنها وذوق‌های ویژهٔ هریك بررسی اختلافات کـه بین شاگردان موجود است(شاگردان یك‌کلاس) یادداشتهائی‌درعلل این زمینه . بررسی کودکان تنبل وآنانکه توجه خود را متمرکز نمیکنند ، مطالعهٔ ذوق آنها .

انجام روزانهٔ بعضی‌کارها درمدت معینه :

۱ــ مواظبت بهداشت بنای مدرسه .

۲ــ رهنمائی بازیها وگردشها وتفریحات مختلفه .

۳ــ ثبت و فهرست مدرسه‌ئی .

٤ــ ادارهٔ انجمن مدرسه‌ئی .

مطالعه مربوط به سازمان مدرسه :

۱ــ استقرار تابلوها و یك ماده تعلیمی ، تهیه‌کتابهای مربوط بــه کودکان .

۲ــ استقرارآمارمدرسه‌ئی ، مطالعهٔ‌یادداشتها وفهرست‌های مدرسه.

۳ــ تنظیم ساعات و یادداشت برداری .

٤ــ تهیه خطوط و نقشهٔ یك مدرسهٔ آموزش اساسی با باغ ، حیاط تفریحی : مساکن صحی . سالنهای‌کلاس وغیره .

٥ــ تنظیم وتثبیت حواله‌های سفارش .

مقیاس هوش وذکاوت شاگردان وتخمین ترقیات‌آنان :

۱ــ تهیه و الحاق چند نوشته راجع به تصریح استعداد ومعلومات و عادات ووضع شاگردان، مطالعهٔ‌نتایج حاصله .

۲ــ تهیه والحاق یك نوشته‌آموزشی .

۳ـ درجه بندی شاگردان برحسب نتیجهٔ نوشته‌ها در نتایج مختلف.
بررسی کار بعضی ازمعلمین وخصوصیات قابل ذکر آنها .
عملیات اجرائی آموزش :

۱ـ سازمان کاردر اتحادیه کار .

۲ـ تهیهٔ اتحادیه‌های خاص ـ استقرارمناسبت منطقی .

۳ـ تهیه وتدارك کمك‌های ضروری .

٤ـ تنظیم واداره‌ٔ کلاس .

۵ـ مذاکرات ومناظرات با سایردانشجویان شبانه روزی وبامدیر.

مآخذ

ABBOTT, A., et WOOD, S. H., *Report on vocational education in India... with a section on general education and administration* (Pamphlet nº 1) Delhi, Manager of Publications, 1948, 140 pages.

ALL-INDIA BASIC EDUCATION CONFERENCE, SECOND (Jamianagar, Delhi, April 1941), *Two years of work: report...*, Sevagram, Wardha, Hindustani Talimi Sangh, 1939, 206 pages.

Basic National Education report of the Zakir Husain Committne and the datailed syllabus..., Savagram, Wardha, Hindustani Talimi Sangh, 1939, 206 pages.

Basic Nationalal Educaticn: revised syllabus for grades I to V, Sevagram, Wardha, Hindustani Talimi Sangh, s. d., 56 pages.

Basic National Education: revised syllabus for the training of teachers Sevagram, Wardha, Hindustani Talimi Sangh, 1952, 80 pages.

BENGALE, *Primary training schools,* Alipore, Bengal Government Press, 1941.

BIHAR, BASIC EDUCATION BOARD. *Basic education in Bihar: reivsed syllabus for grades I to VIII,* Patna, s. d.

BRAYNE, F, L., *Better villages* 3ᵉ édition, Oxford University Press, 1945, 314 pages.

GANDHI, M. K., *Basic education*, Ahmedabad, Navajivan Publishing House, 1951, 114 pages.

INDE, BUREAU OF EDUCÀTION, *Syllabus for basic*

schools (Pamphlet n° 70) Delhi, Manager of Publications, 1950, 105 pages.

MOODMAW, I. W., *Education and village Improvement*, Oxford. Oxford University Press, 1947, 188 pages, planches.

MORGAN, ARTHUR E., *Higher education in relation to rural Iudia*, Sevagram, Wardha, Hindustani Talimi Sangh, 1950, 97 pages.

—*The rural Univesity*, Sevagràm, Wardha, Hindustani Talimi Sangh, s. d. 20 pages.

OLCOTT, MASON, *Better village schools programme of action for India*, 4° édition, Y. M. C. A. Publishing House, 1942, 232 pages, planches.

Revised syllabus for the tr intng of teachers for vernacular schools in the Central Provinces and Berar, Nagpur, Government Printing C. P. & Berar 1945.

بخش چهارم

تربیت معلمین روستائی درمکزیك

بقلم : ایزیدرو کاستیلو

Jsidro Castillo

فصل اول

نظر اجمالی تاریخی

حقایقی ازمکزیك :

وضع اقتصادی و اجتماعی کنونـی مکزیك، از هنگام حادثه تاریخی مشهور به انقلاب مکزیك آغاز میشود در بادی‌امر تصور میشود کـه مکزیك شاهدانقلابات‌متعددی بوده است ولی درحقیقت یك انقلاب بیشتردرآنجا رخ نداده وآن عبارت از انقلابی‌است که از ۱۸۱۰ برای مبارزه‌درراه‌استقلال ملی بعمل‌آمد وتا امروزاین مبارزه دامنه دارکه‌منشاءآثارترقیات پیاپی و سریع‌درتمام‌شئون‌آن کشور گردیده‌ادامه دارد.درعرض این تحولات مداوم که در۱۸۱٤و۱۹۱۰طی انقلاباتی بشدت تمام رسید،اقتصاد کشور به‌اعتدال آمد ، اراضی بین رعایا و کارگران بومی دهکده‌ها تقسیم شد . از موقع تسلط نیابت سلطنت در کشور مکزیك بزرگترین عـدم تساوی اقتصادی حکمفرما بود وزمین‌ها به یك‌مشت مالك تعلق داشت ومسائل اجتماعی بدون اینکه به نتیجه‌ئی برسد همواره بغرنج‌ترمیگردید . تااینکـه تنها راه حل این مسائـل یعنی جنگ داخلـی در آن کشور بـوقوع پیوست . بقول (آنتونیوکازو)(۱) دراین مرحله ، یك نهضت عظیم و درعین‌حال کم‌ضرر حتمی اللزوم بود .

انقلاب ۱۹۱۰ حقایقی راکه‌تاآنزمان‌مکتوم بود علنی ساخت ومردم آن کشور که‌قرنها ازوضع ناهنجارخود غافل‌بودند چشم بصیرت باز کردند و برخود نگریستند وخود را چنانکه بوده‌اند مشاهده نمودند ، روحشان تحریك شد ودرخود نیرووحرارتی یافتند ، به ظرفیت‌وشخصیت خودپی بردند ومتوجه‌شدند که میتوانندزندگی مرفه‌تروآسوده‌تری برای‌خودترتیب‌دهند .

1– Antonio Caso

بعدازپیروزی انقلاب مجمعی تشکیل شد تا قانون جدیدی وضع کند ، این همان قانون اساسی مشروطه است که‌در۱۹۱۷ وضع گردید و هنوز بقوت خود باقی است.این‌قانون ضامن بهبود کلیهٔ اوضاع‌ملت وبهترین برنامه‌های اجتماعی انقلاب میباشد .

آنچه باقی مانده بود این بود که برنامهٔ مزبورعملی گردد . استقلال وآزادی اعلام شد ومؤسسات‌آزادی طلبی ، که تاآنزمان لغوگردیده بود مجدداً تأسیس شد . حکومت استقلال اقتصادی را تضمین کرد وحقوق‌ارضی و تحت الارضی خود را قابل ارزش ساخت و منابـع طبیعی را علیرغم بهره‌برداریهای اسراف‌آمیز بیگانه حمایت نمود .

چون نظراساسی‌دولت بالابردن سطح زندگی افراد ملت بود ، از طبقه‌کارگران صنعتی که‌تاآنروزحقوقشان پایمال میشد تشویق بعمل‌آورد . روزی هشت ساعت کار معین کرد ، حداقل زندگی آنانرا تأمین وامنیت اجتماعی را تضمین کرد .

برای کودکان‌کارگران‌طبق ماده۱۲۳قانون‌اساسی‌مؤسسات فرهنگی تأسیس نمودو برای‌کارگران‌طبق قانون،انجمن‌ها برپاداشت که‌همین‌موضوع سبب جنبش عظیم تشکیل سندیکاهای‌کارگران گردید .

مشروطهٔ جدید رژیم‌تمالك ارضی را عمیقاً تغییرداد . شرکت‌دهقانان درجنگ داخلی به اولیای دولت ثابت کردکه این طبقه از لحاظ اقتصادی واجتماعی محروم مانده‌اند و برای جبران این‌کار، تقسیم اراضی را یکی‌از پایه‌های برنامه عمرانی خود قرارداد .

ازسی‌سال قبل‌ازآن تاریخ ، که اسپانیولیان‌حقوق‌آنان را در قسمت مالکیت اراضی پایمال کرده‌بودند، دهقانان حس میکردندکـه روز بروز وضعشان رو بوخامت میرود .

دهقانان تا پیش‌ازانقلاب ۱۹۱۰ از داشتن اراضی و زندگی متوسط نیزمحروم بودند و به مزد ناچیزی‌کارمیکردند .

اگر جمعیت چهارده میلیونی مکزیك را در نظر بگیریم ملاحظه میشود که ٦٥ درصد آنان دیه نشین و کشاورز هستند و ازاین رومیتوان به اهمیت کشاورزی در آن سامان پی برد.

دولت مشروطهٔ جدید چندین نفر از مالکین بزرك را از املاکشان خلع ید کرد و بدهقانان اراضی بکری واگذار نمود تا زمینهای کوچکی را بقطعات زراعت کنند، ولی با تمام این مساعی، ملوك الطوایفی مقاومت ورزید و دهقانان نتوانستند در برابر با بان متنفذ عرض وجود کنند و اراضی واگذاری را طبق اصول قوانین، کشاورزی نمایند، برای اینکه منظور اصلی طبق دلخواه عملی گردد لازم بود تغییرات اساسی در آموزش و پرورش داده شود ودر این زمینه انقلابی برپا گردد.

دبستان روستائی :

مدارس روستائی مکزیك بمنظور تأمین این نظریه احداث شدند. نخستین دولتهای انقلابی در بدو امر متوجه نقصان مدارس روستائی گردیدند رازاین حیث به تشویش افتادند. هنگامیکه اولیای دولتها در پایتخت و شهرهای بزرك به تأسیس مدارس عالی میپرداختند، دبستان روستائی عملا فراموش شده بود.

دهات وقصبات، محروم ازمدرسه، ازلحاظ اجتماعی ومادی عقب افتاده ودرسال ۱۹۱۰ هشتاد وپنج درصد شان بیسواد بودند. دولتیکه خواستار ترقی وحل مشکلات آنان بود به حل مسئله آموزش همت گماشت و در سال ۱۹۲۱ بود که با تأسیس وزارت فرهنگ شروع به تعجیل در اتحاد وتمرکز تربیتی و پرورشی کشور نمودو باسیاست جدید تدریسی، بکار پرداخت.

در تمام شهرستانها وقصبات ودهات بزرك و کوچك دست به تأسیس مدارس زد وباوجود دوری اماکن مسکونی وتعدد آنها به این کارمشکل تا اندازه ئی توفیق یافت وچنان در این مورد جدیت کرد که سه سال بعد یعنی در ۱۹۲٤ درکشور مکزیك ۱۰۸۹ مدرسه روستائی و ۱۱٤۸ معلم، ٤۸ ناظم معلم (بنام میسیونر) ویکهزار کتابخانه مخصوص مناطق روستائی موجود بود.

دراین زمان مشغولیت خاطردولت به تنوع‌السنه در قسمت‌های بومی معطوف و متوجه شده بود که بیش از پنجاه دسته بومی هر کدام به زبانی صحبت میکنند، این جمعیت‌درحدود شصت‌درصد جمعیت کشوررا تشکیل میداد که عموماً بیسواد بودند .

برنامه دروس مدارس برای تمام طبقات از کوچك وبزرك عبارت‌از نوشتن‌وخواندن‌وحساب‌وزبان‌اسپانیائی بودولازم‌میآمد که‌این‌جمعیت پریشان ازلحاظ‌زبان مجتمع گردد. دربدوامر تصور کردند این امرراوسیلهٔ دستور زبان میتوان‌اجرا کرد در صورتیکه این موضوع‌درعدادمسائل‌اجتماعی بود. ولی طولی نکشید که معلمین‌روستائی متوجه شدند که تعلیم قرائت و کتابت ومحاسبه‌افرادی که احتیاجی به‌آن ندارندومیل فرا گرفتن نیزدرآنان‌نیست بیفایده خواهد بود .

دهقانان هیچ‌تمایلی بیاد گرفتن زبان اسپانیائی نداشتند همچنین کاغذ برای نوشتن و کتاب جهت‌خواندن و کار محاسباتی در دسترس‌شان قرار نداشت .

وقتی معلمین مشاهده میکردند که کودکان بعداز پایان دورهٔ تحصیل بیکارمانده به خانوادهٔ خود که ازهردانش ومعرفتی بدورند ملحق میشوند ودراندك مدتی آنچه را یادگرفته بودند فراموش میکنند انگشت حسرت بدندان میگزیدند واز زحمات خود نومید میشدند . بهر صورت دهقانان احتیاجات دیگری داشتند لازم بود از با سواد کردن آنها ، درتامین معیشت‌وبهداشت‌آنان‌اقدام نمود . بقول (تأمین‌بوم) ، معلم روستائی متوجه شد که درآغوش‌مناطق‌روستائی تنها کسی استکه مسؤل فراهم‌آوردن‌وتأمین احتیاجات کلی وارتباط دهقانان با شهرستانها است .

برای این بود که معلمین دست بکارآبله کوبی کودکان وآوردن آب مشروب ومبارزه با استعمال مشروبات الکلی و تشویق کشاورزان بـرای گرفتن اراضی ازدولت‌وداپر کردن‌آنها که‌همگی‌جزءمسائل‌حیاتی برای‌طبقات

مزبور بودگردیدند .

این فعالیتها خودبخود برنامهئی شدند وآنوقت مقامات‌ملی آموزشی بادرنظرگرفتن اوضاع واحوال‌ملت ، پایه‌های برنامه دبستانهای روستائی راکه اینك ما ملاحظه‌میکنیم بنانهادند .این‌مدارس‌رسمی نبود بلکه دراثر مجاهدات خود اهالی و برای تأمین احتیاجات آنان احداث گردید .اصل مشخص اساسیکه از بدو امر مراعات شدعمل اجتماعی بنفع جوانان‌بود . برنامه‌ئی که برای‌آنان‌تنظیم شد وزحماتیکه معلمین در اجرای آن‌متحمل شدند سبب‌گردید که‌دراندك‌زمانی رشته الفت‌طبقات مختلفه با مدرسه بهم پیوندد و مستحکم‌شود .همانطورکه پرفسور(موئیس‌سانز)میگفت نمیدانیم کــه مدرسه بکجا ختم میشود ؟ دهکده از کجا آغاز میگردد ، زندگی دهقانی به‌کجا منتهی‌میگردد وزندگی‌دبستانی‌ازکجا شروع میشود؟ زیرا دبستان روستائی‌آندورا بهم متصل‌کرده است . بعبارت الاخری آموزش همگانی هنگامی ازقــرن‌پیش‌مجانی‌واجباری وبرنامهٔ آن طبق احتیاجات وموافق محیط زندگی ملت تنظیم‌گردیده است .فعالیتها وسازمان مدرسه (که یك باغچه ویك زمین ورزش ، یك تئاتر درهوای آزاد ویك دهکده زراعتی واراضیٔ برای‌کشت وزرع وکارگاههادراختیاردارد)سازمان‌های اجتماعــی متوفی رادرخود منعکس میسازد .ازجهت فعالیتهای خارجی در زندگی‌دهقانی مؤثر استزیرا وضع بالغین در کودکان جلب توجه میکند ومورد علاقهٔآنان نیزقرار میگیرد .

برنامهٔ اجتماعیکه دراین مورد توسط وزارت فرهنگ تنظیم‌گردید بشئون عمده واصلی زندگی روستائی مربوط است وعبارت از : کار های مزارع و اقتصادکشاورزی ، بهداشت همگانی . اصلاح شرایط زندگــی خانوادگی وبویژه حمایت‌مادران‌وکودکان . بسط‌فعالیتهای تولیدی‌وشهری وکسب،بالاخره‌کلیه معلومات مفیدهٔدراین‌موارد. روش‌این‌کار نیز بطورساده اشتراك مساعی واعمال نظر باسکنه میباشد زیرا این مورد بهترین وسیلهٔ تضمین پیشرفت است .

اجرای برنامه توأم با فعالیتهای مفید عملی است از جمله : ساختمان بناهای مدرسه و یك منزل برای معلم ، حفر چاه و قنات کوچك برای تأمین آب مشروب ، طرز بکار انداختن و استفاده از ماشین‌های فلاحتی : اصلاح وضع کشت . بذرها . گذشته از آن در این مؤسسات آموزشی ، چمن و سبزیکاری و پرورش گاو و خوك و پرندگان و زنبور متداول است .

به دهقانان طرز فروش محصولات را یاد میدهند وضع تغذیه را بهبود بخشیده اهالی را برضد آبله ، دیفتری وحصبه مایه کوبی میکنند . پرورش کودك و برش ودوخت را توسط بانوان تربیت شده یاد میدهند ، به بانوان طرز استفاده از بودجهٔ خانوادگی را میآموزند . فعالیتهای هنری (موسیقی، آواز، نقاشی ورقص وتئاتر وهنرهای ملی) یا ورزشی ، جشنها و تشریفات میهنی سبب میشوند که مردم اززندگی انفرادی به زندگی اجتماعی خوی بگیرند. معلم دوره‌های قانونگزاری یا تعلیمات عمومی وقرائت چیزهای لازم همگانی را در کتابخانه تدریس میکنند .

یك روزنامهٔ اخلاقی انتشار میدهد . درسایهٔ بالا رفتن سطح زندگی ، بومیها حق آنرا مییابند که زبان اسپانیولی نیز یاد بگیرند .

فعالیتهای معمولی عمومی مدارس روستائی تنها در آنجا نیست بلکه ازقرن شانزدهم نظیر این تعلیمات وسیلهٔ هیئت های فنلاندی یا اسپانیائی بعمل میآید . چیزی که هست طرز آموزش کنونی ، اختصاص بخود ما داشته و از کشورهای بیگانه سرمشق گرفته نشده.

روح دبستان روستائی در تمام مراحل زندگی اجتماعی حتی در نقاشی و آثار هنرمندان بزرك خود نمائی میکند . انقلاب و تحول مکزیك نتایج و تحقیق حتمی و فوری لازم داشت .

کمبود معلمین و مسئله تربیت آنان :

بسیج معلمین دبستانهای روستائی مسئله‌ئی پیش میآورد که قابل بحث و تفکر است . نمیتوان تعداد هزار یا حتی یك دبستان روستائی تأسیس کرد بدون اینکه در فکر داشتن معلم آن بود .

تعداد انگشت شمار دانشسراهای پایتخت یا شهرستانهای دیگر نمیتوانستند بقدر کافی معلم تربیت کنند، ازطرفی هم طرز تربیت آنها بکار مؤسسات جدید فرهنگی نمیآمد ، (تانن‌بوم) دراین باره مینویسند :

«معلمین که در دانشسراهای شهرها تربیت میشوند بدرد تدریس در دهستانها نمیخورندوهزاران مشکل درکار آنها پیدا میشود .آنها نمیتوانند درنقاط دورافتاده ومتروك زندگی نمایند . بنا براین معلم را باید طوری بارآورد که ظرفیت بیشتری داشته باشد . »

همچنین باید درهرمنطقه جوانان پرشور وبا اراده و خدمتگزار را فرا خواند وآنهائیرا که شوق و نیروی این‌کاررا دارند بکار احضار نمود . این داوطلبان نیز ازبی تربیتی سکنهٔ دهات معذب بودند زیرا در بین این اشخاص کمتر کسانی بودندکه شش سالهٔ ابتدائی را تحصیل کرده باشند . وزارت فرهنك برای تکمیل کادر معلمین روستائی و حسن تربیت آنها به (هیئت تربیتی) پناه برد . هرهیئت‌شامل‌کارشناسان متعددی بود : یك‌استاد دانشسرا ، یك مهندس کشاورزی ، یك‌کارشناس صنایع کوچك ، یك استاد تعلیمات طبیعی و یك‌آسیستان اجتماعی . هیئت مزبورسیار بود ودرهرمنطقه برای معلمین دهکده‌های مجاوریکماه کارآموزی میکرد (تعدادکارآموزان تا پنجاه نفری رسید) موضوع کارآموزی عبارت بود ازمطالعهٔ مسائل‌محلی ووسایل.غالباً اعضای هیئت برای این نوع‌کار حاضرنشده بودند ومیبایستی خودشان‌موارد مزبوررا باتماس حقایق‌بیاموزند. بنابراین تصمیم گرفته‌شد که دراین مورد نیزتعلیمات ویژه‌ئی بوجودآورده شود .

منشاء ومنظوردانشسراهای روستائی :

نخستین دانشسرای روستائی درماه مه ۱۹۲۲ در (تاکامبارو) کشور میچوگان‌تأسیس شد . یکماه بعدوزیرفرهنگ دودانشسرای دیگرتأسیس نمود، دراین مورد هدفها و اصول سازمان این مؤسسات را تدوین میکرد دانشسراهای روستائی‌منظورشان‌تربیت معلمین برای هیئت‌اجتماع‌روستائی و مراکز بومی و تکمیل تربیت معلمین در حال تمرین ، میباشند و سکنهٔ

روستائی را در ترقیات عمومی کشور شرکت میدهند .

این مدارس درجوار مدارس روستائی بناشده وازمدارس مزبور برای تجربیات تربیت اطفال استفاده میکنند .

ساختمان باید حداقل دارای دفاتر مدیر وچهار سالن کلاس، یك کتابخانه ویك تالار اجتماع، دوخوابگاه (یکی برای دختران ویکی برای پسران) یك سفره خانه ، یك مطبخ ، یك حمام ویك زمین ورزش ، بوده باشد . بعلاوه دبستان باید دارای یك قطعه زمین زراعتی وآبیاری شده وحیوانات اهلی دهکده ئی (مرغ وبره ومیش وگاووغیره ، برحسب منطقه) با لاخره کارگاهها ومراکزجهت بعضی صنایع روستائی بوده باشد. دورهٔ تحصیلات دوسال (چهار ششماه) است . برنامه بینهایت ساده بوده و شامل یك قسمت کلی (اسپانیائی ، حساب ، هندسه ، علوم اجتماعی، مطالعهٔ طبیعت نقاش، موسیقی وآواز) یك قسمت حرفه ئی (مطالعهٔ علمی کودك، اصول علمی، تربیت اطفال مطالعهٔ زندگی روستائی ، سازمان اجتماعی ، هیئت های اجتماع ، سازمان وادارهٔ مدارس ، متدهای آموزش) ویك قسمت عملی (کشاورزی ، هنرهاو برای بانوان ـ هنرهای خانگی) دورهٔ ششماههٔ اول شامل دروس آخرین کلاس تعلیمات ابتدائی بود (که بیشترشاگردان درجهٔ نخستین آن دوره را طی نکرده بودند) طبق اصلی که موافق آن معلم بایددرمحیطی که برای تمرین احضارشده تربیت شود شاگردانی راکه ازاهالی منطقه نباشند نمیپذیرفتند. منظوراین بود که به این جوانان طوری تربیت داده شود که بتوانند در محیط زندگی خود به شاگردان محلی آنچه راکه لازمهٔ زندگی آنان میباشد بیاموزند .

در حقیقت ، دانشسراهای روستائی جزیك بودجهٔ و یك عده پرسنل تعلیمی محدود چیزی در اختیار نداشتند نتایج حاصله تکافوی پیش بینی های قبلی را نمیکرد . این دانشسراها درمحلهای شهری استقرار یافتندوشاگردان آنها نیزازهمین مناطق بودند. نظر بفقدان منابع. ازکارهای عملی صرفنظر شد

و نظر بفقدان تجربه در ابتدای سازمان دانشسرا ها از طبقهٔ قدیمی ها استفاده گردید .

معهذا از ۱۹۲۶ تجربیاتی که از این دانشسراهای اولیه بدست آمده بود بوزارت فرهنك اجازه داد تا چند مؤسسه مشابه دیگر ایجاد نماید . درهمان سال راههای جدیدی برای اتصال مراکز آموزش احداث گردید تا در عین حال به توسعه تجارت و صنایع جدیده در آن نقاط کمك نماید . ازهمان هنگام دولت درصدد بر آمد جداً محصولات فلاحتی را افزایش بخشد زیرا کشاورزی پایه واساس ثروت کشور میباشد .

برای این منظور دست به کارهای بزرك آبیاری زدند و به تأسیس بانکهای اعتبارات کشاورزی و همگانی اقدام و برنامهٔ وسیعی برای تعلیمات کشاورزی شامل ایجاد شش (مدرسهٔ کشاورزی مرکزی) تنظیم کردند . این مدارس بایستی نه تنها مؤسسات آموزش باشند بلکه مراکز محلی تبلیغ کشاورزی وتعلیم اعتبار بوده وباهم آهنگی بانکها کار کنند . با دردست داشتن کلیهٔ وسایل ولوازم ابنیه واراضی وآسیابهای آرد وچهار پایان نیك نژاد وماشین های جدید. این مدارس با مراکز بهره داری زراعتی مجاور اختلاف فاحشی داشتند .

دولت در نظر گرفت چنین مدارسی را در تمام اقطار و اکناف تأسیس کند ولی چون تأسیس چنین مؤسسات خیلی گران تمام میشد دراین مورد دچار اشکال گردید. هر مدرسه حداکثر میتوانست دویست شاگرد بپذیرد. زیرا بعد مسافات مانع بزرگی برای اجتماع شاگردان بود. چندسال بعد مدارس مرکزی با دانشسراهای روستائی متحد و مجتمع شدند و مؤسساتی بنام « دبستانهای دهقانی محلی» تشکیل دادند .

کشور مکزیك، از چند منطقهٔ طبیعی تشکیل یافته که از لحاظ جغرافیائی واقتصادی واجتماعی مشخص میباشند . برای اصلاح وضع عمومی این مناطق لازم بود در هر ناحیه نسبت به وضع بخصوص آنجا دست به اصلاحات زد ودبستانهائی ایجاد کرد که بااوضاع عمومی آن موافق باشد. این مؤسسات

از دو قسمت متمایزند : یك قسمت تحقیقات اجتماعی ودیگری مؤسسه علمی عمل اجتماعی .

قسمت اول باید بـه مطالعات محلی پردازد تا بفعالیتهای مـدرسه تمرکزمنظوررا بدهد ، دومی باید جهت بسط وتوسعهٔ اقتصادی واجتماعی و تربیتی محل کارکند .

مدارس مزبورد یپلمهای فنی کشاورزی ومعلم روستائی بدهد بعلاوه کارمندان خدمات اجتماعی واقتصادی برای محلهای کشاورزی تربیت نماید. بواسطه مضیقه بودجه ئی قسمت دوم هنوز عملی نشده است . ودرعوض دوره ئی بنام دورهٔ تکمیلی شاگردان که تحصیلات مقدماتی خودرا بپایان نرسانیده اند تأسیس گردیده است . این دوره شامل دوسال تحصیل کشاورزی جهت اخذ دیپلم فنی کشاورزی که دوسال دیگر نیزجهت تحصیلات فن تربیت کودکان برای اخذ دیپلم معلمی است میباشد .

بدین طریق (شاگردان معلم)چهارسال تحصیل میکردند(بجای چهار ششماههٔ سابق) بعلاوه طرزسازمان وبرنامه های آموزش طوری تغییرداده شده بود که محصلین دارای معلومات عمیقهٔ کشاورزی وحرفه ئی بوده باشند.

مدارس دهقانی محلی درسال ۱۹٤۱ به دستور دولت ملغی گردید و بجای آنها دانشسراها ومدارس عملی کشاورزی افتتاح شد .

درعین حال دانشسراها دیگرمختلط نبودند و برای دختران و پسران مؤسسات جداگانه ئی تأسیس گردید . یکسال بعد نیز برنامه دانشسرای شهرستان مکزیکو(سیکل شش ساله) افتتاح شد شد و برنامه آن هنوز نیز بقوت خود باقی است این مطلب بثبوت رسید که معلم مناطق دورافتاده باید از آموزگاران پایتخت دانشمندتر بوده باشد . بعلاوه در موضوع لزوم اتحاد برنامه های دانشسراها اصرار میشد . درسطور بعد مشکلاتی راکه دراین مورد پیش آمد متذکرخواهیم شد . زیرا درکشورمکـزیك اختلافات فاحشی بین شهرستانها و دهات و قصبات موجود است .

درهرصورت فکر دانشسراهای روستائی چندان قوت داشت که وضع

اولیهٔ خود را حفظ کرده است . جمعیت مکزیك بطور قابل ملاحظه افزایش یافته وسرشماری سال ۱۹۵۰ تعداد سکنهٔ این کشور را ۲۵میلیون قلمداد میکند درصورتیکه جمعیت این کشور در ۱۹۳۰ بیش از ۱۶میلیون و ۵۰۰هزار نفر نبوده است ، درحقیقت در عرض ده سال قریب ده ملیون نفر برجمعیت آن افزوده گردیده است .

درسال ۱۹۵۰ تقریباً هفده هزار دبستان روستائی در مکزیك وجود داشته است . هم اکنون تعداد دانشسراهای روستائی بیست و یك باب ودارای ٤۸۷۲ شاگرد است . درهمان سال وزارت فرهنگ ۳۱۲میلیون (پزو) بودجه داشت که ١٤/٥ درصد بودجهٔ کل کشور بود .

دانشسراهای روستائی درهرسال مبلغ ده میلیون(پزو) به خزانه داری کشور تمام میشوند .

وزارت فرهنگ دانشسراهای روستائی کشور مکزیك را بطریق زیر اداره میکند :

مدیریت آموزش عادی روستائی ، معمولی وعالی ، مطالعات تربیت اطفال وفلاحتی . احتساب واداره. مدیریت کل وزارتخانه احتیاجات دانشسراها را برآورده میکند ، بچگونگی حرفه ئی پرسنل آن مراقب است و برای این منظور ، تعلیمات ودستورها منتشر میسازد وبازرسی هـای فوری بعمل میآورد .

فصل دوم

دانشسرای روستائی المکز (۱)

محل- این دانشسرا دردرهٔ(مز کتیال) (منطقه‌هیدا گلد)قرار دارد که ازپایتخت مکزیك چندان دور نیست . دراین قسمت بی‌حاصلی اراضی وفقر سکنهٔ بومیکـه اکثریت ساکنین را تشکیل میدهند بچشم میخورد . قلت رسوب ولطافت بستر کشت‌وکار درزمین سنگلاخ سبب‌میشود که محصولات تکافوی احتیاجات سکنه را نمیکند . در بعضی جاهای شهرستان مکزیکو بااستفاده ازآب‌جویبارها نسبتاً احتیاجات اهالی مرتفع میشود و کم وبیش میتوان به تربیت احشام واغنام پرداخت وقطعه زمین‌هائی را زراعت کرد . بواسطه عدم وسایل‌وچوب ریزی اهالی‌خانه ندارند و درکلبه‌های محقر که ازبرك وعلف پوشیده شده زندگی مینمایند .آبی که برای شرب حیوانات در مردابها انباشته میشود بسیار کثیف وبدبومیباشد زراعت اندکی که در این‌منطقه معمول‌است کشت ذرت‌است که غذای‌اصلی‌اهالی‌را تشکیل‌میدهد.

در۱۹۲۸ وزارت‌فرهنگ دردرهٔ(مز کتیال) نخستین میسیون‌تربیتی‌را برقرار ساخت . وزارت فرهنگ با اشتراك مساعی ادارات دیگر (ادارهٔ فلاحت و صناعت و بهداری وغیره) باتمام وسایل باید علیه مسائل مختلفهٔ منطقه اقدام نماید . دانشسرای روستائی (آکتوپان) و مدرسهٔ کشاورزی (المکز) بعد ازتأسیس بایکدیگراتحاد کردند تا مدرسهٔ دهقانی محلی را تشکیل‌دادند که مناطق‌مدرسه مرکزی(المکز) را اشغال‌میکنند. هنگامیکه مدرسهٔ محلی ملغی شد ، دانشسرای روستائی که با آن متحد بود جای اورا گرفت .

1- El Mexe

بنای این دانشسرا تنها دارای یك عمارت است که وسعت کافی دارد وشامل دفاتر (مدیرودبیرخانه‌واداره) وسالنهای درس کافی ویك سالن بزرك اجتماع ونمایش ، یك کتابخانه ویك سفره‌خانه وخوابگاهها وآشپزخانه و نانوائی ورختشوی خانه ومغازه‌ها و حمامها ومستراحها میباشد . استادان منازل جداگانه‌ئی دارند .

مدرسه دارای یك زمین ورزش ویك حوض ویك باغ است . اصطبل دارای جای ویژه برای گاوها که از نژاد هلندی وسویسی بوده ومرغدانها که از نژاد (نیوهامشایر) وخوکدانها میباشد .

مدرسه دارای ماشینهای دروکنی ودوتراکتوروبذرکاروآلات شخم جدید بخوروتدخین نیزمیباشد . ساختمان دروسط یك محوطه بمساحت چهل هکتار بنا گردیده‌است که‌زمین قابل کشت بوده ووسیلهٔ یك نهرآبیاری‌میشود کشت عمده عبارت ازیونجه وذرت است .

مدرسه همچنین دارای یك محوطــه سبزیکاری و چمن ونهالکاری اسانسهای جنگلی وزمینهای آزمایش فلاحتی است . عمل اجتماعی مدرسه درشعاع تقریباً شش کیلومتروپنج بخش را شامل است .

بخش اول‌درحدود چهارهزاروچهار بخش‌دیگرسیصد نفرجمعیت‌دارند و هریك دارای یك دبستان مختلط است، دبستان (تپاتپك) هشت معلم و دیگران تنها دارای یك معلم میباشند . در این مدارس است که شاگردان دانشسرای دورهٔ کارآموزی تربیت اطفال را طی میکنند .

بودجه وپرسنل :

بودجهٔ سالیانهٔ مدرسه به پانصد هزار (پزو) ی مکزیکی میرسد . فصول عمدهٔ هزینه ازاین قراراست : حقوق یامزد پرسنل‌آموزش ، پرسنل اداری، پرسنل خدمتگزاری، تغذیه (۲۲۵ پزوبرای هرشاگرد دریك‌روز) خرج بهره داری کشاورزی،خرید لباس‌ولوازم برای ساکنین شبانه‌روزی، ماشین‌ها مخارج عمومی ومتفرقه پرسنل شامل یک مدیرومنشی‌او، یکنفر معلم ورزش ، یك معلم موسیقی و آواز ، یك پزشك و دو پرستار یکنفر

کارپرداز ، یك کارشناس فلاحتی ، سه نفرفنی کشاورزی،دونفررئیس کارگاه یك حسابدار، یك انباردار ، یکنفرناظراقتصاد . یك قصاب ودوپیشخدمت، استادان ازدانشسرای‌شهری‌ومتخصص‌فلاحت‌ازمدرسهٔ ملی کشاورزی‌میآیند. باید یادآوری کرد که این استادان‌درجرگهٔ مربیان دانشسراهای روستائی نمیباشند(مثلا شاگردان رشته‌فلاحتی طرزرهبری بهره‌داری ازکشاورزیرا فرا میگیرند وکاری به‌تدریس کشاورزی ندارند) پرفسور ریتووارگاس مدیرمدرسه‌که ازشاگردان قدیمی مدرسه میباشد پیش‌ازاحرازمقام‌مدیریت مدرسه چندین سال پست معلمی روستائی‌را داشته است . دراین‌موسسه‌است که از تجربیات خود استفاده میکنند . استادان تمام اوقـات خود را در مدرسه میگذرانند و ساعات زندگی خود را وقف اینکار کرده‌اند . در هر رشته‌ئیکه‌مشغول‌تدریس هستند‌کمال فعالیت‌خود را بکارمیبرند وشاگردان همواره بطورمستقیم یا غیرمستقیم تحت نفوذآنها میباشند .

هدفها :

دانشسرای روستائی طبق هدفهای خود توجه کامل معلمین روستائی که مشغول تمرین هستند داشته و به ترقـی عمومی منطقه با علاقه تام بذل کـوشش مینمایند ومنظوراصلی آن تربیت معلمین ممتاز برای دبستانهای روستائی است . کنگرهٔ آمـوزش در(سالتیلو) و در ۱۹٤٤ تشکیل یافت . دانشسرا قصد دارد معلمینی تربیت کند که فهیم بوده ؛ طرزپرورش وتربیت معاصررا بدانندوبه‌پیشرفتهای‌اقتصادی واجتماعی‌واخلاقی جماعت‌روستائیان کمك نماید . آنها باید تاریخ وتربیت‌ومسائل کنونی کشوررا مطالعه‌نموده بهداشت و تندرستی ونیروی افراد دیهٔ نشین را تأمین و بهره برداری از زراعت و صنایع کوچك را ترویج نمایند تا دهقانان بتوانند خود را بپای شهرهای بزرك رسانیده درکادر کشوروجمهوری‌قرار بگیرند . معلوم‌است که‌آنها باید بعلاوه ازلحاظ فنی درکارتدریسی‌واجتماعی خود مهیا باشند. برای ورود به این مرحله لازم است بطورکامل طریقهٔ تعلیم را بیاموزند .

انتخاب شاگردان :

منطقهٔ «بسیج» مدرسه (المکز) شامل کشور (هیدالگو) و کشورهای مجاور است که نمایندهٔ خصوصیات مجالس میباشند . شرایط قبولی مربوط به یك قاعدهٔ کلی است که اصول آن بدین قرار است : داوطلبین یعنی پسران باید حداقل چهارده و حداکثر هجده ساله و دختران سیزده تا هفده ساله باشند . آنان باید پسر یا دختر کشاورزان بهره بردار و کارگران کشاورزی یا اقلا پیشه‌ور وصنعتگران کوچك ومعلمین روستائی بوده کاملا سلامت و تندرست و مدرسه ابتدائی شش ساله را خوانده باشند .

معلمین بدون دیپلم که دو سال سابقهٔ خدمت داشته باشند نیز به دانشسرا پذیرفته میشوند . سابقاً شاگردان مجبور بودند زبانهای ولایتی ومحلی را بلد باشند ولــی حالیه شاگردانی پذیرفته میشوند که این زبانها را حرف بزنند. دانشسرای (المکز) نیز مانند تمام دانشسراهای کشور در بسیج شاگردانی که شش ساله ابتدائی را خوانده باشند دچار اشکالات گردیده است . در حقیقت دو کلاس پیش بینی شده در برنامه‌ها ندرتاً درمدارس روستائی موجود است . بدین لحاظ دانشسرا مجبور شده شاگردانی را که چهار سال بیشتر تحصیل نکرده‌اند نیز قبول نماید و برای آنان «دورهٔ تکمیلی موقتی» بمدت یکسال معین کرده‌اند تا موقعیکه درمناطق روستائی دورهٔ شش سالهٔ ابتدائی کامل تأسیس شود . شاگردان این دوره تحت رژیم شبانه روزی زندگــی کرده ودرفعالیتهای کشاورزی وصنعتی دبستان شرکت میکنند . دانشسرای (المکز) برروی‌هم دارای ۳۵۰ شاگرد ذکورمیباشد .

ادارهٔ مدرسه :

فعالیتهای متعدد مدرسه ایجاب میکند که معلومات وصلاحیت فنی و یژه که ندرتاً دریك شخص پیدا میشود ایجاد گردد . خلاصه برای تشکیل یك چنین مؤسسه‌ئی باید اتحاد و اشتراك مساعی کاملی معمول گــردد . بعلاوه پیشرفت کارچنین تعلیماتی، شهامت و اشتراك‌مساعی هنگامی لازم دارد . و برای ایجاد چنین وضعی قاعده‌و دستوری لازم است که هر کدام آنها باید

مراعات کنند .

اداره شامل : مدیرمؤسسه (رئیس حقوق) و دواستاد نمایندهٔ سیکل دوم سیکل حرفه‌ئی ، دوشاگرد (ازسیکل دوم وسیکل حرفه‌ئی) یك نمایندهٔ شعبهٔ کشاورزی وصنعتی ـ یك نمایندهٔ معلمین روستائی محلی . یك نماینده ادارهٔ محلی . بالاخره یك نمایندهٔ اجتماع ابوین شاگردان. این یکی در اول هرسال تحصیلی برای تعیین نماینده (که بطورکلی بین ساکنین همجوار) انتخاب میشود تشکیل میگردد . مدیردر برابر شورای محلی از لحاظ حسن عمل مدرسه مسؤلیت دارد و تنها کسی است که به اوضاع وتصمیمات رسمی صلاحیت دارد. شوری نمیتواند جز تحت ادارهٔ مدیر کاری بکند وتصمیمات آن باید بنفع مؤسسه باشد . شوری مأمور تهیه بودجهٔ سالیانه و تنظیم برنامه سالانه مدرسه وتنظیم امورمختلفه برای حل مسائل اشتراك مساعی داخلی واختلافات انضباطی میباشد . برنامهٔ سالیانهٔ که در اول سال تحصیلی تعیین میشود ، فعالیتهای مربوط به سرویس‌های مختلف را معین میکند . تقویم مدرسه‌ئی وتقویم کشاورزی وتقویم رسمی را درنظر دارد . سال مدرسه ده ماه است (ازششم فوریه تا دهم نوامبر) ودوبار تعطیلی داردکهٔ هر کدام بمدت ده‌روز است(درمه‌وسپتامبر)امتحانات ششماهه درماه ژوئن وامتحانات نهائی درنوامبراجرا میگردد . کمیته‌های شورا ازشاگردان تشکیل میباید (تحت کنترل معلمین) وتعدادآنها هشت نفراست : کمیته افتخار و انضباط ، کمیتهٔ کشاورزی ، کمیتهٔ شبانه روزی ، کمیتهٔ بهداشت وکمك ، کمیته‌ورزش کمیتهٔ عمل اجتماعی ، کمیتهٔ تقویم رسمی ، و بالاخره کمیتهٔ هنری . اعضای کمیته کارهای‌مربوط به‌خود را تقسیم میکنند . تمام شاگردان به ترتیب در کمیته‌ها شرکت میکنند.شرکت شاگردان درایجاد اوضاع قدیمی درمحیط خصوصی خویش آزاد است واین وضع بطور قابل ملاحظه‌ئی کار کمیته را تسهیل میکند.قوه فاعلیت این‌سازمان درنظر یکنفر ازاهالی(پرو)ملاحظات زیررا نمایان‌ساخت : «من این سازمان‌را عالی میبینم ، هر کمیته‌شاگردان ازسو کمیته‌های پنج نفری مرکب استکه درکارخود نهایت درجه اراده و

حسن نیت را بکارمیبرند .

آنها مأمورسفره خانه ،آشپزخانه،داروخانه ، پرستارخانه ومدیریت ودبیری و خدمات مختلفند ، اعضای آنها وضع کامیون ها را مرتبمیکنند.

بکارهای صنعتی وفلاحتی میپردازند . ازسبزیکاریها حفاظت میکنند و به کار کشت ودرومبادرت میورزند . آبیاری میکنند و به تربیت و پرورش احشام و اغنام وخوکها و پرندگان اقدام و به وضع پخت نان و نظافت همگانی مدرسه وپذیرائی مهمانان رسیدگی مینمایند . » تمام دانشسراهای روستائی بهمین نحوه سازمان گرفته اند وجالبترین آنها دانشسرای روستائی سان مارکو (کشور زاکاتکا) میباشد .

برنامه ها :

کاندیداهای دیپلم معلمی روستائی شش سال تحصیل میکنند که عبارت ازدوسیکل وهرسیکلی سه سال است : سیکل دوم وسیکل حرفه ئی . برنامهٔ تحصیلی معادل دانشسراهای شهر (مکزیکو) میباشد . ولی تعلیماتی جهت تربیت معلمین روستائی به آن افزوده میگردد . برنامه بقرارزیراست :

دورهٔ دوم :

سال اول ــ (حساب . جبروهندسه) معرفة الحیات ، جغرافیای (طبیعی وعمومی) تاریخ عمومی زبان وادبیات اسپانیائی ، زبان خارجی (انگلیسی وفرانسه) تعلیمات مدنی ، تعلیمات موسیقی ، نقاشی ،کشاورزی ، دامپروری ، صنایع وپیشه‌های روستائی ، تعلیمات طبیعی و نظامی .

سال دوم ــ ریاضیات (حساب وجبروهندسه) فیزیك ، معرفة الحیات ، جغرافی (انسانی) تاریخ عمومی ، تاریخ مکزیك (دورهٔ اول) زبان وادبیات اسپانیولی ، زبان خارجی (بقرارسابق) تعلیمات مدنی . تعلیمات موسیقی ، نقاشی (صنعتی) تعلیمات طبیعی و نظامی ، کشاورزی ، دامپروری ، حرف وصنایع روستائی .

سال سوم ـ ریاضیات (جبروهندسه ومثلثات) معرفة الحیات ، شیمی و

جغرافیای مکزیک تاریخ مکزیک (دورهٔ دوم) زبان و ادبیات اسپانیولی، زبان خارجی (مثل سابق) تعلیمات مدنی . (سازمان سیاسی ومسائل بزرک کشور مکزیک) تعلیمات موسیقی ، مدل سازی ،کشاورزی ، دامپروری، حرفه‌ها و صنایع روستائی ، تعلیمات طبیعی و نظامی .

دورهٔ حرفه‌ئی :

سال اول ــ فن تربیت اطفال (دورهٔ اول) فن تعلیم (دورهٔ اول) روانشناسی عمومی، اقتصاد سیاسی ومسائل اقتصادی مکزیک ، تفصیل معدن شناسی وزمین شناسی ، علم مبادی کلمات ، زبان لاتینی و یونانی ، ادبیات عمومی ، خانه داری ، دبیری ، تعلیمات موسیقی ، نقاشی وکارهای پلاستیك (قالب ریزی) ، کشاورزی ، دامپروری ، حرف وصنایع روستائی تعلیمات طبیعی ونظامی .

سال دوم ــ علم تربیت اطفال (دورهٔ دوم) تاریخ عمومی آموزش ، علم تربیت کودکان ، (مطالعهٔ کامل کودك) بهداشت مدرسه ، علم الاجتماع ، بحث فنی آموزش(دورهٔ دوم) هیئت ، علم اخلاق، تعلیم موسیقی ، فن آموزش سمعی وبصری ، نقاشی وهنرهای قالبی ،کشاورزی ، دامپروری ، حرف و صنایع روستائی ،تعلیمات طبیعی و نظامی .

سال سوم ــ علم تربیت اطفال (دورهٔ سوم) تاریخ آموزش درمکزیك فن تعلیمات (دورهٔ سوم) روانشناسی فنی علم تربیت اطفال سازمان و ادارهٔ مدرسه ، تاریخ هنر و تفصیل زیبا شناسی ، تعلیم موسیقی . نقاشی وهنرهای قالبی . رقص ونمایش ،کشاورزی ، دامروری ، حرف وصنایع روستائی ، تعلیمات طبیعی و نظامی .

اقتصاد خانگی دردانشسراهای دختران جزو برنامه بوده و در مدت شش سال تحصیلی تدریس میشود .

آموزش حرفه‌ئی قسمت اعظم تعلیمات عمومی توسط دوازده استاد تدریس میشود. پزشك تشریح را میآموزد وزیست شناسی و بهداشت مدرسه‌ئی را تعلیم میدهد .

متخصص کشاورزی نبات شناسی و حیوانشناسی و معدن شناسی و زمین شناسی میآموزد و آموزش مربوط و کشاورزی ودامپروری وحرف و صنایع روستائی زیر نظر او اجرا میگردد و کارمندان فنی کشاورزی ورؤسای کارگاهها با او دستیاری میکنند . برای ورزش وموسیقی کارشناسان ویژه وجود دارند .

در دانشسراهای دختران دروس اقتصاد خانگی وسیله متصدی شبانه روزی مقیم دانشسرا اجرا میشود .

سازمان کار :

ساعت معین تعداد و مدت دروس هرماده و نظم زندگی روزانه شبانه روزیها .

شاگردان ومعلمین باید ساعت شش صبح حاضر باشند . از ٦ تا ٨ کلاس یا کارهای کشاورزی .

در ۸/۲۰ صبحانه ، ۹/۱۳ کلاس یا کارهای کشاورزی ، پرستاری حیوانات ، کارهای کارگاهی . ۱۳/۳۰ ناهار از ۱۵ تا ۱۹ کلاس (در صورت اجرای کارهای کشاورزی هنگام صبح) یا کارهای کشاورزی ، (اگر صبح کلاس داشته باشند) ساعت ۲۰ شام از ۲۰ تا ۲۲ مطالعه (اختیاری) ، تمرین ارکستر ، نمایش یا بالت ، استماع رادیو ، بازیهای داخلی ، اجتماع و غیره . چند دقیقه بعد از ساعت ۲۲ اعلام خاموشی . این ساعت از روز دوشنبه تا شنبه صبح اجرا میشود . بعدازظهر شنبه و یکشنبه اختصاص به ورزش و مسابقات داشته یا کاملا آزادی است . ساعات دروس کار های کشاورزی بطور کلی هرهفته عوض میشود .

هنگام کارهای بزرگ کشاورزی ساعت کار تغییر مییابد . گاهی تمام ساعات صبح اختصاص به دروس و بعدازظهرها بکارهای کشاورزی دارد .

روشها :

چون برنامه تحصیلات دانشسرای روستائی با دانشسراهای شهری مطابق است باید آموزش بطور کلی بیشترش نظری باشد . درعین حال

همواره باید روی بعضی مسائل اساسی پافشاری کـرد . متدهای مستعلمه روی همین مسائل منعطف میشوند .

استادان درانتخاب این متدها تشبثات زیادی بخرج میدهند . اگـر تشبث به این متد ها کفایت کار را نکند متد های دیگری بکار میبرند . مانند متد (دالتون) که اندکی در آن تغییر داده‌اند و متدهای دستهٔ کار . ملاحظات نشان داده است که‌هر متدی که مفید واقع شود بکار بردن آن بلامانع است. بدون‌در نظر گرفتن مشخصات نظری بین‌مواد برنامه‌ها به «واحدهای مطالعه و تحصیل» تقسیم شده‌اند . هرواحد درمدت‌معینی اجرا شده ودریك برنامه‌آزمایشی تعلیمی که تحقیقات‌در کتابخانه وآزمایشگاه‌وکارآموزیهای تحصیلات ومبحث درکلاس بین معلم و شاگردان اجرا میگردد . نتایج این امتحانات در دفتر ویژه‌ئی یادداشت میگردد . اصول دروس سمعی‌وبصری عملا اجرا نمیشود . هنگامیکه موضوع اجـازه دهد ، آموزش علمی روی ملاحظهٔ واقعات‌آغازو‌به تعلیمات محسوس پایان‌میباید . امکانات این مورد دراین مدارس‌کاملا متنوع ومتعددند .

مثلا تحصیل فیزیك وشیمی وزیست شناسی جای خود را به معلومات عملی میدهند ازقبیل : ساختن ماشینهای کشاورزی ساختمانهای روستائی و صنعتی ، تجزیهٔ زمین، تهیه کودورشوه .اقدامات احتیاطی دربارهٔ بیماریهای چهارپایان ،کارهای کشاورزی ، از بین بردن حشرات موذیه وغیره . حساب وهندسه بقدری که بتوان حساب بهره برداریهای محصولات را نگاه‌داشت جاده ها را رسم نمود ونقشه کشی کرد، ومساحی زمین وساختن اشیاءمتفرقه ازحلبی‌وغیره . زیست شناسی انسانی وبهداشت مدرسه‌ئی ، اصول علمی که عمل صحی مدرسه را جهت‌آموختن فن پرورش اطفال سالم درك میکنند . کمك‌های فوری ، مبارزه علیه انگلها . اصلاحات وتغذیه وغیره . مطالعات اجتماعی از نخست در یك روح عالی عملی طرح ریزی شده است . دکتر گردون‌واتسن چند سال پیش که از دانشسراها دیدن کرد اشاره میکند که مؤسسات مزبورتا چه پایه درمورد مسائل سیاسی واجتماعی وصنعتی وغیره

شاگردان خود را تربیت میکند. بشکرانهٔ ایی مطالعات و تحصیلات ، شاگرد به مسائل اجتماعی آشنا میگردد ، عقیده ئی درخود میپرورد وابزار کاری برای آیندهٔ خود بدست میآورد . در ابتدای سال حاضر تحصیل شاگردان دورهٔ علم الاجتماع تحت مدیریت استاد خود در پنج قریهٔ مجاور اطلاعاتی تنظیم و تقدیم میکنند . در این سؤالات موارد مربوطه به چگـونگی مسائل عمده زندگی وطرز رفتار وطرز تفکر مردم نسبت به شاگردان ومنابعی که شاگردان برای حل مسائل مزبور دارند بحث و پرسش شده است .

چون برنامه شروع میشود شاگردان بطور دسته جمعی طبق دستوری که دردست دارند محیط اقامت خود را تحت بررسی قرار داده و دربارهٔ سکنه واوضاع اقتصادی و زندگی خانوادگی و سازمان اجتماعی و تربیتی وغیره مشغول مطالعه میشوند . مواد تخصصی (روانشناسی: علم تربیت اطفال سازمان مـدرسه ، فن تعلیم) بجای ملاحظات و کارهای عملی در مدارس همجوار اجرا میشوند ، بدین طریق کـودکان میتوانند معلومـات خود را بیاموزند و نخستین آزمایش را تحت مدیریت معلم خود بعمل آورند . این کار های عملی هفته ئی یکبار اجرا میگردد . بعلاوه درعرض یکسال دو کارآموزی تربیت اطفال اجرا میشود . یکی از یکهفته ودیگری در پانزده روز . برای اجتناب از عطف توجه شاگرد ملاحظات طی یك برنامهٔ قطعی انجام میگیرد. کارهای عملی تحت نظر استادان صلاحیت دار انجام میشود. شاگرد میداند که چکار میکند وچه نتیجه میگیرد واین نتایج چگونه کنترل میشوند . بطوریکه دیدیم شاگردان بطور مستقیم در فعالیتهای کشاورزی مدرسه شرکت میکنند (در دانشسراهای دختران شاگردان به کارهای زراعتی ساده میپردازند مـانند بذرافشانـی وچیدن میوه ، نگهداری چمن ها و سبزیکاریها، پرورش مرغان وزنبوران و خرگوشها وغیره) با کنکور کمیتهٔ ذیصلاحیت، مهندس فلاحتی شاگردان راجمع میکند ومسافرتی با آنها میکند که هریك از آنان میتوانند شخصاً درفعالیتهای عرض سال تحصیلی شرکت کنند . شرکت های تعاونی محصولات تشکیل شده ولـی هیچگـونه سود

اقتصادی نشان نداده‌اند . درحقیقت نه شاگردان و نه مدرسه منافعی را که وزارت فرهنگ بدست میآورد دریافت نمیکنند . درجریان سال زراعتی ۱۹۵۰ــ۱۹۵۱ بهره برداریهای مختلف مربوط به مدرسه درآمد ویژه‌ئی بالغ به ۱۱۸۰۰۰ (یزو) داشته است .

درست است که آموزش محدود به آن چیزی است که دارای صنعت اقتصادی روی نقشهٔ محلی باشد و بهره برداریهای دیگر مدرسه طبق اصول تجارتی اداره میشوند . معهذا این آموزش مربوط به تعریف نظری کشاورزی ، زیرا گذشته از تمام ملاحظات در آمد حتمی وفوری ، متوجه تربیت معلمین لایق برای توسعهٔ اقتصادی جماعت روستائی میباشد .

متخصص فلاحت به هر گروه ازشاگردان یك درس هفتگی میدهد که موضوعات آن بدین قرار است : اوضاع مختلفه زمین ، علل خرابی زمین و وسایل اجتناب ازآن . جوانه زنی ، پیوند زنی ذرت .

میزان‌المراه باران سنج ، بکار بردن طرازها ، ماشینهای زراعتی ، (نظری و عملی) تغذیهٔ گاوهای شیرده واکسن زدن برضد سیاه زخم ، نزف‌الدم عفونی. تب برفکی وسایر بیماریهای چهارپایان .

روی تخم‌خواباندن مرغها واخته کردن‌جوجه‌ها ، واکسن زدن برضد وباو آبله ودیفتری وبیماری (نیوکاستل) ،تغذیهٔ مرغها . نژادهای خوکها ، تغذیه وواکسن زدن و بیماریهای آن ، ساختمان خوکدانها ، وغیره ، این دروس نظری بیشتراوقات روی محورمسائل عملی‌بهره‌برداری قرار گرفته است . هرشاگرد نکات مهم درس وفعالیتهائی را که درآن شرکت جسته یادداشت میکند . مثلا اگرموضوع کشت گندم است . شاگرد سطح کشت‌را یادداشت میکند . مقداربذرمصرف شده و کارهای اجرا شده (با تاریخ) و دایرهٔ کشت ، و ارزش محصول و غیره را بدفتر خود وارد مینماید . در دانشسراهای دختران بخصوص دردانشسراهای (پالمیرا) دروس اقتصاد خانگی عبارت است ازآموختن طرزخانه داری علمی در مدارس روستائی تهیه ظروف ساده برای آشپزخانهٔ شبانه روزی . ساختن کنسروهای‌میوه‌و

سبزیها استقرار یك بودجه ، برش ودوخت (برای اطفال وبالغین) تغییر منزل وتزئین خانه ، اصلاح صنایع فامیلی ، ساختن اسباب بازیها . سازمان اوقات بیکاری خانواده ، فعالیتهای تولیدی (تئاتر، رقص،بازی ، ورزش ، موسیقی وآواز.)که علاوه بر استفادهٔ مادی ، ذوق و استعداد کودکان را برمیانگیزد . باسکتبال و پهلوانی ازورزشهای مطلوب شاگردان میباشد. در۱۹۵۱ تمام دانشجویان پسرودختردریك مسابقهٔ قهرمانی که دردانشسرا بعمل آمد شرکت جسته بودند .

شبانه روزی :

وضع زندگـی شبانه روزی دانشسراها طوری تربیت داده شده کـه شاگردان معلم همه امور زندگی شخصی را [خویشتن انجام میدهند . و برای معیشت آنان مقدار وجه نا قابلی که یکنفر بتواند زندگـی کند معین گردیده است.هرشاگرد روزانه(۲۲۵پزو) جیره دارد واین جیره چنان اندك است که تنها یك مدیرو تولیت کاملامتخصص درامورزندگی میتواند با آن پول ناچیزیك نفررا اداره کند . تولیت هزینه باکمیسیونی است که از مدیر وحسابداروعالـم اقتصاد واستاد ریاضیات (برای احتساب) ودوشاگرد که هرسال توسط رفقایشان انتخاب میشوند تشکیل یافته . این کمیسیون مبلغ خرید روزانه شیروگوشت وماهی وتخم مرغ ونان و سبزیها و بقولات و میوه و شیرینی را معین میسازد و نظافت اغذیه و مراقبت تهیه آن را تصدیق مینماید . مواد سوخت را یکجا وکای خریداری میکنند (سبزیها تخم مرغ ، ذرت ، آرد،شیروکره) حساب آنرا میکنند ودرهرماه هزینه ماهانه رادرسفره خانه بسمع شاگردان میرسانند ،عالم اقتصاد دارای هشت خدمتکار است که عبارتند ازآشپزهاورختشوی‌ها، شاگردان به نوبت درسرمیزغذا خدمت میکنند . اینك تیپ اغذیه :

صبحانه : شیرقهوه ، نان ، (که وسیلهٔ نانوائی دانشسرا تهیه میشود) لوبیا ، میوه ونان ذرت . :

نهار:سوپ،یك بشقاب گوشت،یك بشقاب سبزی ،لوبیا،نان ذرت دوسر،

شام : شیرقهوه ، نان و نان کوچك ذرت .

این اغذیه به سیصدوپنجاه نفرشاگرد و معلمین مجرد داده میشود . معلمین که خانوادهشان درمحیط دانشسرا است یك غذای هفتگی در دانشسرا میگیرند تا روح اتفاق که دراینجورمؤسسات موجود است ازمیان نرود .

سرویس پزشکی :

پرسنل پزشکی شامل یك پزشك ودو پرستارویك بانوی کارپرداز است وظایفشان بدین قراراست :

شاگردان را هر سهماه یکبار از لحاظروانی وپزشکی تحت آزمایش قرارمیدهند . شاگردان وپرسنل واهالی دهکده های مجاوررا مایه کوبی مینمایند. پرستاری ازبیماران ودادن دستورها . بازرسی وضع بهداشتی مؤسسه ، مهیا ساختن شاگردان و کمیتهٔ صلاحیت داراز نظر عمل صحی در نقاط همجوار، بازرسی رژیم غذائی شاگردان.احداث یك سرویس پزشکی مجانی . مطالعهٔ بیماریهای بومی منطقه ، شرکت درعمل اجتماعی بهداشتی وآموزشی دانشسرا.مبارزه علیه تفأل وتطیرونفوذ سحر وجادو و اشخاص شالاتان اشتراك مساعی با مقامات مسؤل مسائل بهداشتی .

عمل اجتماعی :

مؤسساتی کهدرچهاردیواری محیطخود بهکاراشتغال دارند وبامحیط خارج ارتباطی نمیگیرند سرانجام چشم بسته بارآمده ونتیجهٔ مطلوب بهطور دلخواه ازآن بدست نمیآید . شاگردانی که در دانشسراها مشغول تحصیل وکارمیباشند نیزازاینزمره بوده وبطورقطع باید با محیط خارج وبازنان ومردان کشاورزوکارگرتماس بگیرند تا منظور اصلی این مؤسسه که بسط وتوسعهٔ کلیهٔ شئون زندگی مادی ومعنوی روستائیان است بطورکامل عملی گردد . این عمل درمورد دانشسرا ، بطورساده برای تقویت اعمال مشابه دردبستانهای روستائی صورت میگیرد .اینك چندمثال ازکارهائیکهدانشسرای روستائی درحیطهٔ خود انجام میدهد : بهترین نوع بذر را به روستائیان میدهد در مهیا ساختن زمین برای زراعت بهآنان کمك میکند ودرضدعفونی

کردن دانه‌های گندم (درمدرسه یا درمحل) به‌آنها یاری میکنند .

برای‌جوجه کشی‌تخم‌های اصیل‌دراختیار کشاورزان‌میگذارد (ازهمان نوع که درتغذیه شاگردان معمول است) دهقانان درکارگاههای دانشسرا ابزاروآلات مورد نیازخود را تعبیه میکنند واین موضوع به بسط‌صنعتهای کوچك دردهات کمك شایان میکنند ... دانشسرا وپنج دهکده‌ئی که سابقاً ازآن نام برده شد آب آشامیدنی نداشتند . دانشسرا با بودجهٔ اندك خود قدرت‌حفرقنات یاچاه‌آرتزین نداشت ، دهقانان را تشویق کرد تا از دولت کمك بخواهندودرنتیجه‌دولت ابراز وآلات لازم برای‌آنها فرستاد وموفق به‌تهیه‌آب مشروب گردیدند . بیماریهای واگیردار بخصوص تیفوس دراین مناطق تلفات فراوان میداد ، دراثرپشتکاروجدیت مقامات دانشسرا با این بیماری مبارزهٔ عظیمی بعمل‌آمد . با اشتراك مساعی و مالی دهقانان در دهکده‌های مجاورداروخانه‌ها تأسیس شد وخانه‌هائی مطابق بااصول بهداشت احداث گردید .جوانان باشگاههای‌ورزشی‌وتئاتر تأسیس کردند واهل‌ذوق درآن شرکت جستند.درسنوات اخیر هیئتی برای مبارزه با بیسوادی تعیین و به سیروسفردر قراء وقصبات پرداخت ولی امروز این کوشش تعطیل شده است .

کارهای اجتماعی از بس متعددند برای انجام آن نمیتوان وقت متقین تعیین کردوشاگردان‌هرساعتی که فراغت یافتند به‌این عمل‌نیك اقدام‌میکنند و هرموقع ضرورت ایجاب نماید (مانند مواقع شیوع امراض) دست بکار میشوند .

مراکز تکامل معلمین :

دانشسرای(المکز)جزدرمحیط‌خود به‌تکمیل حرفه‌ئی معلمین‌روستائی که درحال تمرین هستند نمیپردازد و بطورخصوصی کاردانشسرای خود را کنترل میکنند . بعلاوه معلمین پنج دانشسرای دیگرهرماه یکباردریکی از دانشسراهای مزبوراجتماع میکنند . (به این ترتیب هردانشسرا در عرض یکسال دوبار بازدید میشود) در این اجتماع تمام این معلمین و شاگردان

سال دوم (المکز) حضور میبابند . این اجتماع یك « مرکز تعاونی تربیتی اطفال» را تشکیل میدهد که درآنجا متدهای آموزش وعمل اجتماعی معین میگردد .

این مرکزدربرنامهٔ معین تثبیت نمیشود و درصدد آن نیست که به نتایج منطقی برسد . به مسائلی که بعمل نزدیك نشود اشتغال نمیورزد و هرکسی که در آن شرکت میکند به مطالعه وحل این مسائل میپردازد و به تجربه شخصی خود بیش از معلومات نظری وکتابی تکیه میکند . این مرکزبه امور مدرسه و سازمان کار و متدها وبرنامه‌ها وامتحانات ورود وخروج ازدانشسرا ومواد آموزش وتعلیمات بالغین وبناهای دانشسرای روستائی میپردازد . استادان دانشسرا صلاحیت خود را در حدود «آکادمی‌ها»ی پرسنل آموزش که درفوق بدان اشاره شد بالا میبرند . وزارت فرهنگ این آکادمی‌هارا با اعتقاد به اینکه مسائل تربیت اطفال دانشسراهای روستائی نمونه یك طبیعت ویژه‌ئی میباشد ایجاد کرده زیرا عملا این آکادمی‌ها آموزش متوسطه وحرفه‌ئی کشاورزی را دفعتاً شاملند . (همچنین رژیم شبانه‌روزی را) بعلاوه پرسنل آموزشی این مدارس تربیت مخصوص نگرفته وازمؤسسات مختلفه آمده‌اند. آکادمی که تمام پرسنل آموزشی را گردآوری میکند هرماه یکبار تشکیل جلسه میدهد و مسائل علمی را مطالعه میکند . برنامه‌های تحصیلی را منظم مینماید . ترتیبات رسمی را تفسیرمیکنند ، مسائل علمی را بررسی ومطالعات تربیتی اطفال را سفارش میکنند .

امتحانات خروجی :

امتحانات برای دیپلم معلمی روستائی بین اول مارس وسی یکم ژوئیه انجام میگیرد ، هیئت ممتحنه درهرجلسه وسیلهٔ مدیروازبین استادان موسسه انتخاب میشوند . امتحان سه مرحله دارد : عمل ، شفاهی وکتبی ، امتحان عملی بمدت سه‌روزدریکی ازدبستانهای روستائی بعمل میآید وداطلب باید چند سؤال کوچك را عملا اجرا نماید . روز سوم ازکودکان امتحان خیلی ساده‌ئی بعمل میآورد که بامعلومات خودش موافق باشد.امتحان کتبی عبارت از

موضوعی است که خود داوطلب انتخاب مینماید وراجع به تحقیق یا درمورد تربیت کودکان است . امتحان شفاهی مکمل امتحان کتبی است ودرعین حال جنبهٔ یك تظاهر عمومی استعداد حرفه ئی دارد . داوطلب قبول شده باید ورقهٔ ورود به خدمت خود را بدین طریق املا وامضاء کند :« من واردخدمت میشوم که شغل آموزگاری خود را با شهامت ولیاقت انجام دهم وهرگز برخلاف رویه وپرستیژ حرفهٔ خود وشهرت دانشسرائیکه بمن دیپلم اعطا نموده است اقدامی نکنم ومعلومات وتجربیات خود را درتمام مراحل تکمیل کرده وبنفع طبقه اطفال میهن بکار برم . »

شاگردان سابق :

به کلیهٔ مدیران دانشسراهای روستائی دستورداده شده که ازشاگردان سابق خود فهرستی بردارد ومرتباً ازفعالیتهای آنها اطلاع یابد . منظور ازاین عمل اینست که ازچگونگی پیشرفت کارواحوال آنها برای رفع نقائص دانشسرا استفاده شود . بعلاوه دراین صورت ممکن است که با معلمین جدید تماس گرفته در نخستین سال تدریسی به آنها کمك های لازم بشود . ولی باوجود اهمیت این مسئله هنوزدراین باب اقدامی نشده وشاگردی که از دانشسرا خارج وبه مأموریت خود میرود با اولیای دانشسرا جز از طریق احساسات رابطه ئی ندارد .

اجتماعات واشتراکات شاگردان سابق بیست ویك دانشسرای روستائی تشکیل یك فدراسیون میدهند که مأمور است برای هرشاگردی تحصیلات خود را به پایان رسانیده دریکی از مدارس ابتدائی شغلی بگیرد . طبق قانون دیپلمه‌های دانشسرای روستائی باید در یکی ازمدارس نیم شهری بسمت مدیر با حقوق ماهیانه ۳۲۰ پزواستخدام شوند .

در۱۹۵۱دانشسرای (المکز) هجده دیپلم وسایردانشسراهای مشابه آن جمعاً ۲۲۸ دیپلم به فارغ التحصیلان اعطا کرده است .

پایان و نتیجه

۱ــ ازسال ۱۹۱۰ تعلیم وتربیت ملت بزرگترین اشتغال‌خاطر دولت مکزیك را فراهم ساخته‌بود وچون بیشتر سکنهٔ این کشورروستائی میباشند، آموزش‌روستائی بزرگترین هدف‌دولتهای وقت قرار گرفته است . دبستان روستائی از بدوپیدایش نقش معلم اجتماعی راکه سابق براین معلمین علم تربیت اطفال بعهده داشتند ایفا کرده است ومنظورنهائی آن بسط وتوسعه اجتماعی‌روستائی میباشد.دانشسراهای روستائی نیز بمنظور تربیت آموزگار جهت دبستانهای روستائی تأسیس گــردیده‌اند . دانشسرا معلمین مدارس روستائی‌را برای رفع‌احتیاجات ومطابق بازندگی آنان‌و برای‌عمل‌اجتماعی تربیت میکند و معلومات علمی وفنی لازمه برای حرفهٔ معلمی را به آنان میآموزد . شواهد بسیار نشان میدهد که تأثیر قوهٔ فاعلهٔ این مؤسسات تاچه مایه است . معهذا باید دانستکه دبستان روستائی هدفهای ویژهٔ خود را از نظردورداشته و برنامــه‌ها طاقت فرسا وانضباطهای نظری برآن تحمیل کرده است . ولی هردفعه‌که یکی ازشاگردان قدیمی دانشسرا به مدیریت دبستان‌های روستائی برگزیدهٔ میشود چون دارای معلومات وتجربیات‌کافی است ، دبستان روستائی را بمفهوم حقیقی یك دبستان مکزیکی میرساند .

۲ــ درحال حاضر تعداد دانشسراهای روستائی بقدرکافــی نبوده و معلمین صلاحیتدار روستائی نیزنسبت به‌احتیاجات کشور بسیاراندك‌میباشند، دانشسراهای روستائی از بدرتأسیس‌خود تاکنون تعداد ۹۰۰۰ معلم تربیت کرده‌اند ولی درهمین مدت ،آموزش ابتدائی روستائی بقدری توسعه یافته که ۲۳۰۰۰ معلم لازم داشته است ، تا سال ۱۹٤٤ دانشسرا بطورمتوسط سالیانه ٥٦۰ معلم تربیت میکردند و در ۱۹٥۱ جــز ۲۲۸ نفر تربیت نکرده‌اند .

باازدیاد جمعیت و توسعه روش تدریسی (تعداد مدارس و مدت تحصیلات) ناگزیرند که تعداد دانشسرا ها را دو برابر گرده و پنجاه هزار معلم جدید تربیت کنند. بعبارت دیگر اگر نتوانند با سرعت زیاد به تکثیر معلمین روستائی بپردازند مجبورند معلمین متفرقه بدون صلاحیت استخدام نموده و تا مدت مدیدی صرف وقت کنند تا معلمین ممتاز تربیت و حاضر بکار شوند.

این ملاحظات سبب شد که در ۱۹٤٥ دولت دارالعلمهائی بوجود بیاورد تا تربیت حرفه‌ئی معلمین بدون دیپلم را بعهده بگیرد. این مؤسسه که مرکز آن مکزیکو میباشد دبیران متعددی استخدام میکند و دوره‌های معمولی را تشکیل میدهد، دروس بوسیلهٔ مکاتبه را برای کسانی که خارج از محیط بوده و در امکنهٔ دورافتاده سکونت دارند تدریس مینماید. درهرحال برنامه همان برنامهٔ دانشسرا ست. دروس محلی که در مکزیکو انجام میگیرد شب جمعه و شنبه و یکشنبه تا ظهر است. بعلت اشکالات روابط پستی (آموزگار روستائی در نواحی دوردست کار میکند) شاگردانی که وسیلهٔ مکاتبه درس میخوانند مواد دروس شان سالیانه ارسال میگردد. سر سال هر شاگردی در یکی از شهرهای نزدیك بمحل اقامت خود مدت پنجاه روز کارآموزی میکند و استادان دارالعلم موادی که مربوط به دورهٔ تحصیلی آنها ست به آنان میآموزند. مدت تحصیل شش سال است. تا کنون در دارالعلم مزبور ۹۰۰۰ نفر نام نویسی کرده و امید است بیش از این بر نفرات داوطلبین افزوده گردد. با همهٔ اینها بازهم نتایج حاصله از این عمل معلوم نیست. درحقیقت باید دانست که آیا معلمینی که از این طرز تحصیل برخوردار میشوند صلاحیت کامل معلمینی را که دورهٔ دانشسرا را طی میکنند خواهند داشت و درعمل به پایهٔ آنها خواهند رسید یا نه؟ باید تذکر داد که معلم دارالعلم از حقوق ومزایای بیشتری بهره‌مند میشود ومساعدات لازم در حق آنها بعمل میآید واین موضوع سبب تشویق شاگردان دارالعلم میگردد.

۳- چون برنامه‌های شهری و روستائی یکسان است مجبورند یك برنامهٔ اضافی نظری نیز در پروگرام خود وارد کنند و این برنامهٔ اضافی

بهیچ‌وجه‌درطرز تعلیم آنان مؤثر نیست .

درست‌است که روی نقشهٔ حرفه‌ئی، معلم روستائی ازهمکارشهری خود کمتر نبوده کاراوازکار دیگری کم ارزش‌ترنیست ونباید هم باشد . بعلاوه تعلیم باید باشرایط محلی موافق باشد وآموزش دانشسرا باید از بسیاری ازعوامل‌جدید برخوردار گردد: نفوذکامل مسائل بین‌المللی،توسعه‌بازرگانی واقتصادی وتربیتی کشور، کشفیات‌جدید عمل ، فنون تعلیمات سمعی وبصری لزوم بسط‌فرهنگ بالغین ، اهمیت‌مطالعات‌مردم شناسی برای معلم وغیره. ولی با تأمین یك تربیت دامنه داردربارهٔ معلم روستائی باید تغییرات و هدفهای ویژهٔ دانشسراها را درنظر گرفت . یك موضوع قابل تذکراست: برنامه‌های سیکل اول دانشسرای روستائی با برنامه‌های آموزش متوسطه توافق‌داردوازسال‌چهارم‌تحصیلی‌عده کمترمیشود.قسمت عمده‌ئی‌ازشاگردان نام‌نویسی نمیکنند مگربرای‌اینکه دردانشسرای‌روستائی، تحصیلات‌متوسطه خود رابطریق شبانه روزی دنبال‌نمایندوبعداً به‌مؤسسه دیگروارد میشوند. بدین‌جهت‌است که‌در۱۹۵۱ تنها ۲۲۸ دیپلم‌صادرشده‌درصورتیکه‌درهمانسال ٤۸۷۲ نفرنام‌نویسی کرده‌اند .

پایان

BETETA, RAMÕN, *Pensamiento y yinámica de la Revolución mexicana*, Mexico, Editorial México Nuevo, 1950, 579 pages.

BONILLA Y SEGURA, GUILLERMO, «Les missions culturelles au Mexique», *Education de base: bulletin trimestriel*, vol. I, nº 1 (janvier.1949), p. 15-23, Paris, Unesco, Égalemeat publié en anglais et en espagnol.

COOK, KATHERINE MARGARET (O'BRIEN), *The home of the people :an account of Mexic'os new schools of action* (U.S. Office of Education, Bulletin 1932, nº 11), Washington, Government Printing Office, 1932' 73 pages, ill.

CORONA, ENRIQUE, *Razón de ser de las misiones culturelles de la Secretaria de Education Pùblica*, Mexico 1947, 67 pages, ill.

Educatión Nacional, nº 4 (dedicado al Congreso de Education Normal de Saltillo) Mexico, 1944.

GALLO MARTÍNEZ, VICTOR, *Cartas sobre educatión, a un maestro, a un Padre de familia* Mexico, Editorial Proa, 1951, 220 pages.

HUGHES, LLOYD H., *Les missions culturelles mexicaines* Monograhies sur Léducation de base, III Paris, Unesco, 83 pages, ill. Egalement publié en anglais et en espagnol.

ITURRIAGOA, JOSE, *La estructura social y cultural de México*, Mexico, Editorial Porrúa, 1952,

KNELLER, GEORGE F., *The education of the Mexican Nation*, New York, Colmbia University Press, 1951, 258 page

LARROYO, FRANCISCO, *Historia comparada de la educatión en México*, Mexico, Editorial Porrúa, 1952.

LOURRENÇO FILHO, M. B., *A educacão rural no Mhxico*, Rio de Janeiro, 1951, 93 feuillets, miméo.

MIÑANO GARCÍA, MAX H., *La educación rurat en México*, Mexico, Secretaria de Educación Pública, 1945, 425 pages.

MORENO JASSO, J. LAMBERTO, «Les missions culturelles au Mexique», *Éducation du base: bulletin trimestriel*, vol. I, nº 4 (octobre 1949), p. 3-8, Paris, Unesco, Êgalement publié en anglais et en espagnol.

RAMÍREZ, RAFAEL, *La enseñanza por la acción de la escuela rural*, Mexico, Editorial Técnico-Educativa, 1945.

—« La formación de maestros rurales», *Acción Social*, año 12, nº 101 (juin 1941), p. 26-28, Santiago du Chili, Caja del Seguro Obligatorio. RAMOS, Samuel *Veinte años de educación mexicano*, Mexico, Editorial Porrúa, 1945.

RUBIO VILLAGRÁN, J., et PEZA DE LA VEGA, CARLOS (éd.), *Agenda del maestro* (nº 4 1950), Mexico, 1950, 606 pages.

SÁENZ, MOISÉS, *La escuela rural mexicana* (Conferencia del año de 1929), Pátzcuaro, C. R. E. F. A. L., 1951.

SÁNCHEZ, GEORGE I., *Mexico: a revolution by education*, Now York, Viking Press, 1939, 211 pages.

SECRETARÍA DE EDUCACIÓN PÚBLICA, *Direcctión General de Alfabetización y Educación Extra Escolar*, Mexico, 1951, 60 pages.

—*Educación campesina y fomento rural*, Mexico, 1932.

—*Escuelas regionales campesinas*, Mexico, 1940.

—*El esfuerzo educativo en México* (1924-1928), Mexico,

1928, 2 vol., ill., tableaux, diagrammes.

—*Estudio acerca de la educación fundamental en México* (Biblioteca enciclopédica popular, 2 a época, 183), Mexico, 1947, 147 pages.

—*Las misiones culturales 1927 Las escuelas normales rurales*, Mexico, 1928, 470 pages, ill., cartes, tableaux, diagrammes.

——*Las misiones culturales, 1932–1933*, Mexico, Tallers Gráficos de la Nación, 1933, 357 pages, ill., tableaux draggrammes.

—*Plan de estudios, programas, reglamentos y disposiciones ténicas y administrativas dictadas en los anos 1939–40, para las escuelas régionales campesinas del Departmento de Enseñanza Agricola y Normal Rural*, Mexico, 1940, 383 pages, planches.

—*Programas para las escuelas normales rurales*, Mexico, 1933, 19 pages. SERNA G., SIMÓN, «Las escuelas normales rurales de México», *Nueva era*, vol. 13 (1944), p. 203–205, Quito (Équateur).

TANNENBAUM, FRANK, *Nexico the struggle for peace and bread*, New York, Knopf, 1950, 293 pages.

TEJA ZABRE, ALFONSO, *Panorama histórico de la Revolución mexicana*, Mexico, Botas, 1939, 220 pages.

TORRES BODET, JAIME, *Educacion Mexicana, discursos, entrevistas, mensajes*, Mexico, Secretaría de Educacion Pública, 1944, 248 pages.

VALDÊS, JOSÊ SANTOS, *La batalla por la cultura*, s.l., Ediciónes Morelos, 1943 (?), 212 pages.

—«Cómo se forma en México el maestro rural», *Educación*, año 1, n° 3 (mai 1940) p. 31-36, Mexico.

WHETTEN, NATHAN L., *Rural Mexico*, Chicago, University of Chicago Press, 1948, 671 pages, ill., cartes.